

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دین و بین الملل



شماره دوازدهم

اردیبهشت ۱۴۰۱



ماهنامه دین و بین الملل

تهیه و تدوین: مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه

با همکاری اندیشکده راهبردی مرصاد

ناظر علمی: سید مفید حسینی کوهساری

سرمدیر: علی امیرخانی

آدرس: قم، جمکران، بلوار انتظار، مجتمع دارالولایه،

مرکز مدیریت حوزه های علمیه، طبقه ۳

مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه

تلفن: ۰۲۵۳۳۱۳۳۱۴۰

فاکس: ۰۲۵۳۳۱۳۳۱۲۸

آدرس پایگاه اطلاع رسانی: www.hawzah-ird.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۶
بخش اول: اخبار.....	۹
جهان اسلام.....	۱۰
رهبر طالبان در حضوری نادر در مراسم نماز عید فطر قندهار شرکت کرد.....	۱۰
محقق: طالبان از تفاوت‌های مذهبی برای تحقیر و سرکوب جامعه هزاره و شیعه استفاده می‌کنند.....	۱۲
خودداری سعودی از واگذاری پرونده حج به دولت سوریه.....	۱۴
دادگاه قانون اساسی ترکیه تدریس دروس دینی را «نقض حقوق بشر» خواند.....	۱۷
بازگشایی بزرگترین کلیسای تاریخی ارامنه خاورمیانه در دیاربکر.....	۲۰
سازمان دیانت آکادمی الهیات راه‌اندازی می‌کند.....	۲۳
سلطان فرقه بهره به همراه سیسی از توسعه مسجد الحسین بازدید کردند.....	۲۴
الازهر برای اولین بار به یک زن پست مهم داد.....	۲۸
دفاع تمام قد شیخ الازهر از حقوق اهل کتاب.....	۲۹

غرب..... ۳۳

۸۵ درصد مسلمانان در دور دوم انتخابات فرانسه به ماکرون رأی دادند.. ۳۳

سوزاندن قرآن و تخریب مقبره مسلمانان در سوئد و نروژ..... ۳۵

جنگال بر سر مایو اسلامی در استخرهای فرانسه ادامه دارد ۳۷

شرق..... ۴۰

حذف بلندگوها از اماکن مذهبی در هند؛ تبعیض قانونی علیه مسلمانان ... ۴۰

کاهش نرخ باروری کل در هندوستان؛ شدیدترین کاهش در میان

مسلمانان ۴۴

سایر ادیان..... ۴۶

دیوان عالی آمریکا قصد دارد حق سقط جنین را لغو کند ۴۶

اتحادیه اروپا به دنبال تحریم رهبر کلیسای ارتدوکس روسیه ۵۰

منابع عبری از احتمال لغو سفر پاپ به اراضی اشغالی خبر دادند ۵۲

اخبار کوتاه..... ۵۴

بخش دوم: روندها..... ۶۰

دین، جنگ اوکراین و آینده نظم جهانی..... ۶۱

روسیه و اوکراین: آیا تقسیم بندی جدید بین مسکو و غرب بر سر مذهب

است؟ ۶۱

- واتیکان و جنگ اوکراین؛ از تضاد با سیاست خارجی آمریکا تا حفظ روابط
با ارتدوکس شرقی ۶۴
- ایران، جهان تشیع و چالش‌های الهیاتی جنگ روسیه علیه اوکراین ۶۹
- جنگ جهانی گندم و چالش‌های پیش روی جهان اسلام ۷۳
- فراز و فرود اسلام‌گرایی ۷۷**
- زمزمه‌های بازگشت اسلام‌گرایان در سودان با شکل‌گیری ائتلافی گسترده از
جریان‌های اسلامی ۷۷
- دادگاه تجدید نظر مصر حکم حبس ابد رهبر زندانی اخوان المسلمین را تأیید
کرد ۸۰
- اتحاد علماء المسلمین از نزدیکی ترکیه و عربستان تمجید می‌کند ۸۲
- درباره نزدیکی روابط ترکیه و مصر و سرنوشت اخوانی‌ها؛ پایان ماه‌عسل
اخوان و اردوغان؟! ۸۴
- قیس سعید قانون اساسی تونس را هدف قرار می‌دهد: اسلام دین ملت است نه
دولت ۹۱
- جنگ مذهبی بر سر مسجد الاقصی ۹۳**
- چگونه صهیونیسم به جنگ مذهبی در مسجد الاقصی دامن زد؟ ۹۳
- تنش بین اردن و اسرائیل بر سر تولیت اماکن مقدس در قدس ۱۰۱
- کویت؛ استثنای حمایت از مسئله فلسطین در کشورهای خلیج فارس ۱۰۴

- انقلاب دینی و فرهنگی در خلیج فارس..... ۱۰۷
- هفته «اسلام معتدل» در عربستان و امارات ۱۰۷
- انقلابی فرهنگی در صنعت فیلمسازی و رسانه در عربستان سعودی..... ۱۱۰
- سرنوشت کمیته امر به معروف و نهی از منکر عربستان وزمینہ سازی برای
انحلال آن ۱۱۶
- درباره وثیقه مکه؛ تعهدنامه سکولار عربستان برای عالمان و آینده جهان اسلام
..... ۱۲۰
- حرم بقیع و عادی سازی روابط شیعیان با سعودی ها ۱۲۵
- مقتدی صدر خواهان بازسازی مرقدہای مطہر ائمه بقیع شد ۱۲۵
- اقدام ۴۵ نماینده پارلمان عراق برای بازسازی حرم بقیع ۱۲۷
- برداشتن موانع آہنی مقابل قبر مطہر حضرت ام البنینؑ در بقیع ۱۲۸
- پوشش زنان و امر سیاسی ۱۳۰
- رہبر طالبان: زنان افغانستان باید برقع بپوشند ۱۳۰
- محدودیت های پوششی و آرایشی برای زنان در ترکمنستان ۱۳۲
- گردشگری مذہبی..... ۱۳۵
- آمادہ شدن تونس برای زیارت ہزاران یہودی از یکی از قدیمی ترین کنیسیہ های
جهان ۱۳۵
- مسیر خانوادہ مقدس؛ اولین سفر زیارتی مسیحیان در مصر ۱۳۷

بخش سوم: تحلیل‌ها..... ۱۴۱

«الثقافة الإسلامية»؛ شش دهه زیست اسلام‌گرایی در بستر نهاد آموزش... ۱۴۲

هر روستا، یک مدرسه دینی؛ رویای طالبان برای آینده افغانستان..... ۱۵۱

طویانه؛ فروش و بردگی زنان در افغانستان..... ۱۵۵

تلنت شو «عطر الکلام»؛ سعودی‌ها دین و سرگرمی را ترکیب می‌کنند... ۱۵۹

دین ابراهیمی جدید؛ در ظاهر رحمت و در باطن عذاب..... ۱۶۲

مقاله روزنامه هاآرتص: همه اسرائیلی‌ها در اشغال شریک هستند..... ۱۶۶

پادشاه مراکش نیز سیاست دینی خود را با ابزار اعتبارسنجی احادیث به پیش

می‌برد..... ۱۷۰

بخش چهارم: منشورات..... ۱۷۳

نقش طریقت‌ها و گروه‌های دینی در ساخت سیاسی قدرت در ترکیه..... ۱۷۴

کتاب «تروریسم نوین: بازیگران، راهبردها و تاکتیک‌ها» منتشر شد..... ۱۸۰

معرفی کتاب «فراتر از حکومت سکولار و حکومت دین، سیاست دینی در

اسرائیل و ترکیه»..... ۱۸۷

پیشگفتار

جایگاه و نقش حوزه‌های علمیه در نظم نوین جهانی

مقام معظم رهبری مد ظله العالی به عنوان دیده‌بان و سکان‌دار قافله اسلام ناب محمدی در یک دهه اخیر همواره نسبت به اوضاع سیاسی و تحولات جهانی نکاتی را گوشزد فرمودند که از بیانات حکیمانه معظم له چنین برداشت می‌شود که جهان آستن تغییرات و تحولات اساسی است و در آینده‌ای نه چندان دور جهان تحولات شگرفی را به خود خواهد دید و جالب اینکه ایشان نوید این نکته را دادند که بخش مهمی از این تحولات به نفع ج.ا.و جهان اسلام خواهد بود. رهبر انقلاب مد ظله العالی سال ۱۳۹۳ فرمودند: «نگاه به اوضاع سیاسی جهان و منطقه نشان می‌دهد که ما در مقطع حساسی هستیم؛ به معنای واقعی کلمه، امروز یک پیچ تاریخی است.» (سخنرانی معظم له در تاریخ ۱۶ تیرماه ۱۳۹۳ ش)

این پیچ تاریخی امروز به نقطه تعیین‌کننده و حساس خود رسیده است. ایران نه تنها دیگر یک بازیگر منفعل نیست بلکه خود یکی از عوامل شکل‌دهی به نظم جدید است. آنچه شهید سلیمانی طی حدود دو دهه اخیر در منطقه انجام داد و با خنثی کردن طرح‌های آمریکا، نظم جدیدی را در منطقه پی‌ریزی کرد، نمونه‌ای روشن و پیش چشم از این نقش‌آفرینی است. رصد مواضع و نگاه رهبر

انقلاب نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران در بالاترین سطح نسبت به این تغییر تاریخی آگاهی و اشراف دارد.

مقام معظم رهبری مدظله العالی در جایی دیگر می‌فرماید:

«وقتی که دنیا در حال تغییر است، نظم جهانی در حال تغییر است و نظم جدیدی در حال نطفه‌بندی است، ما طبعاً وظایف مهم‌تری خواهیم داشت. در نظم جدید عالم، جایگاه اسلام، جایگاه جمهوری اسلامی، جایگاه کشور مهم ما ایران کجا خواهد بود؟ این را می‌توانیم فکر کنیم، پیش‌بینی کنیم، در راه آن حرکت کنیم.» (رهبر معظم انقلاب؛ دیدار با خبرگان رهبری؛ ۱۳ شهریورماه ۱۳۹۳ ش)

همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی مدظله العالی در دیدار رضائی امسال با دانشجویان، فرمودند: «این جنگ اوکراین را به نظر من باید یک مقداری با یک دید عمیق‌تری نگاه کرد؛ این جنگ صرفاً یک حمله نظامی به یک کشور نیست. ریشه‌های این حرکتی که امروز انسان دارد در اروپا مشاهده می‌کند، ریشه‌های عمیقی است و آینده‌های پیچیده و دشواری را انسان حدس می‌زند که وجود داشته باشد. خب اگر فرض کنیم که این حدس ما حدس درستی باشد و دنیا در آستانه‌ی یک نظم جدید باشد، آن وقت همه‌ی کشورها از جمله کشور ایران اسلامی ما وظیفه دارد جوری در این نظم جدید حضور پیدا کند، حضور سخت‌افزاری و حضور نرم‌افزاری که بتواند امنیت کشور را، و منافع کشور و ملت را تأمین کند، در حاشیه نماند، عقب نماند.» (بیانات مقام معظم رهبری مد ظله العالی در تاریخ ۶ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ ش)

اکنون پرسش اساسی این است که جایگاه و نقش و سهم حوزه‌های علمیه به عنوان پرچمداران و متولیان فرهنگ اسلامی و مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) در این پیچ تاریخی حساس و نظم نوین جدید جهانی کجاست؟!

آیا حوزه‌های علمیه برای جا نماندن از این قافله که به سرعت به ما نزدیک می‌شود، از نظر نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و آماده‌سازی زیرساخت‌ها خود را در داخل و در عرصه بین‌الملل آماده ورود به دروازه نظم نوین جدید کرده است؟!

و ده‌ها پرسش اساسی دیگر در این گفتار مطرح است که اگر حوزه‌های علمیه، مراجع معظم، اساتید و نخبگان مدیران و سیاست‌گزاران و متولیان امور حوزه‌های علمیه، به فکر پاسخ آنها در شرایط جدید و آینده‌ای نه چندان دور نباشند، سهم و نقش پرچمداران مکتب اهل بیت و مقوله دین و فرهنگ در فضای جدید و شکل‌گیری نظم نوین جهانی جدید، ضعیف، کم‌رنگ و ناچیز خواهد بود.

سید مفید حسینی کوهساری

مسئول مرکز ارتباطات و بین‌الملل حوزه‌های علمیه



بخش اول: اخبار

جهان اسلام

رهبر طالبان در حضوری نادر در مراسم نماز عید فطر قندهار شرکت کرد



هبت‌الله آخندزاده، رهبر طالبان روز یکشنبه یک مه (۱۱ اردیبهشت) برای دومین بار در شش سال گذشته در انظار عمومی ظاهر شد و در یک سخنرانی مدعی شد که پیروزی طالبان در ماه اوت گذشته این کشور را قادر کرد تا «آزادی و امنیت را باز یابد».

اعضای طالبان حضور هبت‌الله آخندزاده را در این مراسم اعلام کردند با این حال برخی از شهروندان افغانستان در شبکه‌های اجتماعی با دیده تردید به این موضوع نگاه کردند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، نمازگزاران عید فطر در مسجد عیدگاه در جنوب شهر قندهار که یکی از پایگاه‌های طالبان محسوب می‌شود مشغول خواندن نماز بودند که مردی در صف‌های ابتدایی نماز ایستاد و هبت‌الله آخوندزاده معرفی شد.

طبق پیام‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است، رهبر طالبان بعد از نماز بدون آنکه به سمت جمعیت برگردد شروع به صحبت کرد. وی خطاب به جمعیت گفت: «پیروزی، آزادی و امنیت را به شما تبریک می‌گویم. امنیت و نظامی اسلامی را به شما تبریک می‌گویم.» در این مراسم دو ساعته، دو بالغ‌کرد به طور مداوم بر فراز مسجد پرواز می‌کردند.^۱

ملاحظه: آخوندزاده از زمانی که در سال ۲۰۱۶ رهبر طالبان شده است تنها دو بار در انظار عمومی ظاهر شده است. او ماه اکتبر گذشته در مسجدی در قندهار حضور یافت و امروز نیز بار دومی بود که شهروندان افغانستان او را در ملا عام می‌دیدند. رهبر طالبان اغلب پیام‌های خود را که بیشتر به مناسبت اعیاد اسلامی است به صورت صوتی منتشر می‌کند و گفته می‌شود که او بیشتر وقت خود را در قندهار می‌گذراند.

^۱ <https://per.euronews.com/۰۱/۰۵/۲۰۲۲/afghanistan-rare-public-appearance-of-hibitullah-akhundzada-taliban-leader-for-eid>

مقام‌های امارت اسلامی طالبان شنبه شب، ۱۰ اردیبهشت ماه، در بیانیه‌ای اعلام کردند به دلیل این که هلال ماه در افق افغانستان دیده شده، روز یکشنبه ۱۱ اردیبهشت عید فطر است.

این نخستین بار است که طالبان پیش از عربستان سعودی عید فطر را اعلام کردند.

دولت‌های پیشین در افغانستان در خصوص عید فطر از عربستان سعودی پیروی می‌کردند.

محقق: طالبان از تفاوت‌های مذهبی برای تحقیر و سرکوب جامعه هزاره و شیعه استفاده می‌کنند



محمد محقق، رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان، طالبان را متهم کرده است که از تفاوت‌های مذهبی به عنوان فرصتی برای «تصفیه حساب‌های مذهبی» استفاده کرده و جامعه شیعه و قوم هزاره را «تحقیر و سرکوب» می‌کنند.

آقای محقق این اظهارات را پنج‌شنبه شب (۲۵ فروردین) در صفحه‌ی فیسبوک خود در واکنش به تشهیر (رسوا ساختن مجرم) یک مسافر هزاره و پیرو مذهب شیعه از سوی طالبان در ولایت غور، مطرح کرده است.

این فرد شهروند ولسوالی لعل و سرچنگل ولایت غور بوده است. طالبان او را روز گذشته به جرم روزه‌خوری، شکنجه کرده و سپس لقمه‌ای غذا را به دهنش گذاشته و در بازار تشهیر منفی کرده‌اند.

محقق نوشته است که پیروان مذهب شیعه بر اساس فقه‌شان در هنگام مریضی و یا مسافرت روزه را قصر می‌کنند و قضای آن را در وقت دیگر بجا می‌آورند. با این حال، او گفته است که طالبان خلاف شعار و تعهدشان مبنی بر رعایت حقوق مذهبی اهل تشیع، عمل می‌کنند.

محقق از علما و شخصیت‌های کشور، به ویژه جامعه تشیع و هزاره که به گفته‌ی او، به نحوی با طالبان همکاری دارند، نیز خواسته است که بر ظلم‌هایی که بر جامعه هزاره و شیعه روا داشته می‌شود، توجه داشته باشند و تا حد امکان از آن جلوگیری کنند.^۱

^۱ <https://www.etilaatroz.com/۱۴۰۵۳۹>

خودداری سعودی از واگذاری پرونده حج به دولت سوریه



از سال ۲۰۱۳ و پس از آنکه سعودی پرونده حج را از وزارت اوقاف سوریه گرفت، سروسامان دادن اوضاع حجاج سوری به کمیته عالی حج ائتلاف مخالفان نظام سوریه واگذار شد و این نشانه‌ای بود مبنی بر اینکه سعودی مشروعیت نظام سوریه را به رسمیت نمی‌شناسد.

در ۱۹ آوریل امسال نیز کمیته عالی حج سوریه و نه وزارت اوقاف این کشور، شرایط مورد نظر سعودی برای پذیرش ۱۰۱۸۶ سوری را برای انجام اعمال حج اعلام کرد. این اعلام برای برخی غیرمنتظره بود، به ویژه به دلیل آنکه حج موضوعی حاکمیتی است و انتظارات این بود که با وجود گفتگوهای صورت گرفته در ماه‌های گذشته میان دو کشور، سطحی از عادی سازی روابط میان دو طرف رخ داده باشد هرچند هیچ بیانیه رسمی‌ای این موضوع را تأکید نکرده است.

عادی‌سازی متزلزل

کمیته عالی حج وابسته به ائتلاف مخالفین نظام در ماه مه ۲۰۱۳، ماه‌ها پس از بسته شدن سفارت سعودی در دمشق و خروج دیپلمات‌های سعودی از سوریه در مارس ۲۰۱۲ همزمان با تظاهرات مخالفین و پس از آنکه وزارت حج و عمره سعودی از انعقاد قرارداد معمول سالانه با وزارت اوقاف سوریه در سال ۲۰۱۲ خودداری کرد، کل پرونده حج را در اختیار گرفت.

علیرغم محکومیت‌ها و اعتراضات سالانه و مکرر وزارت اوقاف سوریه در مورد واگذاری پرونده حج به مخالفان سوری و اعمال محدودیت برای سفر زائران از مناطق تحت کنترل دولت سوریه، تصمیم سعودی همچنان بدون تغییر باقی مانده است.

بلال سلامه، پژوهشگر مؤسسه عالی مطالعات بین‌المللی و توسعه در ژنو، تأکید کرد که بی‌تردید واگذاری پرونده حج به مخالفان پیامی سیاسی است که به رسمیت شناختن یک نهاد به عنوان نماینده مردم سوریه را از دیدگاه دولت سعودی تأیید می‌کند. سلیمه معتقد است که تلاش‌هایی برای نزدیک شدن میان سوریه و سعودی صورت می‌گیرد، اما این همگرایی مسیری «متزلزل و بی‌ثبات» را طی می‌کند، هرچند که ممکن است در درازمدت به سمت عادی‌سازی پیش رود.

وی افزود که این همگرایی با دیدارهایی در سطوح مختلف دنبال شده هرچند هنوز به سطح به رسمیت شناختن سیاسی نرسیده است. از نظر سلامه، سعودی در

مورد عادی سازی روابط خود با دولت سوریه محتاط و بی‌میل است، و این به دلیل جایگاه عربستان و نقش منطقه‌ای سعودی و موضع آمریکا در رد عادی سازی با دولت سوریه و بازگشت این کشور به اتحادیه عرب است.

آیا پرونده حج مجدداً به دولت واگذار می‌شود؟

پس از واگذاری پرونده حج به مخالفین، دولت سوریه هر ساله سعودی را به محروم کردن مردم سوریه از انجام حج و سیاسی کردن این فریضه دینی متهم می‌کند، اگرچه کمیته، متقاضیان سوری را بدون توجه به محل سکونت آنها می‌پذیرد.

در ۲۴ آوریل، حسن نصرالله، مدیر حج در وزارت اوقاف سوریه، اعلام کرد بیانیه‌های کمیته عالی حج سوریه امسال توسط «احزاب متخاصم با مردم سوریه» صادر شده است، زیرا زائران سوری همیشه تحت نظارت هیئت رسمی حج وزارت اوقاف، سوریه را به مقصد عربستان ترک کرد. نصرالله از شهروندان خواست برای زیارت حج، نزد نهادهایی نامشخص و غیر مورد تأیید وزارت اوقاف ثبت نام نکنند. بلال سلامه، واگذاری مجدد پرونده حج به دولت سوریه در صورت نزدیک شدن رسمی در آینده را طبیعی دانست.

در همین حال، سامر بیرق‌دار، مدیر کمیته عالی حج گفت که اگر اپوزیسیون اداره حج را بر عهده نداشته باشد، حج به آرزوی دیرینه‌ای برای بیش از نیمی از مردم سوریه تبدیل می‌شود و رژیم با این موضوع با تبعیض و فساد برخورد خواهد کرد.

از نظر بیرق‌دار، این رژیم است که سعی می‌کند به طرق مختلف، از جمله ممانعت از سفر، تخریب وجهه کمیته عالی حج، احضار زائران به شعب تحقیق، دستگیری مدیران مورد تأیید کمیته عالی حج و گرفتن عوارض از کسانی که قصد رفتن به حج دارند، مانع از انجام مناسک حج توسط سوری‌های ساکن در مناطق تحت کنترل خود می‌شود.^۱

دادگاه قانون اساسی ترکیه تدریس دروس دینی را نقض حقوق بشر خواند



به دنبال شکایت یک شهروند ترکیه، دادگاه قانون اساسی این کشور پس از یک کشمکش طولانی هشت ساله، برگزاری کلاس‌های دینی اجباری در مدارس

^۱ https://english.enabbaladi.net/archives/۰۵/۲۰۲۲/syrian_opposition_still_holds_hajj_file_despite_signs_of_normalization_between_saudi_arabia_and_al-assad_regime

را به صراحت «نقض حقوق بشر» اعلام کرد. این تصمیم با استناد به اصل «آزادی دین و وجدان» اخذ شد.

انتشار این خبر هم‌زمان با حذف یک ماده قانونی مصوب سال ۱۹۲۸ تحت عنوان «دین دولت ترکیه اسلام است» صورت گرفت که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، نشان می‌دهد ترکیه بار دیگر در حال برداشتن گام‌هایی مؤثر برای احیای سکولاریسم است.

در همین زمینه، روزنامه «جمهوریت» در گزارشی نوشت که مجمع عمومی دادگاه قانون اساسی ترکیه در ۷ آوریل، برای رسیدگی به شکایت فردی تشکیل شد که در سال ۲۰۱۴ کلاس اجباری دین را نقض آزادی مذهب دانسته بود. در این پرونده که هشت سال در هیئت عمومی دادگاه قانون اساسی این کشور در حال بررسی بود، آمده است: «حق بدیهی والدین برای تعلیم و تربیت فرزندانشان بر اساس اعتقادهای دینی و فلسفی خود در بند چهارم اصل ۲۴ قانون اساسی نقض شده است.»

بر اساس این گزارش، دادگاه قانون اساسی ترکیه اعلام کرد که تدریس اجباری دروس دینی حق والدین برای اطمینان از تعلیم و تربیت بر اساس باورهای دینی و فلسفی خود را نقض می‌کند.

در پی انتشار این خبر، بسیاری از سیاستمداران ترکیه که دیدگاه اسلام‌گرایانه داشتند، به این موضوع اعتراض کردند؛ از جمله محمت آکیف ییلماز از حزب عدالت و توسعه که در توییت آن را «هدیه دادگاه قانون اساسی ترکیه به مناسبت ماه رمضان» خواند.

از طرفی حزب چپ ترکیه نیز با انتشار بیانیه‌ای در همین زمینه، ضمن اعلام اینکه تعلیم و تربیت دینی را نمی‌توان به عنوان یک ضرورت تحمیل کرد، نوشت: «در مبارزه برای آموزش سکولار و علمی، اجرای تصمیم دادگاه قانون اساسی مبنی بر لغو کلاس‌های اجباری دین را دنبال خواهیم کرد.» در قسمتی از این بیانیه آمده است: «کلاس‌های دینی اجباری که موجب تبعیض و فشار دینی می‌شوند، باید برچیده و تمام محتوای دینی در آموزش و پرورش حذف شوند.»

پیش‌تر در سال ۲۰۰۷، دادگاه حقوق بشر اروپا نیز ضمن محکوم کردن تدریس دروس اجباری دینی در مدارس ترکیه آن را با حقوق بشر مغایر خوانده بود. از نظر دادگاه حقوق بشر اروپا، «آموزش دینی صرفاً به اراده افراد و تقاضای نمایندگان قانونی خردسالان بستگی دارد» و اجباری شدن این دوره خلاف قانون است.

از سوی دیگر، در اصل ۲۴ قانون اساسی ترکیه، با اشاره به اینکه «فرهنگ دینی و معارف اخلاقی» به عنوان یک دوره اجباری در دوره ابتدایی و متوسطه تدریس می‌شود، تأکید شده است که «آموزش دینی تنها به اراده افراد و تقاضای نمایندگان قانونی کودکان بستگی دارد».^۱

^۱ <https://www.independentpersian.com/node/۲۳۱۲۵۶>

بازگشایی بزرگترین کلیسای تاریخی ارمنه خاورمیانه در دیاربکر



دولت ترکیه همزمان با سالگرد نسل‌کشی ارمنه توسط حکومت عثمانی که هر ساله انتقاداتی را متوجه آنها می‌کند، در ۸ مه، کلیسای تاریخی ارمنی سورپ گیراگوس (Surp Giragos)، در منطقه دیاربکر را با اعلام اتمام کار مرمت هفت ساله آن، به روی عبادت‌کنندگان بازگشایی کرد.^۱

ملاحظه: این کلیسای ۶۰۰ ساله در دوره‌ای از امپراتوری عثمانی به مکانی غیر قابل استفاده برای مسیحیان تبدیل شده بود، به طوری که در سال ۱۹۱۳ ارتش امپراتوری آلمان که متحد عثمانی در جنگ جهانی اول بود از آن به عنوان مقر نظامی خود استفاده می‌کرد.

ترکیا والتسامح الدینی - افتتاح - اکبر - کنیسه - <https://www.trtarabi.com/opinion/>
۸۷۵۹۸۹۳ - ارمینیة فی الشرق الأوسط

پس پایان جنگ جهانی اول، این کلیسای تاریخی تبدیل به یک انبار پارچه شد تا اینکه در دهه ۱۹۶۰، دولت ترکیه آن را به جامعه ارمنی دیاربکر بازگرداند. در سال ۲۰۰۹، برخی از ارامنه استانبول پس از دریافت مجوزهای لازم از دولت ترکیه و جمع آوری کمک‌های مالی از جامعه ارمنی ترکیه و با حمایت وزارت فرهنگ ترکیه و شهرداری دیاربکر، کار مرمت این اثر تاریخی را به سرانجام رساندند.

با این حال، در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ این شهر شاهد درگیری‌هایی بین ارتش ترکیه و اعضای مسلح حزب غیرقانونی کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) بود که در نتیجه این نزاع‌ها به این کلیسای تاریخی نیز خسارات زیادی وارد گردید و مجدداً تعطیل شد.

این اقدام دولت ترکیه برای دلجویی از ارامنه در سالروز نسل‌کشی آنها، با سومین نشست نمایندگان ارمنستان و ترکیه هم‌زمان شد که تلاشی است برای یک توافق سیاسی و اقتصادی مهم و گامی برای مسیر عادی‌سازی روابط.

بیش از یک سده از وقایع دهشتناک دوران جنگ جهانی نخست سپری شده، اما در هر حال، ۲۴ آوریل برای ارامنه یک روز تلخ و برای مقامات ترکیه، یک مناسبت نگران‌کننده است؛ چرا که دولت ترکیه، هر سال در چنین روزی گوش به زنگ است تا ببیند سران کشورهای غربی در مورد رویداد تاریخی ۱۹۱۵ چه موضعی اتخاذ می‌کنند.

به جرئت می‌توان گفت، بخش مهمی از تاب و توان دستگاه دیپلماسی ترکیه در چند دهه اخیر، صرف آن شده که لابی‌های پرهزینه و تجملی

این کشور در آمریکا و اروپا (به ویژه در فرانسه)، هر سال امتیازاتی به غربی‌ها بدهند تا آنها در مورد ۲۴ آوریل، از عبارت «نسل‌کشی ارامنه» استفاده نکنند. این سنت سیاسی به بدترین شکل ممکن در سال گذشته شکسته شد.

جو بایدن تنها چند ماه پس از جلوس بر کرسی ریاست جمهوری آمریکا، به شکل شفاف، اقدام دولت عثمانی در رویدادهای ۱۹۱۵ میلادی را مصداق نسل‌کشی دانست.

انتظار می‌رفت دستکم امسال، یک بار دیگر چنین واژه‌ای از سوی جو بایدن، مورد استفاده قرار نگیرد، اما برخلاف انتظار مقامات آنکارا، بایدن باز هم گفت «نسل‌کشی».

پیش از این هم کنگره آمریکا در دسامبر ۲۰۱۹ در یک رأی‌گیری نمادین «نسل‌کشی» ارامنه را به رسمیت شناخته بود.

کشتار ارامنه در ۲۴ آوریل ۱۹۱۵ و همزمان با جنگ امپراتوری عثمانی با روسیه در مناطقی از ترکیه امروزی، به ویژه در شرق آناتولی، آغاز شد و نزدیک به سه هفته ادامه داشت.

سازمان دیانت آکادمی الهیات راه‌اندازی می‌کند



سازمان دیانت ترکیه با تصویب مجلس پس از این حق راه‌اندازی آکادمی الهیات خواهد داشت. این سازمان هدف از راه‌اندازی آکادمی الهیات را افزایش سطح علمی روحانیون و ائمه جماعات کشور عنوان کرده است.

این آکادمی الهیات به عنوان نهاد دانشگاهی به شمار خواهد آمد و دانشجویان شاغل در آن شهریه دریافت کرده از شرایط رفاهی و خوابگاهی برخوردار خواهند بود. همچنین سازمان دیانت خواستار معافیت دانشجویان این آکادمی از خدمت سربازی است.

سازمان دیانت تلاش دارد در این آکادمی سنت علمی حوزوی و تحصیلات نوین آکادمیک را به صورت همزمان در اختیار دانشجویان خود قرار دهد. این اقدام سازمان دیانت با اعتراض احزاب لائیک مواجه شده است. این احزاب با اشاره به فعالیت ۱۰۸ دانشکده الهیات در دانشگاه‌های این کشور و نیز فعالیت ۳۸ دانشکده علوم اسلامی مستقل به اضافه ده‌ها مرکز پژوهشی علوم اسلامی این اقدام سازمان دیانت را اقدامی غیر لازم می‌دانند.

در سال‌های اخیر افزایش قابل توجه بودجه سازمان دیانت همواره مورد اعتراض جناح لائیک بوده است.^۱

سلطان فرقه بهره به همراه سیسی از توسعه مسجد الحسین بازدید کردند



عبدالفتاح السیسی رئیس جمهور مصر دیروز چهارشنبه ۲۷ آوریل از پروژه توسعه و نوسازی گسترده مسجد الحسین در قلب قاهره پایتخت مصر که نزدیک به یک ماه به طول انجامید، بازدید کرد.

این نوسازی که تقریباً ۱۵۰ میلیون پوند هزینه در بر داشت، شامل بازسازی و نوسازی بیشتر قسمت‌های مسجد، از جمله نصب ضریح جدید برای مقبره، و نوسازی صحن بیرونی بود.

^۱ <https://t.me/turkeycaucasus/۱۴۵۲>

سلطان فرقه بُهره، مفضل سیف الدین، همراه با برادران و پسرانش از جمله شاهزاده جوهر عزالدین، شاهزاده جعفر الصادق سیف الدین و همچنین نماینده سلطان در مصر، محمد حسن، رئیس‌جمهور را در مراسم افتتاحیه همراهی کردند. رئیس‌جمهور مصر از تلاش‌های سلطان بهره در توسعه مقبره‌های اهل بیت در مصر قدردانی کرد و سلطان نیز به نوبه خود از دعوت سیسی برای شرکت در افتتاحیه کار توسعه مسجد الحسین (ع) تشکر کرد.

سیسی از زمان به قدرت رسیدن در سال ۲۰۱۴، ۵ بار با سلطان فرقه بهره ملاقات کرده است و در سفر مفضل سیف الدین به قاهره در سال ۲۰۱۸ ریاست جمهوری مصر از اهدای کمک سلطان بهره به صندوق «زنده باد مصر» به میزان ۱۰ میلیون پوند (حدود ۶۰۰ هزار دلار) خبر داد. گفته می‌شود این دومین کمک مالی مفضل سیف الدین به این صندوق است و در سال ۲۰۱۴ نیز مبلغ مشابهی را در اولین دیدار با سیسی اهدا کرده بود.

سلطان بهره کیست؟

کلمه «بُهره» لفظی هندی است که از کلمه «Vehru» گرفته شده است که در زبان گجراتی هندی به معنای «تجارت» یا «تاجر» است.

در سال ۱۰۹۴ میلادی (۴۸۷ قمری) که خلیفه المستنصر بالله فاطمی درگذشت، بین دو پسرش، المستعلی و نزار، اختلافی در گرفت. این اختلاف به یک درگیری فرقه‌ای تبدیل شد که نتیجه آن انشعاب دو فرقه اسماعیلی نزاریه و

مستعلیه (که بهره‌ها به آن تعلق دارند) شد. اختلاف بین دو فرقه نزاری و مستعلی تا امروز ادامه دارد.

طرفداران المستعلی بر مصر حکومت کردند تا اینکه صلاح الدین ایوبی دولت فاطمی را شکست داد. اما طومار مستعلی‌ها پیچیده نشد، بلکه در بسیاری از کشورهای جهان گسترش یافتند و با کارشان در تجارت کاغذ، مرمر و محصولات غذایی، قدرتی اقتصادی تشکیل دادند.

سرزمین یمن اولین توقفگاه فرقه بهره بود، اما آنها با تجارت خود به سرعت در هند گسترش یافتند و موفق شدند تعداد زیادی از هندوها را به فرقه خود جذب کنند و در این مرحله آنها را «بهره» نامیدند و این چنین هندوستان مرکز اصلی فرقه آنها شد.

اما بهره علاوه بر هند در یمن، پاکستان، کنیا، تانزانیا، کویت، امارات و منطقه نجران در عربستان سعودی گسترش یافته است و تعداد پیروان این فرقه به حدود دو میلیون نفر می‌رسد.

پایبندی شدید به سنت‌های فرقه

بهره‌ها سعی می‌کنند سبک زندگی خود را همیشه فاطمی نگه دارند. آنها به دلیل تعهد زیاد به فرقه خود و سنت‌های برآمده از آن مشهورند. به لباس مخصوص خود پایبند هستند و عبادتگاه‌های خاصی دارند و از اقامه نماز در بقیه مساجد مسلمانان اجتناب می‌کنند.

مورخان تأیید می‌کنند که بهره‌ها به هیچ‌کس اجازه نمی‌دهند فرقه آنها را بپذیرد مگر اینکه منشأ بهری داشته باشد. بهره‌ها به عصمت امامان خود معتقدند و برای احیای قبور و مساجد مربوط به دوران فاطمیه بی‌وقفه تلاش می‌کنند. سلطان مفضل سیف الدین پنجاه و سومین داعی مطلق از سلسله داعیان مطلق فاطمیون است. او در ۲۰ اوت ۱۹۴۶ در شهر سورات هند به دنیا آمد و پس از مرگ پدرش محمد برهان الدین در اواسط ژانویه ۲۰۱۴ به عنوان جانشین وی منصوب شد. لقب «داعی» به پیشوای حاکم بر فرقه اختصاص دارد و نماینده دنیوی و نائب دینی امام به حساب می‌آید.

مرمت مسجد

بهره‌ها ارتباط نزدیکی با مصر دارند، زیرا نقش روشنی در مرمت مساجد مربوط به دوران فاطمیان، مانند مسجد الحاکم بامر الله در خیابان المعز لدین الله الفاطمی و مسجد السیده نفیسه دارند.

آغاز حضور رسمی آنها در مصر در زمان انور سادات بود که به آنها اجازه مالکیت و اقامت در مصر را داد و در مقابل در مرمت برخی از مساجد تاریخی فعالیت کردند. معروف‌ترین آن مسجد الحاکم بامر الله است که یکی از آثار فاطمیه به شمار می‌رود و بهره‌ها همچون زیارتگاهی پیوسته به آنجا می‌روند و مراسم مذهبی خود را در آن برگزار می‌کنند.^۱

^۱ <https://arabicpost.net/تحليلات/۲۷/۰۴/۲۰۲۲/طائفة-البهرة/>

الازهر برای اولین بار به یک زن پست مهم داد



سایت مصرای از قول محمد الضوینی معاون الازهر نوشت: به زودی یک زن در پست رئیس منطقه الازهر در یکی از استان‌های مصر سفلی منصوب خواهد شد.

الضوینی افزود: این اولین بار است که یک زن متصدی پست رئیس اداره مرکزی منطقه الازهر (یکی از شعبه‌های الازهر شریف) می‌شود و احتمالاً به نیابت از شیخ احمد الطیب در مراسمات شرکت می‌کند.

وی خاطرنشان کرد: این پست تا پیش از این منحصر به مردان بوده است. این مقام الازهر مصر با اشاره به اینکه شیخ الازهر حامی انتصاب زنان در پست‌های ریاستی است البته در صورتی که شرایط اجازه دهد، تصریح کرد:

دانشگاه الازهر ۲۴ رئیس زن و ۳۵ معاون رئیس در دانشکده‌های قاهره و دیگر مناطق دارد.

وی همچنین خاطرنشان کرد که خانم نهله الصعیدی به عنوان متصدی رئیس مرکز توسعه آموزش اتباع خارجی الازهر منصوب شده است و الهام شاهین نیز معاون مدیر کل مجمع مطالعات اسلامی امور واعظان زن است.^۱

دفاع تمام قد شیخ الازهر از حقوق اهل کتاب



شیخ احمد الطیب ضمن تبریک عید پاک (قیام) به تواضروس دوم، پاپ قبطی‌های مصر گفت: «تبریک اعیاد به مسیحیان از روی ادب یا تعارف نیست، بلکه ناشی از درک ما از آموزه‌های دین واقعی است».

الطیب با تأکید بر اینکه رابطه مسلمانان و مسیحیان مظهر واقعی اتحاد و اخوت است، در اظهاراتی در گفتگو با روزنامه صوت الازهر تصریح کرد: «در

^۱ <https://www.okaz.com.sa/variety/na/۲۱۰۴۰۱۸>

قرآن ادیان مختلف وجود ندارد اما رسالت‌هایی الهی وجود دارد که بیانگر دین الهی واحد است و وحدتی وجود دارد که پیامبر اسلام، محمد(ص) را با دیگر پیامبران پیوند می‌زند و این همان اخوت است. از پیامبر اکرم(ص) نقل شده: من نزدیکترین مردم به عیسی پسر مریم در دنیا و آخرت هستم. هیچ پیامبری بین من و او نیست و پیامبران فرزندان یک پدر از مادران گوناگون هستند و دینشان یکی است.»

شیخ الازهر گفت منشأ دین در همه این رسالت‌های الهی یکی است و به همین دلیل است که خداوند متعال - در قرآن کریم - تورات و انجیل را «هدایت و نور» توصیف می‌کند و قرآن خود را کتاب مصدق (تأییدکننده) دو کتاب مقدس پیشین (تورات و انجیل) معرفی می‌کند. وی گفت: «در قرآن می‌خوانیم که انجیل مؤید تورات است و قرآن مؤید انجیل و تورات است.»

او اشاره کرد که فقهای مسلمان معتقدند دست زدن به قرآن بدون طهارت برای مرد و زن مسلمان جایز نیست و این امر در مورد دست زدن به انجیل و تورات نیز صدق می‌کند، بنابراین اگر مسلمان طهارت نداشته باشد نباید به آنها دست بزند.

شیخ الازهر گفت شایسته نیست که واژه اهل ذمه بر مسیحیان اطلاق شود، چرا که آنها شهروندانی با حقوق و وظایف برابر هستند. او افزود اصطلاح اقلیت که حامل برداشت‌های منفی است و منجر به احساس طرد شدگی می‌شود، بیانگر روح اسلام و فلسفه آن نیست و این اصطلاح شهروندی است که مناسب‌ترین بیان و بزرگترین و تنها سرمایه برای ثبات جوامع است.

وی بیان کرد: «نه در قرآن و نه در سنت پیامبر(ص) متنی وجود ندارد که بر اساس آن بنای کلیسا حرام باشد. محدودیت‌هایی که هنگام ساخت هر کلیسا رخ می‌دهد، برخاسته از آداب و سننی است که مردم دهان به دهان نقل کرده‌اند و منشأ آن اسلام نیست.»

احمد الطیب گفت: «من از کسانی هستم که معتقدم ساختن مسجد در مقابل کلیسا نوعی محدودیت برای مسیحیان است و اسلام ما را از چنین محدودیت‌هایی منع کرده است. زیرا ساختن مسجد در مقابل کلیسا مسیحیان را آزار می‌دهد و این اذیت کردن حرام است؛ پیامبر(ص) فرموده: هر که ذمی را اذیت کند، مرا اذیت کرده است.»

شیخ الازهر افزود: «می‌گویم: (أرض الله واسعة)، پس مساجد باید دور از کلیساها ساخته شوند و کلیساها دور از مساجد بنا شوند. چرا اصرار به ساختن مسجد روبروی کلیسا دارید؟ چرا اصرار به ساختن کلیسا در مقابل مسجد دارید؟ این دست کم گرفتن عبادات و خانه‌های عبادت است و این رفتاری است که اسلام آن را نمی‌پسندد. زیرا از من مسلمان خواسته نشده که کلیسا را ببندم و چراغ آن را خاموش کنم و عبادت در آن را حرام کنم، بلکه آنچه از من خواسته شده این است که اگر به کلیسا تعرض شد، بر من مسلمان واجب است که از آن دفاع کنم.»

شیخ الازهر خاطرنشان کرد: «محدود کردن غیرمسلمانان در غذا و نوشیدنی در طول روز در ماه رمضان به بهانه روزه بیهوده است. این هیچ نسبتی با اسلام ندارد. مسلمانی که طاقت دیدن همکار مسیحی خود را در محل کار در حال

خوردن و نوشیدن یا تحمل تماشای شهروندان مسیحی در رستوران‌ها در طول روز در ماه رمضان ندارد، چگونه است که می‌تواند خوردن و آشامیدن فرزندان خردسالش در ماه رمضان را تحمل کند؟ یا اینکه فرزندان را نیز محدود و از خوردن و آشامیدن نهی می‌کند؟^۱

او در توصیه‌ای به طلاب الازهر گفت: «بدانید که ما در این دنیا تنها نیستیم و رابطه ما با دیگران رابطه تعارف و تعاون است و هرگز این رابطه از جنس درگیری و یا وادار کردن مردم به اسلام و یا توهین به دین و عقیده آنها نیست. مردم چنانکه امام علی (کرم الله وجهه) می‌فرماید: «یا برادر دینی تو و یا همتای تو در آفرینش هستند.» و همان گونه که دوست نداری آزرده و تحقیر شوی، همچنین آزار دیگران و تحقیر آنها جایز نیست»^۱

^۱ <https://www.youm7.com/story/۱۹/۴/۲۰۲۲/> تصریحات مُجَدَّدة لشيخ الأزهر بالتزامن -

مع احتفالات المسیحیین بعبید القيامة/ ۵/ ۵۷۳۴۰

غرب

۸۵ درصد مسلمانان در دور دوم انتخابات فرانسه به ماکرون رأی دادند



آخرین نظرسنجی انجام شده توسط روزنامه فرانسوی La Croix (= صلیب، روزنامه وابسته به کاتولیک‌های فرانسه) نشان داد که امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه، ۸۵ درصد از آرای مسلمانان و ۵۵ درصد از آرای کاتولیک‌های مسیحی را در دور دوم و سرنوشت‌ساز انتخابات ریاست جمهوری در یک‌شنبه گذشته به دست آورد.

نتایج این نظرسنجی نشان داد که مسلمانان فرانسه در یک رفتار تنبیهی و با رد احزاب راست افراطی در فرانسه به نمایندگی مارین لوپن، با اکثریت قاطع به نفع ماکرون رأی دادند.

با این وجود، در مقایسه با انتخابات ۲۰۱۷، میزان مشارکت و همگنی رأی مسلمانان در انتخاب میان ماکرون و لوپن، کاهش یافته است. در ۲۰۱۷، مسلمانان مشارکت ۶۲ درصدی را ثبت کردند (نسبت به مشارکت ۵۸ درصدی در ۲۰۲۲) و ۹۲ درصد از آنها در دور دوم به ماکرون رأی دادند.

گفتنی است مسلمانان در دور اول، با اکثریت قاطع به رهبر حزب «فرانسه نافرمان» از جناح چپ، ژان لوک ملانشون، با ۶۹ درصد رأی دادند.^۱

^۱ https://www.la-croix.com/France/Presidentielle_2022_catholiques_pratiquants_resistent_vote_Marine_Le_Pen_120121200225042022

سوزاندن قرآن و تخریب مقبره مسلمانان در سوئد و نروژ



پس از آنکه افراط‌گرایان اقدام به هتک حرمت قرآن کریم در سوئد کردند، گزارش‌ها حاکی از آن است که افراط‌گرایان سوئدی روز سه‌شنبه، ۱۳ اردیبهشت، اقدام به تخریب مقبره مسلمانان در شهر مالمو کردند.

روز دوشنبه نیز «راسموس پالودان» سیاستمدار دانمارکی-سوئدی هنگامی که می‌خواست بار دیگر جلدی از کلام‌الله مجید را در مسجدی در شهر «اوپسالا» در سوئد آتش بزند، با واکنش عده‌ای از مسلمانان خشمگین مواجه شد.

پیش‌تر در طول آخر هفته پالودان در چند مکان در سراسر سوئد دست به این اقدام شنیع زده بود. او همچنین در نظر داشت که در روز اول ماه مه (یکشنبه) برای انجام تظاهرات و هتک حرمت علیه قرآن کریم از مقام‌های سوئدی مجوز بگیرد اما پلیس این کشور درخواست وی را به دلیل همزمانی تظاهرات مدنظر او با روز جهانی کارگر رد کرد.

در ماه آوریل، این سیاستمدار اسلام‌ستیز در حین سفر دور سوئد در آستانه انتخابات پارلمانی، با اجازه مقامات این کشور به اقدامات مشابهی در هتک حرمت قرآن کریم دست زد. اواخر فروردین ماه بود که هتک حرمت علیه قرآن کریم در سوئد باعث اعتراضات در چند شهر این کشور شد و کشورهای مختلف اسلامی و عربی با صدور بیانیه و برخی از آنها هم با فراخواندن سفیر سوئد در کشورهای خودشان، این هتک حرمت را محکوم کردند.

به دنبال خبرساز شدن هتک حرمت علیه قرآن کریم، هفته گذشته در مقابل ساختمان پارلمان سوئد تظاهرات اعتراضی برپا شد. معترضان که طبق گزارش‌ها حدود ۵۰۰ نفر بودند، پلاکاردها و نوشته‌هایی را با این محتوا در دست داشتند: «آتش زدن کتاب مقدس قرآن را متوقف کنید» و «به توهین کردن علیه مسلمانان پایان دهید».

به نوشته اسپوتنیک، در عید پاک، اقدامات پالودان اعتراضات و ناآرامی‌های گسترده‌ای را در سوئد در پی داشت که منجر به مجروح شدن ۲۶ پلیس و بازداشت حداقل ۴۰ نفر از جمله افراد کم سن شد. خسارات ناشی از اعتراضات در تعدادی از شهرهای سوئد از استکهلم پایتخت تا مالمو در جنوب میلیون‌ها کرون هزینه برآورد شده است.^۱

پالودن که یک وکیل دانمارکی است تابعیت سوئد را نیز دارد و در سال ۲۰۱۷ حزب استریم کورس را راه‌اندازی کرد. وبسایت این حزب بر موضوع

^۱ <https://www.farsnews.ir/news/۱۴۰۱۰۲۱۳۰۰۰۴۸۷>

«مبارزه با مهاجرت و اسلام‌ستیزی» تأکید ویژه‌ای دارد. وی گفته این کار او استفاده از حق خود برای داشتن آزادی بیان است.

در اکتبر گذشته درخواست پالودن برای انجام این کار در آلمان با مخالفت و ممانعت موقت او برای ورود به این کشور مواجه شده بود.

گفتنی است تعدادی از اعضای سازمان سیان (SIAN): اسلامی شدن نروژ را متوقف کنید) در شهر ساندفیورد در جنوب شرقی نروژ، نیز اوایل اردیبهشت‌ماه اقدام به آتش زدن قرآن کردند که این موضوع به اعتراض و تظاهرات گروهی از مسلمانان در این شهر منجر شد.^۱

جنگال بر سرمایو اسلامی در استخرهای فرانسه ادامه دارد



اریک پیول، شهردار گرونوبل فرانسه در خصوص جنگال بر سرمایو اسلامی در استخرهای فرانسه گفت: «بورکینی موضوعی نیست که ارزش بحث داشته باشد».

^۱ <https://www.independentpersian.com/node/۲۳۲۹۱۶>

بار دیگر موضوع مایو اسلامی یا بورکینی در فرانسه بحث برانگیز شد و این بار مقامات شهری گرونوبل قرار است موضوع اصلاح مقررات استخر را مورد بررسی قرار دهند و حتی شاید مجوز استفاده از این لباس بحث برانگیز شنا نیز صادر شود.

بورکینی لباسی است که زنان مسلمان از آن برای شنا در دریا و استخر استفاده می کنند و به جز صورت مابقی اعضای بدن را کاملاً می پوشاند.

این مقام فرانسوی در ویدیویی که در توئیتر منتشر کرد با ابراز تأسف گفت: «جنجال بزرگی از ۱۰ روز پیش در موضوع بورکینی و گرونوبل شنیده ایم. این موضوع در دستور کار جلسه شورای شهر که قرار است در ۱۶ مه برگزار شود قرار دارد.»

به گفته اریک پیول، موضوع تنها «تضمین دسترسی برابر به خدمات عمومی و آزادی داشتن پوشش یا درآوردن لباس با رعایت بهداشت و ایمنی است.»

شهردار گرونوبل درباره دستور کار جلسه ۱۶ مه گفت: «شهرداری مقررات جدیدی برای استخرهای شنا پیشنهاد می دهد که ممنوعیت های عجیبی را که از ۱۰ سال پیش اعمال شده بود حذف می کند.»

وی افزود: «در واقع برای ما مهم نیست که این لباس پوشیده باشد یا نه، اگر این لباس مقابل آفتاب محافظت کند حتی اگر به دلایل مذهبی شناگر این لباس را پوشیده باشد به ما ربطی ندارد.»

مقامات شهرداری در چند شهر فرانسه از سال ۲۰۱۶ با این استدلال که بورکینی با اصل لائیسیته و ارزش های حاکم بر جمهوری مغایرت دارد پوشش این

نوع لباس مخصوص شنا برای زنان را ممنوع کردند. این در حالی است فعالان و حامیان بورکینی معتقدند که منع استفاده از چنین پوششی توسط زنان بیشتر ریشه در اسلام‌هراسی دارد.

اعلام اجازه شنا با بورکینی در شهر گرونوبل موجی از واکنش‌ها در کل فرانسه را در پی داشت و خشم رئیس ناحیه اوورنی-رون-آلپ را برانگیخت. وی تهدید کرد در صورت مجاز شدن بورکینی یارانه‌های منطقه به این شهر حذف می‌شود.^۱

^۱ <https://adyannews.com/۱۲۱۹۲۷>

شرق

حذف بلندگوها از اماکن مذهبی در هند؛ تبعیض قانونی علیه مسلمانان



هفته‌ها است که هندوهای تندرو با در دست داشتن پرچم‌های زعفرانی‌رنگ، در اعتراض به پخش اذان از مساجد مسلمانان، دسته دسته به سراغ مساجد مسلمانان رفته و با صوت و کف و پخش موسیقی‌های مذهبی و رقص و... در پخش اذان مساجد اختلال ایجاد می‌کنند.

این جنجال بر سر استفاده از بلندگوها در اماکن مذهبی که در چندین ایالت از جمله ماهاراشترا و اوتار پرادش بالا گرفت، خیلی زود به ثمر رسید و اخیراً، در اوتار پرادش، وزیر ارشد یوگی آدیتیانات گفت که صدای بلندگوهای اماکن مذهبی نباید در خارج از محل شنیده شود.

یوگی آدیتیانان در ۲۴ آوریل، دستوری را مبنی بر حذف بلندگوهای «غیرقانونی» از اماکن مذهبی صادر کرد و گفت که تنها با مجوز دولتی می‌توان از بلندگوها در مکان‌های مذهبی استفاده کرد، اما صدا نباید از محل خارج شود. وی در ادامه گفت: مجوز جدیدی برای نصب بلندگو صادر نخواهد شد.

تنها پس از یک هفته از صدور این دستور، مدیر کل پلیس اوتار پرادش اعلام کرد که با اقدامات خود علیه بلندگوها، ۵۳۹۴۲ بلندگوی غیرمجاز را از مکان‌های مذهبی مختلف در سراسر ایالت تا روز یکشنبه ۱ مه را جمع کرده و سطح صدای ۶۰۲۹۵ بلندگوی دیگر نیز کاهش یافته و به سطح پارامترهای استاندارد کاهش یافته است.^۱

در اعتراض به حذف بلندگوها از مساجد، مسلمانان دادخواستی را به دادگاه عالی الله آباد، در ایالت اوتار پرادش، ارائه دادند که این دادگاه جمعه ۶ مه با این استدلال که «نصب بلندگو در مساجد یک حق اساسی دینی نیست»، دادخواست مسلمانان را رد کرد.^۲

^۱ <https://telanganatoday.com/۵۳۹۴۲-loudspeakers-removed-from-various-religious-places-in-uttar-pradesh>

^۲ <https://www.indiatoday.in/india/story/not-fundamental-right-allahabad-hc-dismisses-plea-seeking-installation-of-loudspeaker-mosques-۲۰۲۲-۱۹۴۶۱۲۴>

در ایالت ماهاراشترا نیز، بیش از ۹۰۰ مسجد در غرب این ایالت در شهر بمبئی، موافقت کردند که صدای اذان را در پی شکایات یک سیاستمدار محلی هندو کاهش دهند.^۱

تبدیل شدن بلندگوهای مذهبی به یک مسئله سیاسی در هند، موضوع جدیدی نیست. در سال ۲۰۰۵ دیوان عالی کشور در جنجالی مشابه حکم کرد که «آزادی از آلودگی صوتی طبق اصل ۲۱ قانون اساسی جزئی از حق حیات است» و لذا تنظیم صدای بلندگوها و زمان‌بندی استفاده از آنها باید بر اساس این اصل قانونی باشد.

هر چند این رأی دیوان عالی کشور پخش صوت از هر بلندگوی مذهبی را محدود یا ممنوع می‌کند، اما این رأی بیش از هر کس مسلمانان را هدف قرار داده است. گرچه یوگی آدیتیانات در اظهارات خود بر حذف بلندگوها از «اماکن مذهبی» سخن می‌گوید، اما مشخصاً منظور او «مساجد» است.

هندوها شاید از معابد خود صوتی همچون اذان را پخش نکنند، اما در جشن‌ها و جشنواره‌های متعددی که در طول سال دارند و هر چند وقت یک‌بار با به راه‌انداختن کارناوال‌های شادی در خیابان‌ها و اماکن عمومی، به پخش موسیقی و رقص و آواز می‌پردازند. اما هیچ‌گاه این جشن‌ها با محدودیت صوتی

^۱ <https://www.reuters.com/world/india/mumbai-mosques-turn-volume-down-call-prayer-after-hindus-demands-۰۸-۰۵-۲۰۲۲>

روبه‌رو نشده‌اند، تبعیضی که گاه برخی هندوهای منصف نیز به آن اشاره کرده‌اند.^۱

گویی در هندوستان تنها این اسلام است که «دین» به شمار می‌آید و آیین‌های هندوها بخشی از «فرهنگ» این کشور هستند و با ارزش‌های به اصطلاح سکولار هندی‌ها در تضاد نیستند.

^۱ [https://www.hindustantimes.com/cities/pune_news/your_space_rules_restricting_the_use_of_loudspeakers_should_apply_to_all_](https://www.hindustantimes.com/cities/pune_news/your_space_rules_restricting_the_use_of_loudspeakers_should_apply_to_all_۱۰۱۶۵۲۰۰۴۹۸۸۰۹۲.html)

[۱۰۱۶۵۲۰۰۴۹۸۸۰۹۲.html](https://www.hindustantimes.com/cities/pune_news/your_space_rules_restricting_the_use_of_loudspeakers_should_apply_to_all_۱۰۱۶۵۲۰۰۴۹۸۸۰۹۲.html)

کاهش نرخ باروری کل در هندوستان؛ شدیدترین کاهش در میان مسلمانان



بر اساس داده‌های نظرسنجی ملی سلامت خانواده (NFHS) که توسط وزارت بهداشت و رفاه خانواده هند انجام شده است، نرخ باروری مسلمانان در دو دهه گذشته شدیدترین کاهش را در میان تمام جوامع مذهبی داشته است. مطابق با روند نزولی مشاهده شده در طول سال‌ها، نرخ باروری جامعه از ۲,۶ در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۶ به ۲,۳ در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۲۱ کاهش یافت. در حالی که همه جوامع مذهبی کاهش باروری را تجربه کرده‌اند، این کاهش در جامعه مسلمانان شدیدترین بوده است، از ۴,۴ در ۱۹۹۲-۱۹۹۳ به ۲,۳ در ۲۰۱۹-۲۰۲۱.

نرخ باروری در میان هندوها نیز از ۲,۱ در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۶ به ۱,۹۴ در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۲۱ کاهش یافته است. جامعه هندوها در سال ۱۹۹۲-۱۹۹۳ نرخ باروری ۳,۳ داشتند. NFHS دریافته است که در ۲۰۱۹-۲۰۲۱ جامعه

مسیحی دارای نرخ باروری ۱,۸۸، جامعه سیک ۱,۶۱، جامعه جین ۱,۶ و جامعه بودایی و نئوبودایی ۱,۳۹ است که پایین‌ترین نرخ در کشور است. درصد زنان مسلمانی که تحصیل نکرده‌اند از ۳۲ درصد در ۲۰۱۵-۲۰۱۶ به ۲۱,۹ درصد در ۲۰۱۹-۲۰۲۱ کاهش یافته است. در مقابل، برای هندوها، تغییرات کمتر بوده است و از ۳۱,۴ درصد به ۲۸,۵ درصد کاهش یافته است. گزارش NFHS نشان می‌دهد که تعداد فرزندان به ازای هر زن با سطح تحصیل زنان رابطه معکوس دارد. زنان بدون تحصیل به طور متوسط ۲,۸ فرزند دارند، در حالی که این رقم برای زنان با ۱۲ سال تحصیلات یا بیشتر، ۱,۸ فرزند است.^۱

^۱ https://indianexpress.com/article/india/fertility_falling_in_all_communities_steepest_decline_among_muslims_nfhs_data-۷۹۰۶۹۹۴

سایرادیان

دیوان عالی آمریکا قصد دارد حق سقط جنین را لغو کند



سندی که از دیوان عالی آمریکا درز کرده نشان می‌دهد که این دادگاه احتمالاً قصد دارد حق قانونی و سراسری سقط جنین را لغو کند.

ساموئل الیتو، یکی از قضات دیوان عالی آمریکا در پیش‌نویس ۹۸ صفحه‌ای سند درز شده نوشته تصمیمی که در پرونده «رو علیه وید» در سال ۱۹۷۳ درباره قانونی کردن سقط جنین گرفته شد، «اشتباهی فاحش» بوده است.

سند مربوط به دیوان عالی آمریکا را سایت خبری پولیتیکو منتشر کرده است. درز اسناد مربوط به این نهاد بسیار کم سابقه است.

بر اساس حکم پرونده «رو علیه وید» در آمریکا حق دسترسی نامحدود به سقط جنین در سه ماه نخست بارداری و دسترسی محدود در سه ماه دوم، برای همه زنان مهیا شد.

اگر دیوان عالی حکم صادرشده در این پرونده را نقض کند، سقط جنین بلافاصله در ۲۲ ایالت آمریکا ممنوع خواهد شد. انتظار نمی‌رود تصمیم دیوان عالی آمریکا قبل از ماه ژوئیه اعلام شود.

پرونده «رو علیه وید» به این دلیل در دیوان عالی مطرح شده که این نهاد در حال بررسی شکایت علیه دستور منع سقط جنین در ایالت می‌سی‌سی‌پی بعد از هفته پانزدهم بارداری است.

احتمال لغو حق سقط جنین در حالی مطرح می‌شود که حقوق باروری در ایالت‌های متمایل به جمهوری‌خواهان با تهدید روبرو شده است.

درز سند دیوان عالی اعتراض شدید دموکرات‌ها را به دنبال داشت. هواداران حق سقط جنین دوشنبه شب در مقابل ساختمان دیوان عالی تجمع کردند و مخالفان آن هم برای دفاع از لغو آن در آنجا حاضر شدند.

نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا و چاک شومر، رهبر اکثریت سنا - هر دو دموکرات - در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند که اگر این گزارش‌ها صحت داشته باشد «دیوان عالی در صدد وضع بزرگترین محدودیت در ۵۰ سال گذشته است».

در سندی که سایت پولیتیکو منتشر کرده قاضی الیتو با انتقاد از حکم پرونده «رو علیه وید» نوشته است که این تصمیم «پیامدهای زیان‌باری» داشته است.

دیوان عالی و کاخ سفید به این گزارش واکنشی نشان نداده‌اند. شش عضو از ۹ قاضی دیوان عالی آمریکا منصوب روسای جمهور جمهوری‌خواه هستند و سه قاضی دیگر را رئیس جمهورهای دموکرات برگزیده‌اند.

در دوران ۴ ساله حضور ترامپ در کاخ سفید در اتفاقی کم سابقه او توانست ۳ قاضی را در این دادگاه منصوب کند که همگی افرادی محافظه‌کار بودند. با حضور این سه قاضی حالا گرایش سیاسی دیوان عالی ایالات متحده به سمت محافظه‌کاران سنگینی می‌کند.

پولیتیکو نوشته است که علاوه بر قاضی الیتو، چهار قاضی دیگر دیوان هم که همگی از طرف جمهوری‌خواهان منصوب شده‌اند موافق لغو حکم «رو علیه وید» هستند اما موضع جان رابرتز، رئیس این دیوان هنوز مشخص نیست.

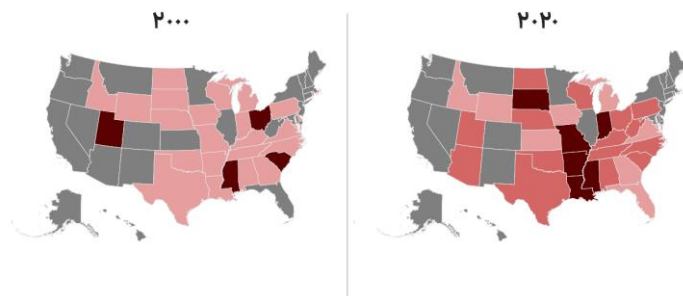
چرا سقط جنین در آمریکا همین حالا هم آسان نیست؟

با وجود این که «رو علیه وید» حق سقط جنین را برای زنان آمریکایی تضمین کرد، میلیون‌ها نفر تنها روی کاغذ از این حق برخوردارند.

ضدیت نسبت به حق سقط جنین در حال افزایش است

ایالات آمریکا که در آنها سیاست سقط جنین درجه ای از ضدیت را نشان می دهد

ضدیت شدید ■ ضدیت ■ تمایل به ضدیت ■



در سال‌های پس از ۱۹۷۳ احکام مخالف سقط جنین به مرور دسترسی به این خدمات را در بیش از ۱۲ ایالت محدود کرد.

تنها در سال ۲۰۲۱ حدود ۶۰۰ محدودیت در سراسر آمریکا طرح شد و ۹۰ مورد نیز به قانون تبدیل شد. این یک رکورد سالانه بعد از صدور حکم «رو علیه وید» محسوب می‌شود.

خدمات سقط جنین از مدت‌ها پیش نیز از دسترس بسیاری از زنان کم‌درآمد خارج بوده است. از ۱۹۷۶ قانونی به نام متمم هاید استفاده از بودجه فدرال برای سقط جنین را ممنوع کرده است. زنان اغلب مجبور می‌شوند هزینه سقط جنین را از جیب خود بپردازند.^۱

^۱ https://www.bbc.com/persian/world_۶۱۳۰۳۹۸۶

اتحادیه اروپا به دنبال تحریم رهبر کلیسای ارتدوکس روسیه



خبرگزاری رویترز به نقل از یک دیپلمات گزارش داد، کمیسیون اروپا پیشنهاد داده دارایی‌های اسقف اعظم کريل، رهبر کلیسای ارتدوکس روسیه در راستای دور جدید تحریم‌های این بلوک علیه مسکو مسدود شوند.

به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری رویترز، پیش نویس فهرست سیاه مربوط به دور جدید تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه شامل صدها تاجر و افسر نظامی نزدیک به کرملین که از سوی این اتحادیه متهم به حمایت از جنگ اوکراین هستند بوده و براساس این گزارش نام این اسقف اعظم نیز به این فهرست اضافه شده است.

این تحریم‌ها که شامل انسداد دارایی و ممنوعیت مسافرتی علیه این اسامی می‌شوند برای تصویب شدن نیاز به حمایت کشورهای عضو اتحادیه اروپا دارند. به نوشته رویترز مقامات گفتند، نشست اولیه فرستاده‌های اتحادیه اروپا در روز چهارشنبه بدون حصول توافق پایان یافت که دلیل آن عمدتاً انتقاد برخی کشورها از ممنوعیت نفتی و دیگر تدابیر مرتبط با نفت همچون ممنوع ساختن خدمات کشتیرانی از سوی اتحادیه اروپا برای نفت روسیه بود.

این در حالی است که در همان روز کلیسای ارتدوکس روسیه بعد از آن که پاپ فرانسیس از اسقف اعظم کریل خواست «خادم کلیسایی» کرملین نشود، به این رهبر مسیحیان کاتولیک جهان حمله کرده و تأکید کرد که چنین اظهاراتی به گفتگوی میان این کلیساها آسیب می‌زند.^۱

^۱ <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۱۰۲۱۵۰۹۰۸۷>

منابع عبری از احتمال لغو سفر پاپ به اراضی اشغالی خبر دادند



روزنامه عبری زبان «اسرائیل الیوم» که رهبر مسیحیان کاتولیک جهان سفر از پیش برنامه‌ریزی شده خود به اراضی اشغالی که قرار بود ماه ژوئن در جریان تور خاورمیانه وی صورت بگیرد را لغو کرد.

با اینکه واتیکان به صورت رسمی خبر سفر پاپ فرانسیس به اراضی اشغالی را اعلام نکرده بود اما منابع مطلع اعلام کردند که وی قرار بود پس از سفر به لبنان و اردن، در ۱۵ ژوئن وارد اراضی اشغالی (تل‌آویو) گردد.

طبق اعلام این منابع، قرار بود پاپ برای دیدار با رئیس‌کلیسای روسیه در قدس جهت متقاعد کردن وی برای تأثیر بر ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه جهت توقف جنگ در اوکراین به آنجا سفر کند.

اما ماه گذشته، پاپ فرانسیس هرگونه گمانه زنی مبنی بر دیدار با اسقف ارتدوکس روسیه در قدس، که از حمله نظامی مسکو به اوکراین حمایت کرده بود را رد کرد.

از طرف دیگر یک منبع مطلع سیاسی در مصاحبه با روزنامه «اسرائیل الیوم» اعلام کرد که عملیات‌های اخیر در سرزمین‌های اشغالی به ویژه عملیات «العاد» بر تصمیم لغو سفر پاپ به قدس اشغالی تأثیر گذاشته است.^۱

^۱ <https://arabi21.com/story/۱۴۳۶۲۱۰>

اخبار کوتاه

۱. وزیر کشور دولت موقت طالبان گفت: آمریکا را دشمن خود نمی‌دانیم و در آینده روابط حسنه با واشنگتن و سایر کشورهای جهان خواهیم داشت. سراج الدین حقانی در گفت‌وگو با شبکه خبری سی‌ان‌ان در پاسخ به این سؤال که آیا طالبان هنوز آمریکا را به عنوان دشمن خود می‌داند، گفت: «در حال حاضر ما به آنها به عنوان دشمن نگاه نمی‌کنیم و بارها و بارها درباره دیپلماسی صحبت کرده‌ایم. زمان آن است تا درباره دیپلماسی حرف بزنیم.»^۱
۲. طالبان پس از محروم کردن زنان و دختران از حق آموزش و کار، این بار حق دریافت گواهی‌نامه رانندگی را از آنان گرفتند. هرچند رهبری این گروه، در این مورد دستور علنی صادر نکرد، اما جان آقا اچکزی، مسئول اداره پلیس ترافیک طالبان در هرات، روز دوشنبه ۱۲ اردیبهشت، به خبرگزاری فرانسه گفت پس از این زنان حق دریافت گواهی‌نامه رانندگی ندارند. جان آقا اچکزی افزود: «به ما دستور شفاهی داده شده است که صدور گواهی‌نامه برای رانندگان زن را متوقف کنیم، اما به ما دستور داده نشده است که زنان را از رانندگی در شهر منع کنیم.»^۲

^۱ <https://www.farsnews.ir/news/14010227000222>

^۲ <https://www.independentpersian.com/node/235271>

۳. مسعود حسینی، عکاس و خبرنگار افغانستانی، در صفحه توئیتر خود نوشت: «نیروهای طالبان ده‌ها مسجد شیعه را از برگزاری نماز عید فطر در روز سه‌شنبه منع کردند. برخی از پیروان شیعه نیز گزارش دادند که قبل از اعلام عید، شیعیان مجبور به افطار شدند. فعالان شیعه این نقض حقوق مذهبی را در کابل و هرات گزارش کرده‌اند.»^۱

۴. وزیر امور خارجه واتیکان امروز جمعه ۲۳ اردیبهشت با استناد به تعالیم کلیسای کاتولیک در مورد جنگ عادلانه گفت که دادن سلاح به اوکراین برای کمک به دفاع از خود در برابر تجاوز روسیه تحت شرایط خاصی از نظر اخلاقی مشروع است. اظهارات کاردینال پیترو پارولین، وزیر امور خارجه واتیکان در حالی بیان می‌شود که موضوع تأمین تسلیحات به اوکراین در نشست وزرای خارجه کشورهای ثروتمند G۷ در آلمان مورد بحث قرار گرفته است.^۲

۵. واتیکان اعلام کرد که پاپ فرانسیس رهبر مسیحیان کاتولیک جهان در پایان ماه جولای میلادی به کانادا سفر می‌کند تا با ساکنان بومی این کشور که از تجاوزهای صورت گرفته در مدارس داخلی کلیسا نجات یافتند، دیدار کند.^۳ گفتنی است روز شنبه، ۱۰ اردیبهشت، عالی‌ترین مقام روحانی کلیسای رسمی انگلستان در جریان بازدید از مدرسه‌ای در ساسکاچوان کانادا با نمایندگان بومیان منطقه

^۱ <https://twitter.com/Massoud151/status/1521518448974905344>

^۲ <https://mohabatnews.com/?p=49484>

^۳ <https://www.hawzahnews.com/news/1024522>

دیدار کرد و گفت متأسف است که کلیسا اجازه داده چنین جنایت وحشتناکی در مدارس شبانه‌روزی رخ دهد.^۱

۶. برل لازار، خاخام اعظم روسیه در واکنش به اظهارات وزیر امور خارجهٔ روسیه که گفته «هیتلر هم خون یهودی در رگ داشته»، گفت: «مناسب است او (لاوروف) از یهودیان عذرخواهی کند و اشتباهش را بپذیرد.» لاوروف این اظهارات را در تلاش برای توجیه تصویرسازی روسیه از اوکراین به عنوان کشوری در کنترل نازی‌ها بیان کرده بود. ولودیمیر زلنسکی رئیس جمهور اوکراین یهودی است.^۲

۷. در اقدامی تبلیغاتی و عوام‌فریبانه، «اسحاق هرتزوگ»، رئیس رژیم صهیونیستی، همزمان با سرکوب فلسطینیان و با هدف کاهش فشارها و انتقادات، اقدام به برگزاری ضیافت افطاری با حضور برخی سفرای عربی در خانه خود کرد.^۳

۸. در حالی که نیروهای اشغالگر اسرائیل به صحن مسجد الاقصی یورش برده و نمازگزاران را بازداشت می‌کنند، «هند مانع العتبه»، سفیر امارات در پاریس در حاشیه مراسم افطار دسته‌جمعی با خاخام‌های یهود درباره رواداری دینی و همزیستی مسالمت‌آمیز گفت‌وگو می‌کند. چند روز پیش از افطاری پاریس هم، اداره امور اسلامی و کارهای خیریه امارات در تاریخ

^۱ <https://mohabatnews.com/?p=۴۹۳۷۶>

^۲ <https://mohabatnews.com/?p=۴۹۳۹۷>

^۳ <https://www.mehrnews.com/news/۵۴۶۸۵۵۹>

۱۰ آوریل ۲۰۲۲ میلادی افطار گروهی با مشارکت نمایندگان ۶ طایفه دینی مقیم امارات؛ بُهره اسماعیلی، هندوها، بودایی‌ها، یهودی‌ها، سیک‌ها و کلیسای قبطی مصر ترتیب داد. این ابتکار جدال و کشمکشی در داخل خود امارات میان حامیان و مخالفان این طرح به راه‌انداخت.^۱

۹. نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، درباره تحولات اخیر فلسطین گفت: قدس سرزمین مقدس همه ادیان و سرزمین مقدس فلسطین است، ما مسیحی هستیم، اما حضرت عیسی (ع) فلسطینی بود و شما مسلمانان نیز این را می‌دانید لذا قدس ما را متحد می‌کند. او گفت: به همین دلیل امروز ما حمایت و همبستگی خود را با ملت فلسطین و همه مردم مسلمان که از آرمان فلسطین حمایت می‌کنند و تمامی مردم جهان که برای آزادی خود می‌جنگند، اعلام می‌کنیم.^۲

۱۰. شبکه اجتماعی فیسبوک در اقدامی دیگر در حمایت از رژیم صهیونیستی، ۱۲ صفحه را که اخبار فلسطین و حملات جنایتکارانه روز گذشته اشغالگران علیه نمازگزاران در مسجد الاقصی را پوشش می‌دادند، مسدود کرد. فیسبوک پیشتر نیز در جریان نبرد شمشیر قدس طی سال گذشته اوج جانبداری خود از صهیونیست‌ها را نشان داد.^۳

^۱ <https://fa.shafaqna.com/news/۱۳۵۳۱۱۵>

^۲ <https://www.yjc.news/fa/news/۸۱۲۴۰۵۹>

^۳ <https://www.mashreghnews.ir/news/۱۳۶۳۲۴۲>

۱۱. دادخواستی در دادگاه عالی هند مبنی بر ممنوعیت محصولات دارای گواهی حلال در سراسر هند و همچنین لغو گواهی حلال مطرح شده است. در این دادخواست آمده است که پذیرش گواهی حلال توسط سازمان‌های خصوصی مانند جمعیت علمای هند و برخی دیگر از نهادها به این معنی است که گواهی‌نامه دولتی موجود مانند ISI (موسسه استاندارد هند) و FSSAI (مدیریت ایمنی و استانداردهای مواد غذایی) برای محصولات مصرفی کافی نیست و گواهی حلال محصولات، نوعی تبعیض نسبت به سایر جوامع است.^۱

۱۲. عالی‌ترین دادگاه کلمبیا روز پنج‌شنبه، ۲۲ اردیبهشت، با صدور حکمی اعلام کرد که یک پزشک می‌تواند بدون خطر زندانی شدن، به یک شخص به شدت بیمار و دارای رنج غیرقابل تحمل برای مصرف یک داروی کشنده کمک کند تا جان خویش را بگیرد. کلمبیا نخستین و تنها کشور آمریکای لاتین و یکی از معدود کشورهای جهان است که اقدام به این عمل کرده و این در حالی است که اکثریت شهروندان این کشور کاتولیک هستند. کلیسا قاطعانه با اتانازی و خودکشی یاری‌دهنده مخالف کرده است.^۲

۱۳. دست‌اندرکاران تولید فیلم «بانوی بهشت» در حرکتی نادر و تبلیغاتی، علاقه‌مندان این فیلم را با هواپیمای اختصاصی به طور رایگان از انگلیس به

^۱ <https://iqna.ir/fa/news/۴۰۵۲۱۵۰>

^۲ <https://mohabatnews.com/?p=۴۹۴۸۸>

پایتخت ایرلند بردند تا شاهد اکران اروپایی آن باشند. «بانوی بهشت (The Lady of Heaven)» فیلمی پیرامون تاریخ صدر اسلام و حضرت فاطمه (س) است که چند سال پیش توسط شبکه تلویزیونی فدک ساخته شد.^۱

۱۴. در حالی که از سال ۲۰۱۷ ارتش ترکیه اجازه استفاده از حجاب برای زنان ارتشی را داده، بر اساس دستورالعملی جدید پس از این ارتش موظف است برای زنان محجبه به عنوان بخشی از یونیفرم ملزومات لازم برای حجاب آنان را نیز تأمین کند. در همین راستا دو نوع حجاب تابستانی و زمستانی از سوی ستاد کل برای زنان محجبه استخدامی در ارتش به عنوان بخشی از یونیفرم رسمی آنان تأمین خواهد شد.^۲

^۱ <https://mobile.twitter.com/TLOHmovie/status/۱۵۲۵۱۵۰۱۷۱۵۳۷۰۶۳۹۳۷>

^۲ <https://t.me/turkeycaucasus/۱۴۹۷>



بخش دوم: روندها

دین، جنگ اوکراین و آینده نظم جهانی

روسیه و اوکراین: آیا تقسیم‌بندی جدید بین مسکو و غرب بر سر مذهب
است؟



فایننشال تایمز، تحلیلی از تونی باربر با عنوان «آیا تقسیم جدید بین روسیه و غرب بر سر مذهب است؟» منتشر کرد.

این تحلیل بر آنچه او آن را «اختلافات شدید بین پاپ فرانسیس و کلیسای ارتدوکس روسیه بر سر تهاجم به اوکراین» می‌خواند، متمرکز است.

باربر خاطرنشان کرد که پاپ فرانسیس ولادیمیر پوتین را به خاطر حمله به اوکراین سرزنش نکرده و استدلال این است که پاپ هیچ وقت از یک رئیس دولت نام نمی‌برد.

وی افزود: «پاپ همچنین از پاتریارک کریل، رئیس کلیسای ارتدوکس روسیه به دلیل حمایتش از تهاجم پوتین انتقاد نکرده است.»

اما نویسنده خاطرنشان کرد که دو هفته پیش، پاپ آرژانتینی الاصل به زبانی سازش‌ناپذیر علیه جنگ صحبت کرد. فرانسیس گفت، جنایات اوکراین که به نیروهای روسیه نسبت داده می‌شود، نسل‌کشی رواندا در دهه ۱۹۹۰ را به ذهن متبادر کرد. او همچنین به کریل هشدار داد که تبدیل به بازیچه پوتین نشود.

وی خاطرنشان کرد که اظهارات پاپ باعث توبیخ رئیس کلیسای مسکو شد، با تأکید بر اینکه جنگ پوتین اختلافات شدید بین کلیسای کاتولیک روم و شاخه رسمی مسیحیت ارتدوکس روسیه را آشکار کرد.

باربر با یادآور شدن مذاکراتی را که پاپ و کریل در سال ۲۰۱۶ انجام دادند و در هاوانا، پایتخت کوبا، یکدیگر را در آغوش گرفتند، می‌افزاید: «این یک دیدار واقعاً تاریخی بود. اولین دیدار بین رهبران نهادهای کاتولیک و ارتدوکس روسیه از زمان تأسیس پاتریارک مسکو در سال ۱۵۸۹م.»

باربر خاطرنشان کرد: «اما اکنون، فرانسیس دیدار دوم با کریل را که برای ماه آینده در قدس برنامه‌ریزی شده بود، لغو کرد.»

این امر نشانه‌ای از درهم‌تنیدگی جنگ و مذهب با رقابت ژئوپلیتیکی روسیه و غرب تلقی می‌شود.

باربر گفت: «نباید تعجب‌آور باشد که کلیسای ارتدوکس روسیه - به استثنای برخی کشیش‌های شجاع و پایین‌رتبه - قاطعانه در کنار پوتین است.»

او توضیح داد: «همانند سایر کشورهای ارتدوکس، ایمان مذهبی در روسیه پیوندهای تاریخی عمیقی با هویت ملی و قدرت دولتی دارد.»

نویسنده دومین و مهمترین نکته‌ای را که سلسله مراتب کلیسا، تحت رهبری کریل، به نمایندگی از پوتین با آن مبارزه می‌کند، بیان کرده و استدلال می‌کند که روسیه از مسیحیت ارتدوکس در برابر غرب منحط و بی‌خدا دفاع می‌کند.

وی می‌گوید: «این چیزی فراتر از تبلیغات است، برای کریل، این یک هدف مقدس است. برای پوتین، این یک پروژه سیاسی است که به عقیده او، از سنت دیرینه ارتدوکس برای مراقبت از میهن‌پرستان مطیع قدرت می‌گیرد.»

باربر به نوشته‌های روان ویلیامز، که از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ به عنوان اسقف اعظم کانتربری خدمت می‌کرد، اشاره کرده و می‌گوید: «ولادیمیر پوتین خود را قهرمان نبرد برای بقای یک فرهنگ مسیحی یکپارچه می‌بیند، درست همانطور که داعش خود را به عنوان مدافع خلوص فرهنگ اسلامی معرفی می‌کند.»

او اظهارات پاتریارک کریل مسکو را در خطبه فوق‌العاده خود که در ۶ مارس، یک روز قبل از شروع روزه بزرگ ارتدوکس ایراد کرد، یادآوری می‌کند؛ زمانی که او کمپین روسیه را جنگی برای دفاع از تمدن ارتدوکس در

برابر فساد غربی برشمرده، و رژه غرور در حمایت از حقوق همجنس‌گرایان را یکی از نشانه‌های اصلی آن فساد می‌دانست.^۱

واتیکان و جنگ اوکراین؛ از تضاد با سیاست خارجی آمریکا تا حفظ روابط با ارتدوکس شرقی



اظهارات پاپ فرانسیس که چند روز پیش در مصاحبه‌ای با یک روزنامه ایتالیایی یکی از دلایل درگیری در اوکراین را «خشم» مسکو دانست که «تحریکات ناتو» آن را تسهیل کرده، واکنش‌های گسترده‌ای را برانگیخت.

^۱ https://www.bbc.com/arabic/inthepress_۱۴۴۶۷۳۹

در این مصاحبه، پاپ اعلام کرد که آماده است ابتدا، قبل از کیف، برای دیدار با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و تلاش برای توقف درگیری‌ها در اوکراین، به مسکو سفر کند.

با این حال، پاپ گفت که به کریل، پدرسالار مسکو هشدار داده است که نباید «خدمتگزار محراب پوتین» باشد و به روزنامه ایتالیایی *Corriere della Sera* گفت که او در گفتگوی ۱۶ مارس از طریق ویدئو کنفرانس به کریل توصیه کرده است که «ما روحانی‌های دولت نیستیم، نمی‌توانیم از زبان سیاست استفاده کنیم، بلکه باید از زبان عیسی استفاده کنیم».

با جنگ طولانی روسیه در اوکراین، فرانسیس با یکی از بزرگترین چالش‌های تقریباً ۱۰ ساله دوران پاپ بودن خود مواجه است. در حالی که مردان دین با «سیاست واقعی» روبرو می‌شوند، به نظر می‌رسد امیدهای کلیسای کاتولیک برای اتحاد بیشتر با دیگر فرقه‌های مسیحی در موقعیت پرتنش قرار دارد، به ویژه پس از آن که واتیکان دیدار برنامه‌ریزی شده با پاتریارک کریل، رئیس کلیسای ارتدوکس روسیه و یکی از حامیان اصلی پوتین را لغو کرد.

روابط واتیکان و روسیه

برای درک لحظه کنونی و دیپلماسی واتیکان می‌توان از کتاب روزنامه‌نگار ویکتور گایتان با عنوان «دیپلمات‌های خدا.. پاپ فرانسیس، دیپلماسی واتیکان و آرماگدون آمریکایی» استفاده کرد که خوانندگان خود را به دوران پاپ بندیکت شانزدهم (که در سال ۲۰۱۳ استعفا داد) باز می‌گرداند.

بندیکت، که در سال ۲۰۰۵، و کریل، پدرسالار ارتدوکس روسیه، که در سال ۲۰۰۹ انتخاب شدند، دو الهی‌دان بزرگ مسیحی هستند که نیاز مبرمی را به مبارزه با موج فزاینده نسبیت‌گرایی اخلاقی در غرب می‌دیدند و با «ایده‌های مترقی» لیبرال مخالفت می‌کردند.

اندکی پس از آن - در سال ۲۰۱۰ - واتیکان و روسیه برای اولین بار در یک قرن اخیر سفرای خود را با به رسمیت شناختن کامل دیپلماتیک مبادله کردند و این رابطه به هموار کردن راه برای آخرین ملاقات شخصی در کوبا بین پاپ فرانسیس و کریل در سال ۲۰۱۶ کمک کرد، ملاقاتی بین پاپ کاتولیک رومی و پاتریارک ارتدوکس روسیه.

گایتان در این کتاب فعالیت‌های دیپلماتیک واتیکان را تبیین می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه دیپلمات‌های واتیکانی اغلب خود را در تضاد با سیاست خارجی ایالات متحده می‌بینند، زیرا به گفته نویسنده کتاب واتیکان می‌بیند که استکبار آمریکا در خاورمیانه، روسیه و چین نتیجه معکوس دارد.

نویسنده با تحلیل بسیاری از حکایات و مصاحبه‌های شخصی، مراحل از دیپلماسی واتیکان - کشور کوچکی که ارتش ندارد - در صحنه جهانی را بازگو می‌کند، از جمله دخالت در مذاکرات صلح کنیا، کلمبیا و سودان جنوبی و پرداختن به مسائلی مانند اخلاق استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین به عنوان سلاح، و مسائل مربوط به مردم بومی که زمین‌های خود را در نتیجه صنایع معدنی از دست داده‌اند، و یا مسئله شرکت‌های داروسازی که مالکیت معنوی را به قیمت عدم دسترسی مردم فقیر به دارو در انحصار خود می‌گیرند.

نویسنده معتقد است که مواضع امروزه واتیکان مانند مخالفت با جنگ عراق و سرنگونی قذافی جدید نیست، زیرا تاریخچه‌ای از «تضادی با جنبه‌های جهانی» بین ایالات متحده و واتیکان وجود دارد که به آغاز قرن بیستم بازمی‌گردد. پاپ لئون سیزدهم از تسخیر فیلیپین توسط ایالات متحده در سال ۱۸۹۹ «وحشت‌زده» شد. پاپ بندیکت پانزدهم در سال ۱۸۹۹ با معاهده ورسای که پس از جنگ جهانی اول انجام شد مخالفت کرد، زیرا این امر باعث تشدید نارضایتی در میان طرف‌های بازنده، به ویژه آلمان شد. و پس از حمله ژاپن به بندر پرل هاربر آمریکا در جنگ جهانی دوم، پاپ پیوس دوازدهم به سرعت روابط دیپلماتیک با ژاپن برقرار کرد که خشم روزولت رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده را برانگیخت.

از سوی دیگر، عواملی وجود دارد که نزدیکی بین واتیکان و کلیسای ارتدوکس را به یک علاقه مشترک برای هر دو طرف تبدیل می‌کند، به خصوص که آنها درگیر یک «جنگ فرهنگی» بین ارزش‌های سنتی مورد حمایت کلیساها و ایده‌های جریان‌های مترقی هستند که مسائلی مانند مخالفت با ازدواج همجنس‌گرایان را مطرح کرده است.

تغییرات در میان کاتولیک‌ها

ماسیمو فاگیولی، استاد الهیات و مطالعات دینی در دانشگاه ویلانووا، در مقاله خود در مجله کاتولیکی و آمریکایی Commonweal Magazine، می‌گوید جنگ کنونی فرضیاتی را که پس از فروپاشی دیوار برلین و فروپاشی اتحاد

جماهیر شوروی حاکم بود، به چالش می‌کشید. تاریخ، گذشته را به واقعیت اروپا بازگرداند.

نویسنده کتاب «جو بایدن و دین کاتولیک در ایالات متحده» ادامه می‌دهد: «ما فکر می‌کردیم دوران درگیری‌های بزرگ را پشت سر گذاشته‌ایم و نفوذ نظام‌های سیاسی و مذهبی قدیمی کاهش یافته است، اما اکنون باید به این فکر کنیم که آیا این امید نابجاست؟ شاید چنگال نظم جهانی قدیم قوی‌تر از آنچه می‌دانستیم یا حداقل قوی‌تر از رؤیای ساختن یک کلیسای جدید در جهان بود.»

فاگیولی باور دارد که واتیکان در این بحران حکیمانه عمل کرد، زیرا فرانسیس در تلاش است تا کلیسای کاتولیک را از خطر مهلکی که پیش از او به آن وارد شده بود نجات دهد، که همان تله تمدنی است که کلیسای ارتدوکس روسیه در آن گرفتار شد. در دهه نود، پاتریارک کریل و برخی از کاردینال‌های کاتولیک به دلیل ترس از ایده‌های مترقی مخالف کلیسا، در کنار قدرت قرار گرفتند.

فاگیولی معتقد است که جنگ روسیه علیه اوکراین از دورانی که بندیکت شانزدهم برای منسوخ شدن «ریشه‌های مسیحی اروپا» سوگواری می‌کرد، عبور کرده است. رژیم پوتین، با حمایت پدرسالار مسکو، ما را وادار می‌کند تا به قول او در تفسیرهای قرن بیستم تجدید نظر کنیم.

نویسنده می‌گوید بحران اعتماد رهبران سیاسی به نحوه مدیریت واتیکان در مورد جنگ روسیه در اوکراین، نتیجه افزایش ناسیونالیسم در اروپا است. فاگیولی با اشاره به اینکه کلیسای کاتولیک، واتیکان و پاپ همواره در تلاش بوده‌اند تا

در بحبوحه دگرگونی‌هایی که با آغاز قرن جاری همراه بود، نقشی برای کلیسای کاتولیک شرقی بیابند، جنگ اخیر را باعث برانگیخته شدن دوباره نارضایتی‌های کاتولیک شرقی می‌داند که برای مدت طولانی خاموش بوده است.^۱

ایران، جهان تشیع و چالش‌های الهیاتی جنگ روسیه علیه اوکراین



چندی پیش ویدیویی از یکی از فرماندهان مسلمان ارتش روسیه در جمع نیروهای مسلمان چچنی منتشر شد که با شور و حرارت بسیار از ایده‌ای آخرالزمانی دفاع می‌کرد که به خوبی می‌توانست توجیه‌کننده کنار هم قرار

^۱ <https://mersadcass.com/divisions/institutions/> - واتیکان و - محصولات - میز - نهادها

جنگ اوکراین؛ از - تضاد - با سیاست

گرفتن نیروهای مسلمان و مسیحی در ارتش روسیه باشد. این فرمانده مسلمان در بخشی از این ویدیو چنین می‌گوید:

«برای من اهمیتی ندارد قومیت شما چیست برای من اهمیت ندارد دین شما چیست آنچه برای من ارزش دارد این است که شما امروز در راه دفاع از انسانیت قدم برمی‌دارید و به شما می‌گویم من به عنوان یک مسلمان در تمام تاریخ، که خودم را شناختم، آماده شده‌ام برای زمانی که حضرت عیسی مسیح ع می‌آید، او به همراه کسی می‌آید: امام مهدی (عج)، کسی که همه مسلمانان را متحد می‌کند و ما مسلمانان باید با ایشان و با عیسی مسیح (ع) در یک صف باشیم و اگر شما مسیحی هستید باید آرزو کنید جزو نیروهای عیسی باشید و اگر مسلمان هستید هم باید آرزوی بودن در کنار نیروهای عیسی ع را داشته باشید. امروز ما و شما برای یک تکه زمین نمی‌جنگیم، امروز ما در دفاع از ارزش‌های الهی می‌جنگیم. برای همین می‌خواهم که همه شما توجه کنید که ما یک خانواده‌ایم، ما تیم «احمد» هستیم، نیروی ویژه احمد، و اینجا برای شما هیچ چیز و هیچ کس عزیزتر از هم‌زمان و همسنگران شما نیست... فارغ از ملیت، قومیت، دین و مذهب.»

صفحه اینستاگرامی «سهند ایرانمهر» با انتشار ویدیوی بالا نوشت:

گفته‌های فرمانده‌های چچنی قدیروف در ویدیویی که اخیراً در شبکه‌های اجتماعی دیده‌ام، بسیار قابل تأمل است؛ زیرا برای نخستین بار پیوند ایدئولوژی دینی مرکب (ترکیبی از بنیادگرایی اسلامی-مسیحی) با نئوملی‌گرایی روسی در

یکجا قابل ردیابی است. ترکیبی که وظیفه‌ای انسانی و معنوی و آخرالزمانی برای خود قائل است.

این اتفاق دیر یا زود اتفاق می‌افتد زیرا از یاد نبرده‌ایم که «ایوان ایلین» فیلسوف سیاسی و متفکر دینی مؤثر بر پوتین و روسیه بعد از فروپاشی، در پایان‌نامه خود با عنوان «ناکامی جهانی خداوند»، ملت رستگار روسیه را متولیان اصلاح و نجات معنویت جهان می‌دانست و «اوکراین» را تکه گناهکار روسیه. بنابراین در کنار زمینه‌های سیاسی و ژئوپلتیک جنگ اخیر نمی‌توان منکر زمینه‌های ایدئولوژیک آن شد.

نکته دیگر در این ویدیو آن است که الهیات جنگ روسی تنها وامدار ارتدوکس مسیحی نیست و نگاهی بنیادگرایانه از اسلام نیز از منظری مبتنی بر اصالت تاریخ همراهی‌اش می‌کند. به جد معتقدم که در طرف مقابل نیز نمونه مشابه مرکب از ملی‌گرایی اوکراینی در کنار چپنی‌های ابومنصور و راست‌گرایان آزوف که روسیه آنها را نازی می‌داند نیز شکل گرفته است.

این روزها برخی از احتمال بروز جنگ سوم جهانی می‌گویند، این جنگ اگر به شکل جنگ‌های کلاسیک جهانی اول و دوم اتفاق نیافتد، اما به شکل قرن بیست‌ویکمی خود به شکل نیابتی کم‌کم در حال شکل‌گیری است و اگرچه جنبه‌های سیاسی و اقتصادی و ژئوپلتیکش دیری است تکوین یافته، الهیات و ایدئولوژی آن نیز به تدریج شکل و شمایل روشن‌تری می‌گیرد.

این شکل و شمایل از این جهت مهم است که به گونه‌ای در حال صورت‌بندی است که با یک جنگ فراگیر و جهانگیر منطبق باشد و از همین روست که در

آن هم برای «احمد» جاهست و هم برای «عیسی مسیح». بنابراین اگر امروز کسی بپرسد که آیا در آینده برای شیعه نیز در این صورت بندی جایی در نظر گرفته و زمینه سازی می شود؟ پاسخ یک بله قاطع است؛ زیرا از یاد نبرده ایم که در بهمن ۹۴ خبری از گفتگوی الکساندر دو گین فیلسوف و مشاور تأثیرگذار بر پوتین با نادر طالب زاده در سایت خبرگزاری «دفاع مقدس» منتشر شد که دو گین گفته بود: «من میراث سهروردی، ملاصدرا، حیدر آملی و بسیاری دیگر از متفکران شیعه ایرانی را با فلسفه عرفانی مسیحیت ارتدوکس روسیه مطابق و نقاط اشتراک زیادی دیده ام. من در سنت ایرانی و اسلام شیعه، نکات معنوی و الهامات ماوراء الطبیعی مشاهده می کنم تا درک کنم روسیه و ایران و اسلام شیعه در نبرد آخر الزمانی در یک جبهه قرار دارند».

این سخن به معنای پیش بینی محتوم مشارکت ایران شیعی در «وجه سخت افزاری» تقابلی که رو به عالمگیری دارد، نیست اما نشان می دهد زمینه های ایدئولوژیک آن در تفکر روسی، مدت ها است در حال صورت بندی است. ایران در «بیشتر» برهه های تاریخ دوران مدرن، نشان داده است که همواره نگاهی عمل گرا و منطقی به مسئله ورود به جبهه بندی جنگ های جهانی داشته و از افتادن به دام منازعاتی این چنین اجتناب کرده است اما این امر تضمینی برای اطمینان از آینده نیست و نه فقط ایران که جهان تشیع باید نگاه محتاطانه ای به این مسئله و هزینه های سنگین ورود به آن در آینده نه چندان دور داشته باشد.^۱

^۱ <https://www.instagram.com/p/CdV۶w۲LomlZ/>

جنگ جهانی گندم و چالش‌های پیش روی جهان اسلام

به قلم: علی مقدّس



شاید از آغاز یورش نظامی روسیه تاکنون، کسی گمان نمی‌کرد جنگ روسیه ماه‌ها به طول انجامد و شعله‌های آن دامن کشورهای جهان اسلام را نیز در برگیرد.

بحران ناشی از جنگ، تبعات معیشتی و اقتصادی گسترده‌ای در دنیا به وجود آورده و امنیت غذایی مسلمانان در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی را به خطر انداخته است.

جنگ روسیه، بازارهای جهانی و کشورهای اسلامی را با افزایش بی‌سابقه قیمت، مواجه ساخت و با کاهش چشمگیر غلات، گندم و فرآورده‌های گندمی مانند: ماکارونی، انواع آرد و...، تأثیرات اقتصادی گسترده‌ای را در سطح بین‌الملل به وجود آورده است.

این اتفاق ناشی از موقعیت اقتصادی کشورهای روسیه و اوکراین به عنوان دو ابرقدرت اقتصادی در حوزه تولید گندم و غلات است.

فائو (FAO): سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد) در تاریخ پنجم مه ۲۰۲۲ میلادی اعلام کرد که کشورهای واردکننده گندم در آینده نزدیک، با چالش نان و تورم شدید فرآورده‌های گندمی روبرو خواهند شد؛ زیرا طبق آمار، حدود یک سوم، صادرات بین‌المللی گندم را این دو کشور در حال جنگ به خود اختصاص داده‌اند و روسیه مقام نخست تولید گندم در دنیا را از آن خود ساخته است.

تحلیل فائو از جنگ روسیه و اوکراین که بیش از ۳۰ درصد گندم دنیا را تولید می‌کنند این است که در ماه‌های آینده کشورهای مسلمان با کمبود و افزایش قیمت بی‌سابقه گندم و غلات روبرو خواهند شد، به همین خاطر جنگ جدیدی به نام جنگ گندم و غلات را پیش رو خواهند داشت.

سازمان نامبرده نابسامانی گندم در کشورهای واردکننده را تا جایی چالش‌برانگیز خواند که چشم‌اندازی روشن برای بهبود آن توصیف نکرد.

کشورهای جهان اسلام به جهت عدم زیرساخت، خشکسالی و غیره، حجم زیادی از غلات به خصوص گندم خود را از دیگر کشورها وارد می‌کنند؛ اما اکنون به دلیل کاهش یک‌باره گندم، وارد فصل جدیدی از بحران غذایی دنیا شده‌اند.

کشورهای مسلمان خاورمیانه که حجم زیادی از گندم و غلات خود را از اوکراین وارد می‌کردند، به دلیل نابودی زیرساخت‌های اوکراین، به روسیه رو آورده‌اند و با قیمت‌های گزاف و دل‌خواهی آنان روبرو شده‌اند.

به عنوان مثال، مصر از جمله کشورهایی است که بیش از ۸۰ درصد گندم خود را از اوکراین و روسیه تأمین می‌کرد.

کشور لبنان نیز از دیگر کشورهای فقیر در حوزه اقتصاد به شمار می‌رود و ۸۰ درصد گندم خود را تا پیش از این از اوکراین وارد می‌کرد.

از دیگر کشورهای بحران زده می‌توان به ترکیه اشاره نمود، زیرا از آغاز جنگ روسیه و اوکراین به خاطر وابستگی شدید آن به واردات گندم، شهروندان ترکیه شاهد صفوف طولانی خرید نان با قیمت گزاف بودند. بحران گندم و غلات در ترکیه به دلیل حجم ۶۵ درصدی واردات گندم، دانه‌های روغنی و غلات از روسیه است. ترکیه تا پیش از جنگ روسیه، با تورم بی‌سابقه و فزاینده‌ای روبرو بود.

کشورهای سوریه، افغانستان، عراق، یمن و... نیز همانند لبنان و مصر با بحران اقتصادی و مشکلات تأمین گندم مواجه بوده و خواهند بود.

کشورهای مسلمان آفریقایی نیز در شرایط سخت‌تری از خاورمیانه به سر می‌برند؛ به عنوان مثال: لیبی و سومالی نیز از کشورهای شمال و شرق آفریقا محسوب می‌شوند که ۸۰ تا ۸۵ درصد گندم خود را به واردات وابسته‌اند.

کشور ایران که در ده تا پانزده سال گذشته جزو کشورهای خودکفا و خوداتکا در تولید گندم به شمار می‌رفت، به دلیل خشکسالی و اعمال برخی

سیاست‌ها، بخشی از میزان نیاز خود را به واردات اختصاص داده است. افزایش جهانی قیمت گندم و غلات، در ایران نیز اثرگذار بوده و شاهد افزایش قیمت و کمبود برخی فراورده‌های گندمی مانند ماکارونی و... بوده است.

تحلیلگران معتقدند در نتیجه بحران زنجیره تأمین فراورده‌های گندم، غلات و ماکارونی در جهان، قیمت‌ها همچنان رو به افزایش خواهد رفت؛ زیرا بعید است تولیدکنندگان پیشرو جهانی مانند: برزیل، آمریکا، استرالیا، فرانسه، آرژانتین و کانادا، که در رتبه بعد از روسیه قرار دارند، بتوانند تولید خود را به میزان قابل توجهی افزایش دهند.

تحلیلگران علل این ناتوانی را قیمت صعودی کودهای شیمیایی و شرایط اقلیمی آب و هوایی در کنار کمبود عرضه و افزایش تقاضا، عنوان کرده‌اند. در چنین شرایط بحرانی روسیه فضا را مناسب دیده است تا با اهرم معیشت و اقتصاد، کشورهای متکی به اتحادیه اروپا را متزلزل سازد.

به هر حال قیمت‌های رو به افزایش مواد غذایی اعم از (گندم، غلات، دانه‌های روغنی، ماکارونی و...) در حال حاضر موجب نگرانی مسلمانان و غیرمسلمانان در سراسر جهان گردیده است.

فراز و فرود اسلام‌گرایی

زمزمه‌های بازگشت اسلام‌گرایان در سودان با شکل‌گیری ائتلافی گسترده
از جریان‌های اسلامی



در یک اقدام نادر، ۱۰ سازمان و جریان اسلامی در سودان از اعلام
موجودیت ائتلافی با عنوان «التيار الإسلامي العريض (جریان گسترده اسلامی)»
خبر دادند که سازمان‌های مختلف اسلام‌گرا از جمله سلفی‌ها را در برمی‌گیرد.
این اقدام در سایه انسداد سیاسی و تنش شدیدی صورت گرفته که از زمان
کودتای نظامی اکتبر ۲۰۲۱ از سوی عبدالفتاح البرهان، بر عرصه سودان حاکم
شده است.

ناظران بر این باورند که اتحاد جریان‌های اسلامی که روز دوشنبه ۱۸ آوریل اعلام شد، درها را برای بازگشت جنبش اسلامی سودان، پس از کنار گذاشته شدن از صحنه سیاسی، باز می‌کند. در ۱۱ آوریل ۲۰۱۹ ژنرال‌های ارتش تحت فشار و اعتراضات طولانی مدت گروه‌های مردمی، دولت عمر البشیر را سرنگون کردند. آزادی رهبران برجسته رژیم سابق این فرضیه را تقویت کرد که رهبری نظامی با اسلام‌گراهایی که در رأس دولت برکنار شده قرار داشتند، یکی هستند. به ویژه از آنجایی که رهبران تغییر، از جمله مقامات ارشد کمیته امنیتی‌ای بودند که ارتباط نزدیکی با بشیر و سران حکومت او داشتند.

نهاده‌ها و جریان‌های مؤسس اتحاد گسترده اسلامی کدامند؟

«حرکة الإصلاح الآن» از جمله جریان‌هایی است که منشور ایجاد جدیدترین ائتلاف در نقشه سیاسی سودان را امضا کرده است. این جنبش را «غازی صلاح الدین العتباتی»، یکی از برجسته‌ترین مشاوران سابق البشیر، رهبری می‌کند. البته او در سال ۲۰۱۳ از حزب کنگره ملی جدا شد و یک سازمان جداگانه را تشکیل داد که خواستار اصلاحات و پاسخگویی دولت بود و سرکوبی را که در آن زمان توسط مقامات علیه معترضان مسالمت‌آمیز اعمال می‌شد، رد می‌کرد. در آن زمان، این جنبش نوپا شعارهایی را برای ایجاد یک جنبش مردمی فراگیر برای مردم سودان مطرح کرد.

«التیاری الإسلامي العریض» همچنین شامل «الحركة الإسلامية السودانية» می‌شود که توسط سیاسی معروف در رژیم سابق، امین حسن عمر، که چندین

سمت اجرایی و مدیریتی در دولت برکنار شده داشت، رهبری می‌شود. این جنبش به عنوان پشتوانه‌ای تلقی می‌شود که دولت بشیر بر آن پایه‌گذاری شد که حدود ۳۰ سال بر سودان حکمرانی کرد و گرچه در این میان در دوره‌هایی احزاب و ائتلاف‌های جنبش‌های مسلحانه در حکومت شریک شدند، اما الحركة الإسلامية السودانية همچنان از طرق متعدد کنترل صحنه را در دست داشت.

همچنین در میان امضاکنندگان گروه «منبر السلام العادل» قرار دارد که توسط رهبر فقید آن «الطیب مصطفى» تأسیس شد، کسی که به حمایت از جدایی جنوب سودان معروف بود و همچنین با البشیر ارتباط خویشاوندی دارد و یکی از رهبران جریان اسلامی اسلام به شمار می‌آمد.

این ائتلاف نوپا همچنین شامل حزب «دولة القانون والتنمية» است که یکی از سازمان‌های جدید است و توسط شخصیتی مذهبی، «محمد علی الجزولی»، رهبری می‌شود که نزدیک‌ترین فرد به جریان تندرو سلفی است تا جایی که بیشتر داعش حمایت می‌کرد.

همچنین در میان امضاکنندگان، «الإخوان المسلمون»، سازمان جهانی به رهبری «عادل علی الله» و «جماعة الإخوان المسلمين السودانية» به رهبری «عوض الله حسن» قرار دارند که هر کدام رهبری و دیدگاه جداگانه خود را دارند. «تحالف العدالة القومی» به ریاست «التجانی السیسی»، «النهضة» به رهبری «محمد

مجنوب» و جنبش اسلام‌گرای «مبادره وحده الصف» از دیگر حاضران در این ائتلاف جدید هستند.^۱

دادگاه تجدید نظر مصر حکم حبس ابد رهبر زندانی اخوان المسلمین را تأیید کرد



ترکیه، دادگاه تجدید نظر مصر روز چهارشنبه حکم حبس ابد «محمد بدیع»، «محمد البلتاجی» و «صفوت حجازی» از سران اخوان المسلمین مصر را تأیید کرد.

احکام صادره مربوط به پرونده خشونت‌ها در استان پورت سعید در سال ۲۰۱۳ است که بر اثر آن پنج نفر کشته شدند و دادگاه جنایی مصر در سال ۲۰۱۵

سؤال-جواب-حول-تکثیل-۲۰/۴/۲۰۲۲- <https://www.aljazeera.net/news/politics/20/4/2022>

رهبر اخوان المسلمین و ۶۶ تن دیگر را مجرم شناخت؛ اما اخوان المسلمین اتهامات وارده علیه اعضای خود را نپذیرفت و به رأی صادره اعتراض کردند.^۱

ملاحظه: پس از بازداشت محمد بدیع، در سال ۲۰۱۳، اخوان المسلمین

محمود عزت را به عنوان رهبر موقت این گروه معرفی کرد.

دولت مصر، اخوان المسلمین را یک «گروه تروریستی» می‌داند و فعالیت‌های آن را پس از کودتای نظامیان علیه دولت محمد مرسی غیرقانونی اعلام کرده است.

در چند سال گذشته شمار زیادی از اعضای این حزب بازداشت و زندانی شده‌اند. شماری از رهبران آن در زندان و یا در جریان دادگاه فوت کرده‌اند.

^۱ <https://www.aa.com.tr/ar/الدول-العربية/مصر-حكم-نهائي-بالمؤبد-لمرشد-الإخوان->

وبراءة-۵۹-آخرین/۲۵۶۸۷۰۱

اتحاد علماء المسلمین از نزدیکی ترکیه و عربستان تجدیدی کند



علی محی‌الدین قره‌داغی، دبیر کل اتحاد العلماء، از نزدیکی عربستان و ترکیه قدردانی و تأکید کرد که این نزدیکی «گامی در مسیر درست» است.

دکتر علی محی‌الدین قره‌داغی، دبیر کل اتحادیه جهانی علمای مسلمان در حساب توییتر خود ضمن استقبال از تفاهم ترکیه و عربستان سعودی نوشت: این اقدام گامی در مسیر درست است.

وی افزود: آیات قرآن مانند «همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و پراکنده نشوید»، «صلح بهتر است» و «با یکدیگر نزاع نکنید» امت اسلامی را حفظ می‌کند و تجارب، حقیقت آن را ثابت کرده است.^۱

ملاحظه: اتحاد العلماء از ابتکارات عالم اخوانی، شیخ یوسف قرضاوی است و همواره به حمایت از اسلام‌گرایی شناخته می‌شده است. حمایت

ترکیه/استقبال-اتحادیه-جهانی-علمای-مسلمان-از-تفاهم- <https://www.aa.com.tr/fa/> ۲۵۷۷۶۰۲/میان-ترکیه-و-عربستان

این نهاد نزدیک به اسلام‌گراها از نزدیکی عربستان و ترکیه در حالی است که بسیاری شواهد و تحلیل‌ها نشان از آن دارد که عدم پشتیبانی مادی و معنوی ترکیه از اسلام‌گراها یکی از شروط سعودی‌ها برای پذیرش مصالحه بوده است.

این حمایت اتحاد العلماء از تصمیم ترکیه را نمی‌توان تنها به حمایت‌های دولتمردان ترک از این نهاد اسلامی مربوط دانست، چرا که اتحاد العلماء در واکنش به سفر رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی به استانبول، استقبال ترکیه از عادی‌سازی روابط با این رژیم را به شدت محکوم کرد.

چنین می‌نماید که اسلام‌گراها در وضعیت دشوار کنونی که با فشارهای گوناگون از سوی دولت‌های مسلمان و غربی روبه‌رو هستند، نمی‌خواهند بیش از پیش پل‌های پشت سر خود را خراب کنند. آنها در ارتباط با سعودی‌هایی که در سالیان گذشته به شدت کمپین «اخوان‌زدایی» را در این کشور دنبال کرده است، همچنان دست به عصا حرکت می‌کنند و نمی‌خواهند در وضعیتی که چندان از حمایت‌های دولت‌ها و ملت‌های مسلمان برخوردار نیستند، دشمنی‌های بیشتری را برای خود برانگیزند.

درباره نزدیکی روابط ترکیه و مصر و سرنوشت اخوانی‌ها؛ پایان ماه عسل اخوان و اردوغان؟



به قلم: هیثم حسنین - موسسه واشنگتن

ترجمه: رامین حسین آبادیان

پس از آنکه ارتش مصر در سال ۲۰۱۳ دولت «محمد مُرسی» به رهبری اخوان المسلمین را از قدرت ساقط کرد، ترکیه به پناهگاه بسیاری از شخصیت‌های اصلی معارضان نظام حاکم تبدیل شد. همین مسئله موجب شد تا معارضان برای انتقاد از «عبدالفتاح السیسی» رئیس‌جمهور کنونی، اقدام به راه‌اندازی کانال‌های تلویزیونی کنند. با این حال، سلسله تفاهمات و توافقات اخیر میان «قاهره» و «آنکارا» باعث شده است تا بسیاری از تبعیدشدگانِ اخوانی به شدت نسبت به آینده خود در ترکیه احساس نگرانی کنند.

در روز ۱۹ مارس بود که خبرگزاری «آسوشیتدپرس» اعلام کرد: «مقامات ترکیه از مدیران ۳ شبکه تلویزیونی معارض مصر در استانبول، خواسته‌اند تا از حجم انتقادات خود نسبت به دولت قاهره بکاهند، چراکه آنکارا برای اصلاح روابط تنش‌آلود خود با قاهره تلاش می‌کند». این مسئله در جریان مصاحبه شبکه «الجزیره» با «ایمن نور» شخصیت سیاسی مصری که در تبعید به سر می‌برد، تأیید شد. «ایمن نور» که به جمعیت اخوان المسلمین گرایش دارد، مدیر شبکه «الشرق» است. این شبکه در کنار شبکه‌هایی نظیر «مکملین» و «وطن» فعالیت می‌کند. از سوی دیگر، «اسامه هیکل» وزیر اطلاع‌رسانی مصر از تصمیم دولت ترکیه برای محدود کردن رسانه‌های این کشور در زمینه انتقاد از دولت «قاهره» استقبال کرد و گفت: «این تصمیم، نقطه آغاز حل و فصل اختلافاتی است که طی سال‌های گذشته میان ترکیه و مصر ایجاد شده‌اند».

چرا ترکیه اکنون بر اخوان المسلمین اعمال فشار می‌کند؟

پس از آنکه در سال ۲۰۱۳ ارتش مصر دولت «محمد مُرسی» به رهبری اخوان المسلمین را ساقط کرد، ترکیه به پناهگاه بسیاری از شخصیت‌های اصلی معارضان تبدیل شد. همین مسئله موجب شد تا معارضان برای انتقاد از «عبدالفتاح السیسی» رئیس‌جمهور کنونی، اقدام به راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی کنند. در آن زمان، «السیسی» جای «مرسی» در دولت را گرفت و بر مسند ریاست‌جمهوری تکیه زد. طبق آخرین گزارش‌های منتشرشده، در حال حاضر شمار افراد فعال در حوزه رسانه مصر که تبعید شده‌اند به حدود ۵۰۰ نفر می‌رسد. البته فعالیت‌های

آنها به صورت یکپارچه و سازمان یافته نیست و بعضاً با یکدیگر دچار اختلاف نیز شده‌اند. به عنوان نمونه، اختلافات مستمر میان فعالان رسانه‌ای مصر در خارج از این کشور و شکایت‌های قضایی متعدد آنها از یکدیگر در سال ۲۰۱۸ موجب شد تا نهادی تحت عنوان «انجمن فعالان رسانه‌ای مصر در خارج» تشکیل شود. مأموریت اصلی این انجمن، کمک به حل و فصل اختلافات و منازعات میان فعالان رسانه‌ای مصر در خارج از مرزهای این کشور عنوان شد. از جمله مهمترین شبکه‌های تلویزیونی معارض نظام حاکم در مصر می‌توان به «الشرق» و «مکملین» اشاره کرد که مدیریت آنها را به ترتیب «ایمن نور» و «محمد ناصر» بر عهده دارند. «عبدالفتاح السیسی» رئیس‌جمهور مصر بارها و در مناسبت‌های مختلف، از این افراد به عنوان «اشرار» یاد کرده است. «السیسی» معتقد است که این افراد به صورت دائم در حال ترویج گفتمان تحریک‌کننده علیه دولتش هستند. در طول دو سال گذشته، آنکارا به تدریج به این نتیجه رسیده است که حساب باز کردن روی «اپوزیسیون پراکنده» اخوانی‌ها کار اشتباهی بوده است و تداوم این سیاست دیگر نمی‌تواند وسیله ثمربخشی برای مقابله با دولت «السیسی» باشد.

افزون بر آنچه گفته شد، کشورهای مختلف اخیراً به تعمیق توافقات و تفاهات میان یکدیگر در خصوص مسائل و قضایای اصلی در منطقه روی آورده‌اند. به عنوان مثال، خبرگزاری آمریکایی «رویترز» به تازگی در گزارشی اعلام کرد: «پس از آنکه قاهره در ماه فوریه مشارکت و همکاری خود در پروژه‌های نفت و گاز طبیعی با دیگر کشورها را آغاز کرد، مولود چاووش اغلو، وزیر خارجه ترکیه از قاهره به دلیل رعایت محدوده فلات قاره کشورش

قدردانی کرد». از سوی دیگر، زمانی که «قاهره» میزبان اولین نشست وزرا در «مجمع گاز مدیترانه شرقی» بود، مقامات مصری هیچ انتقادی را از ترکیه مطرح نکردند. در عین حال، آنکارا از تغییر و تحولاتی که در سیاست مصر در قبال لیبی ایجاد شد، قدردانی کرد. در واقع، ترکیه از اینکه مصر برخلاف امارات از ایفای نقش خصومت‌ورزانه در لیبی فاصله گرفت، ابراز رضایت کرد.

تغییر در گفتمان اخوان المسلمین

شخصیت‌های رسانه‌ای معارض مصری به دلیل گام‌هایی که در راستای بهبود روابط میان «آنکارا» و «قاهره» برداشته شد، از طرح انتقادات نسبت به ترکیه خودداری کردند. حتی برخی از این شخصیت‌های معارض، تلاش‌ها برای بهبودی روابط میان دو طرف را قابل درک توصیف کرده و از «آنکارا» نیز به دلیل قرار دادن تریبون در اختیارشان قدردانی کردند. این در حالی است که همزمان، معارضان از سوی مصر و دیگر کشورهای حاشیه خلیج [فارس] که از مخالفان سرسخت اخوان المسلمین هستند، تحت فشار قرار گرفتند.

«محمد ناصر» در جریان گفتگویی با شبکه «الجزیره» در روز ۲۱ مارس تأکید کرد: «ما به رسالت خود عمل می‌کنیم. ما حاضریم پیام خود را به صورت غیرمستقیم منتقل کنیم تا کشور میزبان [ترکیه] در حرج و تنگنا قرار نگیرد». از سوی دیگر، برخی از شخصیت‌ها در شورای سیاسی جمعیت اخوان المسلمین خواستار ورود این جمعیت به مذاکره و گفتگو با دولت مصر شدند. آنها اعلام کردند که شروطی نظیر «لزوم آزادی زندانیان سیاسی» و «اعتراف السیسی به

غیرقانونی بودن فرایند تکیه بر مسند قدرت» باید کنار گذاشته شوند. شخصیت‌های شورای سیاسی جمعیت اخوان المسلمین تنها خواستار کاهش سطح درد و رنج زندانیان سیاسی در زندان‌های مصر شدند.

«ابراهیم منیر» قائم‌مقام رهبر اخوان المسلمین در روز ۲۰ مارس در مصاحبه‌ای تصریح کرد: «اخوان المسلمین آماده است تا با میانجی‌گری ترکیه با دولت مصر ارتباط برقرار کند و مسائل و مناقشات فیما بین را برطرف سازد». او این‌ها، برخی از اعضای جمعیت اخوان المسلمین با این موضع‌گیری مخالف هستند. این گروه از اخوانی‌ها معتقدند که اخوان المسلمین باید به روند خود در به چالش کشیدن مشروعیت دولت کنونی مصر ادامه دهد و از مطالباتش مبنی بر آزادی زندانیان سیاسی دست نکشد. برخی از شخصیت‌های برجسته و بلندپایه قائل به همین دیدگاه هستند. از جمله می‌توان به «حمزه زوبا» سخنگوی سابق حزب «آزادی و عدالت» اشاره کرد. برخی از اعضای سطوح میانی اخوان المسلمین هم تأکید دارند که نباید مشروعیتی برای نظام حاکم در مصر قائل شد. این افراد عمدتاً از کسانی هستند که به دلیل متهم بودن در پرونده‌های اقدامات مخرب، امیدی به بازگشت به مصر ندارند. در این میان، گزارش‌های دیگری - هرچند غیررسمی - از سوی شبکه «العربیه» وابسته به عربستان سعودی منتشر شده‌اند که در آنها آمده است: «ترکیه فرایند اعطای تابعیت به یحیی موسی و علاء السماحی را به دلیل دست داشتن در ترور هشام برکات، دادستان کل مصر در سال ۲۰۱۵ متوقف کرده است».

اخوانی‌ها به کجا خواهند رفت؟

گزینه‌هایی که در خصوص مقصد بعدی اخوانی‌ها بعد از خروج از ترکیه مطرح می‌شوند، با یکدیگر متفاوت هستند. اخوانی‌های تبعیدشده معتقدند که با ظهور و بروز شرایط جدید، دولت ترکیه دیگر به آنها اجازه نخواهد داد تا به همان شکل سابق فعالیت‌های رسانه‌ای خود علیه دولت مصر را ادامه دهند. از همین روی، پیش‌بینی می‌شود که بسیاری از آنها برای یک مدت طولانی در خاک ترکیه باقی خواهند ماند. بر این اساس، ممکن است طی ماه‌های آینده شاهد خروج شماری از چهره‌های برجسته اخوانی از ترکیه باشیم؛ به ویژه افرادی که دارای ثروت‌های هنگفت و روابط سیاسی مستحکم در کشورهای دیگر هستند. البته به نظر می‌رسد که اخوانی‌ها در منطقه گزینه خاصی نداشته باشند. حتی قطر هم به دلیل اینکه سابقه اخراج اخوانی‌ها از کشورش را در پرونده خود دارد، نمی‌تواند گزینه مناسبی برای اعضای اخوان المسلمین باشد. این بدان معناست که ممکن است اخوانی‌ها به ایالات متحده آمریکا، کانادا و یا انگلیس مهاجرت کنند. «محمد ناصر» در جریان مصاحبه اخیر خود با شبکه «الجزیره» به چنین مسئله‌ای اشاره کرده است. با این وجود، پیش‌بینی می‌شود که اعضای سطوح میانی و پایین‌دستی اخوان المسلمین با برخی مشکلات مواجه شوند، زیرا بسیاری از آنها دارای گذرنامه‌های مصری فاقد اعتبار هستند. این افراد در جریان مباحثاتی که با یکدیگر در شبکه‌های اجتماعی دارند، قطر، مالزی و برخی از پایتخت‌های کشورهای اروپایی را برای مهاجرت پیشنهاد می‌کنند. حتی ناامیدی در یکی از

خبرنگاران وابسته به جمعیت اخوان المسلمین به حد و مرزی رسید که او در جریان برگزاری کنفرانسی در «تل‌آویو» به جستجوی فرصت‌های شغلی برای کار در شبکه‌های اسرائیلی عرب‌زبان، پرداخت.

در همین حال، هواداران و طرفداران دولت مصر از سلسله مشکلات، معضلات و چالش‌های فراوانی که پیش روی معارضان آن قرار دارد، خوشحال هستند. رسانه‌های طرفدار دولت مصر، با برجسته ساختن مشکلات و چالش‌های معارضان تلاش می‌کنند تا موفقیت «عبدالفتاح السیسی» در مهار جمعیت اخوان المسلمین را پررنگ سازند. آنها با این اقدام خود همچنین این پیام را به معارضان اخوانی در داخل مصر مخابره می‌کنند که چالش‌های مشابهی می‌تواند در انتظارشان باشد. در این میان، دولت قاهره هم از بازگشت اعضای اخوان المسلمین به مصر استقبال نمی‌کند، زیرا بسیاری از آنها را منبع احتمالی فشارها بر خود در زمینه حقوق بشر می‌داند. دولت در عین حال، به تعقیب معارضانی که متهم به نقش‌آفرینی در اقدامات مخرب هستند، ادامه می‌دهد.^۱

در باره نزدیکی روابط ترکیه و مصر - سرنوشت <https://shouba.ir/>

قیس سعید قانون اساسی تونس را هدف قرار می‌دهد: اسلام دین ملت است نه دولت



قیس سعید، رئیس‌جمهور تونس، از کسانی که به اصل اول قانون اساسی که می‌گوید «دین دولت اسلام است»، پایبند هستند، انتقاد کرد.

وی گفت: «اسلام دین ملت است نه دین دولت. ما بر اساس فصل اول قانون اساسی نماز نمی‌خوانیم و روزه نمی‌گیریم، بلکه به دستور خداوند است.»

رئیس‌جمهور تونس عصر دوشنبه ۱۸ فوریه گفت: «دولت سرشتی همچون شرکت‌ها دارد، پس دین داشتن دولت به چه معناست؟»

سعید تأکید کرد: «مقاصد حقیقی اسلام حفظ جان، آبرو، مال، دین و آزادی است.» وی با توجه به اینکه «رابطه [دینی] ما با خداست نه با دولت»، ادامه داد: «خداوند از ما خواسته به توحید معتقد باشیم، اما متأسفانه کسانی هستند که خدا را واحد می‌دانند و با این وجود حاکمان را با او شریک می‌کنند.»

وی گفت: «ما به صورت فردی در پیشگاه خداوند می‌ایستیم و پاسخگو خواهیم بود و ما هنگامی که بر سر پل صراط هستیم نه مجلس نمایندگان همراه ما می‌آید و نه دولت در کنار ما می‌ایستد. ما هرگز هیچ دولت، مجلس و حکومتی را نخواهیم دید که از پل صراط عبور کند یا از چپ و راست آن سقوط کند.»^۱

ملاحظه: قیس سعید، رئیس جمهور تونس از سوم مردادماه گذشته که با صدور فرمانی فعالیت پارلمان اسلام‌گرای این کشور، به ریاست راشد الغنوشی، را به حالت تعلیق درآورد است، اقدامات اساسی‌ای را برای به حاشیه راندن جناح اسلام‌گرا در این کشور و تمرکز قدرت سیاسی در شخص رئیس جمهور انجام داده است.

^۱ <https://www.alaraby.co.uk/politics/> - قیس سعید یصوب علی - الدستور التونسي

جنگ مذهبی بر سر مسجد الاقصی

چگونه صهیونیسم به جنگ مذهبی در مسجد الاقصی دامن زد؟



گروه بنیادگرای یهودی «بازگشت به کوه معبد» که از ساخت «سومین معبد یهودی» در حرم شریف قدس، سومین مکان مقدس در اسلام، حمایت می‌کند و با گروه نژادپرست «کاخ» مرتبط است، چندی پیش اعلام کرد که قصد دارد حیوانات را به عنوان بخشی از مراسم عید فصح یهودی در حرم شریف قربانی کند.

حماس در پاسخ اعلام کرد که اجازه برگزاری چنین مراسمی را نخواهد داد و «به هر قیمتی» از آن جلوگیری خواهد کرد. تشکیلات خودگردان فلسطین و دولت اردن نیز این طرح‌ها را محکوم کردند.

یک ممنوعیت شرعی

پس از اشغال بیت المقدس شرقی توسط اسرائیل در سال ۱۹۶۷، وزیر دفاع اسرائیل در آن زمان، موشه دایان، تصمیم گرفت به اوقاف فلسطینی که تبدیل به اوقاف اردن شده بود، اجازه دهد که حرم شریف یا آنچه یهودیان «جبل الهیکل» می‌نامند را مدیریت کند.

خاخام‌های اعظم اشکنازی و سفاردی در اسرائیل به همراه صدها خاخام دیگر حکم هلاخا (حکم قانونی در شریعت یهودیان) صادر کردند و پس از تخریب «معبد دوم» از ورود یهودیان به این منطقه و همچنین نماز خواندن در آنجا به دلیل «نجاست» همه، جلوگیری کردند.

حتی خاخام‌های بنیادگرای پیرو خاخام متعصب تسفی یهودا کوک، که بسیاری از آنها پس از سال ۱۹۶۷ در کرانه باختری و شرق بیت المقدس شهرک‌نشین شدند، با این ممنوعیت مذهبی موافقت کردند.

با این حال، برخی از گروه‌های افراطی صهیونیستی غیرمذهبی، به ویژه آنهایی که با گروه تروریستی «لیچی» مرتبط بودند، استدلال کردند که خاخام‌ها اشتباه می‌کنند و یهودیان باید در آنجا کنیسه بسازند. در سال ۱۹۶۹ یک مسیحی افراطی

استرالیایی مسجد الاقصی را به آتش کشید و توسط اسرائیلی‌ها دستگیر شد و ادعا کرد که از بیماری روانی رنج می‌برد و سال‌ها بعد تبعید شد.

با این حال، شلومو گورن، خاخام ارتش اسرائیل که در سال ۱۹۷۳ خاخام اصلی اشکنازی اسرائیل شد، بیشترین تأثیر را در این موضوع داشت؛ گورن استدلال می‌کرد که یهودیان می‌توانند از مناطقی از معبد باستانی که در پایان دوره معبد دوم به مکان اصلی اضافه شد، بازدید و در آنجا نماز بخوانند، و این نقض قانون هلاخا نیست.

او می‌گفت شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه یهودیان تا قرن شانزدهم بنایی دائمی برای نماز و دعا در «کوه معبد» داشته‌اند، ادعایی که مورخان با آن مخالفت می‌کنند.

گورن در راستای اشتیاق خود برای دادن اجازه دسترسی یهودیان به زیارتگاه‌های اسلامی، سعی کرد توضیح دهد که سنت ایستادن پشت دیوار غربی حرم شریف (دیوار براق) به عنوان مکان نیایش یهودیان تنها سیصد سال قدمت دارد و منشأ آن در محدودیت‌های اعمال شده توسط مقامات عثمانی بر عبادت یهودیان در سایر نقاط منطقه کوه معبد است.

دسترسی به زیارتگاه‌های اسلامی

در سال ۱۹۹۴، گورن به نخست وزیر اسحاق رابین نوشت که «ما نمی‌توانیم در مورد دیوار غربی (به عنوان مکان خاص عبادت یهودیان) ادعای حقوقی داشته

باشیم» و باید به یهودیان اجازه داده شود که در سراسر منطقه «کوه معبد» نماز بخوانند.

در دهه هشتاد قرن گذشته، خاخام‌های ارشد در اسرائیل شروع به پذیرفتن این ایده کردند و خاخام‌های سفاردی و اشکنازی، با وجود اصرار یک خاخام سفاردی مبنی بر اینکه کنیسه بالاتر از مسجد باشد، پیشنهاد ساخت کنیسه در گوشه جنوب شرقی منطقه، پشت مسجد الاقصی، یعنی خارج از منطقه حرم را دادند.

در واقع، خود دیوار براق، چه رسد به حرم شریف، پیش از ظهور صهیونیسم هرگز اهمیت مذهبی مرکزی به عنوان مکان دعا برای یهودیان نداشته است.

در حالی که یهودیان فلسطینی در دوران عثمانی اجازه داشتند در کنار این دیوار نماز بخوانند، این استعمارگران و افراط‌گرایان صهیونیست بودند که شروع به مطالبه دیوار (به عنوان عبادتگاهی مخصوص یهودیان) کردند. این امر باعث درگیری‌های خشونت‌آمیز با مسلمانان فلسطینی در سال ۱۹۲۰ شد که در خشونت‌های سال ۱۹۲۹ که سراسر کشور را فرا گرفت، به اوج خود رسید و فلسطینی‌ها آن را «انقلاب البراق» نامیدند که در آن بیش از ۲۰۰ یهودی و فلسطینی کشته شدند.

در سال ۱۹۸۶، ۷۰ خاخام که توسط گورن فراخوانده شده بودند، دستور جدیدی صادر کردند که به یهودیان اجازه می‌داد «در بیشتر قسمت‌های حرم شریف وارد شده و نماز بخوانند» و اینکه واقعاً می‌توان یک کنیسه در آنجا ساخت.

در سال ۱۹۹۰، خاخام لوباویچر مناخم اشنیرسون به پیروان خود دستور داد تا جشن‌هایی را در حرم برگزار کنند، در حالی که در این بین، گروه «مؤمنان کوه معبد»، که در سال ۱۹۶۷ تأسیس شد و توسط گرشون سالومون رهبری می‌شد، قصد داشت سنگ بنای ساخت «معبد سوم» در محوطه حرم را بگذارد. سالومون یک ناسیونالیست اسرائیلی بود و در آن زمان مذهبی نبود، اگرچه به نظر می‌رسد که در اواسط دهه ۱۹۹۰ چنین شده است، همانطور که ادبیات مذهبی ناسیونالیستی در حال رشد جنبش او و پیوندهای مالی آن با گروه‌های بنیادگرای مسیحی این تغییر را نشان می‌دهد.

تظاهرات فلسطینی‌ها علیه طرح‌های: مؤمنان کوه معبد»، موجب شد که نیروهای اسرائیلی بیش از ۲۰ معترض فلسطینی را کشته و بیش از ۱۵۰ نفر را زخمی کنند. این امر به صدور دو قطعنامه سازمان ملل در محکومیت استفاده از زور توسط دولت اسرائیل و امتناع این رژیم از بازدید دبیر کل سازمان ملل از حرم شریف انجامید.

عامل اسلو

یک گروه تندروتر صهیونیستی که خواستار حق ادعایی یهودیان برای تصرف و نماز در حرم شریف بود، جنبش «های وی کایام (Hai Ve-Kayam)» به رهبری یهودا عتصیون بود، که پدرش یکی از اعضای گروه تروریستی «لیحی» بود. عتصیون هفت سال را به دلیل عضویت در یک سازمان تروریستی یهودی در دهه ۱۹۸۰ در یک زندان اسرائیل گذراند که می‌خواست قبه الصخره را منفجر کند.

عتصیون و گروهش اصرار داشتند که در حرم نماز بخوانند، که پلیس اسرائیل مجبور به اخراج آنها شد، همین امر منجر به افزایش حمایت از جنبش در جامعه یهودی استعمارگر اسرائیل، چه مذهبی و چه سکولار شد.

سایر گروه‌هایی که ادعاهای مشابهی دارند عبارتند از «یمین اسرائیل»، «کاخ» و «کاهانه‌های»، «مؤسسه معبد»، «جنبش تأسیس معبد» و «آترت کهنیم» و غیره. بسیاری از این گروه‌ها پس از معاهده اسلو از ترس اعطای اختیار به تشکیلات خودگردان فلسطین بسیج شدند، به ویژه پس از توافق‌نامه صلح اسرائیل و اردن در سال ۱۹۹۴ که اسرائیل را ملزم به احترام به «نقش ویژه اردن» در زیارتگاه‌های مسلمانان قدس کرد.

خاخام‌های یسع

در فوریه ۱۹۹۷، کمیته خاخام‌های یسع، یکی از اجزای مرکزی جنبش استعماری و ملی-مذهبی صهیونیستی، حکمی را تصویب کرد که به خاخام‌هایی که معتقدند یهودیان باید در حرم نماز بخوانند، اجازه انجام این کار را می‌داد. در همین حال، چندین تن از قضات دادگاه عالی و سیاستمداران شروع به درخواست از دولت و خاخام اعظم برای لغو ممنوعیت نماز خواندن یهودیان در حرم کردند. این تلاش‌ها با بازدید آریل شارون، رهبر حزب لیکود از حرم شریف در سپتامبر ۲۰۰۰ به همراه پلیس ضد شورش اسرائیل به اوج خود رسید.

این مسئله اعتراضات فلسطینی‌ها را به دنبال داشت و در پی آن ۴ فلسطینی کشته و ده‌ها نفر زخمی شدند. سفر شارون، آتش انتفاضه دوم فلسطین را شعله‌ور

کرد و در هفته بعد اسرائیل ۷۰ فلسطینی را کشت و شارون پس از ۵ ماه به عنوان نخست وزیر اسرائیل انتخاب شد.

استمرار مقاومت

قبل از سال ۲۰۰۳، دولت اسرائیل به بیش از ۳ یهودی مذهبی به طور همزمان برای زیارت و بازدید از حرم اجازه نمی‌داد، اما از آن زمان به بعد این تعداد را به طور پیوسته به بیش از ۵۰ نفر رسانده است و این کار را بدون تأیید مقامات اوقاف اسلامی انجام می‌دهد.

در سال ۲۰۰۹، پس از اظهارات نژادپرستانه در مورد فلسطینی‌ها، اسحاق آهارونیچ، وزیر امنیت داخلی اسرائیل، از حزب راست‌گرای اسرائیل، بار دیگر از حرم بازدید کرد. تحریکات و هتک حرمت صهیونیست‌ها علیه فلسطینیان ادامه یافت و در سپتامبر ۲۰۱۵، دولت اسرائیل از ورود فلسطینیان به حرم جلوگیری کرد تا برای یهودیان امکانی را فراهم کنند تا به آنجا بروند.

به این جهت قیام فلسطینی‌ها به راه افتاد که طی آن پلیس اسرائیل ده‌ها فلسطینی را به ضرب گلوله کشت. در حالی که دولت اسرائیل پس از انتفاضه اعضای کنست را از بازدید از محوطه منع کرد، بنیامین نتانیاهو این ممنوعیت را در سال ۲۰۱۸ لغو کرد.

در واقع، موضوع اجازه دادن به یهودیان برای ورود به حرم شریف، چه رسد به اینکه در آنجا نماز بخوانند، همچنان یکی از موضوعات اصلی اختلاف در محافل مذهبی یهودیان در اسرائیل است، به طوری که نتانیاهو سال گذشته با یک

خاخام محافظه کار و رئیس یک حزب سیاسی به توافق رسید تا به طور موقت یهودیان را از ورود به حرم در ازای پیوستن به دولت ائتلافی خود منع کند. مقاومت مستمر فلسطین علیه استعمار اسرائیل در چند هفته گذشته، چه در اسرائیل و چه در کرانه باختری و غزه، با کشتار فلسطینیان در سراسر کرانه باختری، به ویژه جنین، به اوج خود رسید. در حالی که فلسطینی‌ها متوجه شده‌اند که استعمار شهرک‌نشینان، تمام سرزمین فلسطینی‌ها را هدف قرار داده و تلاش‌های مستمر برای کنترل اماکن مقدس مسلمانان فلسطینی، چه در قدس، الخلیل، حرم یوسف دویک (قدیس محلی در نابلس) و بنا به ادعای صهیونیست‌های متعصب «مقبره یوسف»، به سرعت ادامه دارد.^۱

^۱ <https://www.middleeasteye.net/opinion/israel-palestine-jerusalem-aqsa-mosque-zionism-religious-war-fuel>

تنش بین اردن و اسرائیل بر سر تولیت اماکن مقدس در قدس



نفتالی بنت، نخست‌وزیر اسرائیل، در سخنان اخیرش (در دوشنبه ۱۹ اردیبهشت) تأکید کرد که تمامی تصمیم‌های مربوط به مسجدالاقصی و شهر بیت‌المقدس را اسرائیل که حاکمیت قدس را در اختیار دارد، اتخاذ خواهد کرد، بدون اینکه دیدگاه‌های خارجی در این زمینه مدنظر گرفته شود. روز پس از آن نیز دفتر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در بیانیه‌ای به طور رسمی با اضافه شدن ۵۰ کارمند اردنی در مسجدالاقصی مخالفت کرد.

این در حالی است که چندی پیش، اردن با هدف حفظ آرامش در ماه رمضان، رفت‌وآمدهای دیپلماتیک متعددی با اسرائیل داشت و شماری از مقام‌های ارشد اسرائیلی از جمله اسحاق هرتزوگ، رئیس‌جمهوری اسرائیل، عומר بارلو، وزیر امنیت داخلی، یائیر لاپید، وزیر خارجه، و بنی گانتس، وزیر دفاع اسرائیل، به اردن رفتند و دولت این کشور هم به گرمی از آنها استقبال کرد.

به گفته ناظران، سخنان نفتالی بنت یک عقب‌نشینی صریح از همه مواردی است که او چندی پیش به منظور حفظ آرامش در قدس، با پادشاه اردن در مورد آنها به تفاهم رسید. علاوه بر این، سخنان نخست‌وزیر اسرائیل نقض آشکار مفاد پیمان «وادی عرب» است که در آن، بر مسئله سرپرستی اردن بر اماکن مقدس اسلامی و مسیحی در بیت‌المقدس تأکید شد.

در حالی که وزارت خارجه اردن از واکنش به سخنان نخست‌وزیر اسرائیل خودداری کرده است، کمیته فلسطین در مجلس نمایندگان اردن سخنان نخست‌وزیر اسرائیل درباره شهر بیت‌المقدس و مسجدالاقصی را کودتا علیه واقعیت تاریخی و مذهبی در این شهر دانست و اعلام کرد که سخنان نفتالی بنت غیرمسئولانه است و آتش تنش‌های دینی در سراسر منطقه را شعله‌ور خواهد کرد.

پس از آن، ایمن صفدی، وزیر خارجه اردن، بدون اشاره به سخنان نخست‌وزیر اسرائیل گفت اسرائیل باید وضعیت حقوقی اماکن مقدس در قدس را حفظ کند و هر اقدامی که تغییری در وضعیت تاریخی بیت‌المقدس ایجاد کند، از نظر قانونی باطل است.

گفته می‌شود تنش‌های لفظی اخیر بین اسرائیل و اردن نیز ناشی از سخنان تند بشر خصاونه، نخست‌وزیر اردن، است. او دولت اسرائیل را «صهیونیست‌های ناپاک» توصیف و تأکید کرد که اداره کل محوطه مسجدالاقصی حق انحصاری

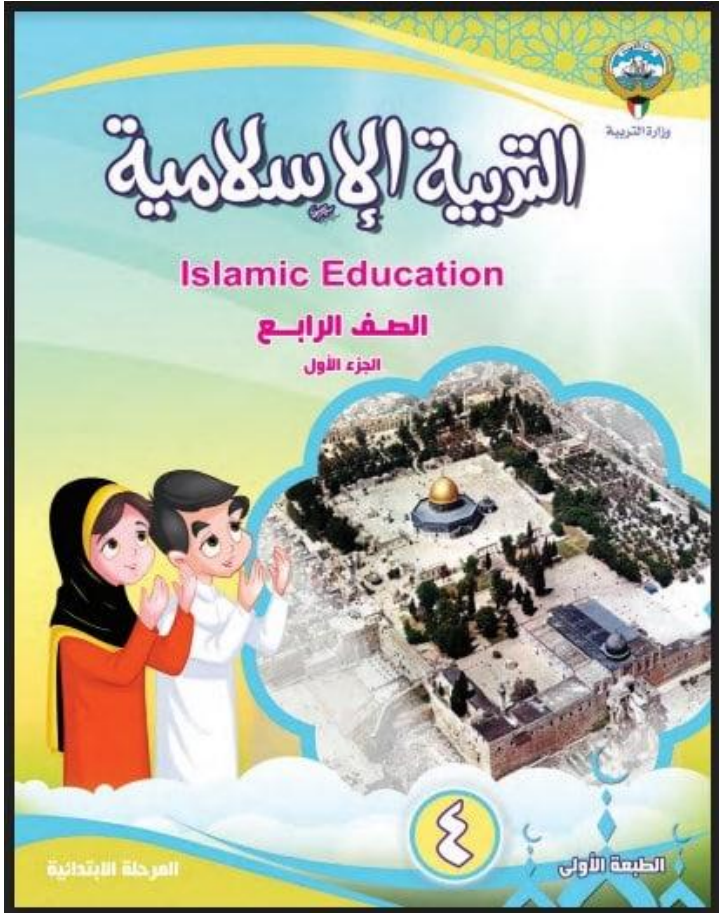
اوقاف اسلامی وابسته به اردن است و دولت او به هیچ تلاشی برای تقسیم مکانی و زمانی مسجدالاقصی مجوز نخواهد داد.^۱

ملاحظه: بر اساس قوانین بین‌المللی و قطعنامه‌های سازمان ملل به ویژه قطعنامه ۱۸۱، اردن برای قیمومیت بر بیت‌المقدس مشروعیت تاریخی دارد. موضع اردن بر این اساس استوار است که قدس شرقی سرزمین اشغالی است که حاکمیت آن متعلق به فلسطینیان است و قیمومیت اماکن مقدس اسلامی و مسیحی و مسئولیت حفاظت از این شهر به پادشاه اردن تعلق دارد.

در واقع، تولیت مسجدالاقصی از لحاظ تاریخی به شریف حسین بن علی برمی‌گردد؛ پس از آنکه مردم فلسطین در سال ۱۹۲۴ با او بیعت کردند. سپس در ۳۱ مارس ۲۰۱۳، ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن، و محمود عباس، رئیس‌تشکیلات خودگردان فلسطین، در قرارداد تاریخی که در امان امضا شد، بار دیگر بر ادامه تولیت اردن بر بیت‌المقدس تأکید کردند؛ به این معنی که مسئولیت حفاظت از اماکن مقدس اسلامی و مسیحی در بیت‌المقدس را پادشاه اردن بر عهده دارد.

^۱ <https://www.independentpersian.com/node/۲۳۷۱۹۶>

کویت؛ استثنای حمایت از مسئله فلسطین در کشورهای خلیج فارس



فعالان شبکه‌های اجتماعی تصویری از جلد کتاب «التربية الإسلامية» کلاس چهارم در کویت را منتشر کردند که تصویری از قبة الصخره و مسجد الاقصی را به نمایش می‌گذارد.

کاربران فضای مجازی کویت با توجه به کمپین‌های عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی در قالب برنامه‌های درسی عربی که به دنبال پاک کردن مسئله فلسطین از ذهن دانش‌آموزان است، با به اشتراک گذاشتن این تصویر حس غرور و افتخار خود را ابراز کردند.

بر خلاف برخی کشورهای عربی که سیاست عادی‌سازی را دنبال می‌کنند، دولت و مردم کویت بارها نشان داده‌اند که مسئله فلسطین در میان آنها به شدت زنده است.

در آخرین نمونه از این حمایت‌های مردمی در کویت از مسئله فلسطین، رسانه‌های کویتی از انصراف استاد شطرنج این کشور از مواجهه با حریف اسرائیلی خود خبر دادند.^۱

بدر الهاجری قهرمان شطرنج کویت، روز سه شنبه ۳ مه ۲۰۲۲ پس از آنکه قرعه‌کشی وی را در برابر بازیکن رژیم اشغالگر فلسطین قرار داد، تصمیم گرفت از مسابقات قهرمانی بین‌المللی شطرنج اسپانیا انصراف دهد.

به گفته این رسانه‌ها موضع الهاجری به منزله تأیید موضع قاطع کویت و رد عادی‌سازی در تمامی اشکال آن با رژیم صهیونیستی است، چرا که در ماه‌های گذشته شاهد موضع‌گیری‌های مشابه بسیاری از قهرمانان ورزشی کویت بودیم که از رویارویی با بازیکنان رژیم صهیونیستی در بازی‌های مختلف خودداری کردند.

^۱ <https://twitter.com/mdkw۲۰/status/۱۵۲۱۴۷۰۰۲۸۰۲۰۸۶۲۹۷۷>

در همین راستا محمد العوضی تنیسور کویتی در ماه ژانویه از رویارویی با یک بازیکن اسرائیلی در مرحله نیمه نهایی مسابقات بین‌المللی زیر ۱۴ سال که در دبی برگزار شد، خودداری کرد. تعداد بازیکنان کویتی که سال گذشته در مسابقات به میزبانی امارات بازی در مقابل رقبای کشور اشغالگر را رد کرده‌اند به سه نفر رسیده است.

در ماه مه گذشته، مجلس ملی کویت به اتفاق آرا پیش نویس قانونی را برای منع عادی‌سازی روابط با رژیم اشغالگر اسرائیل تصویب کرد. بر اساس قوانین کویت، اسرائیل، رژیم متخاصم تلقی می‌شود و اشخاص حقیقی و حقوقی کویتی حق انعقاد قرارداد یا معامله با ارگان‌ها یا اشخاصی که در سرزمین‌های اشغالی اقامت دارند یا به آن وابسته هستند یا با آن کار می‌کنند را ندارند.

همچنین در این پیش نویس آمده برای هرگونه معامله یا انعقاد قرارداد با این رژیم مجازات حبس از ۵ سال تا حبس ابد و جزای نقدی در نظر گرفته شده است.^۱

^۱ <https://t.me/PGulfStudies/۱۱۵۹>

انقلاب دینی و فرهنگی در خلیج فارس

هفته، اسلام معتدل، در عربستان و امارات



هفته دوم ماه مه میلادی، عربستان و امارات میزبان دو اجلاس بزرگ ادیانی با شعارهای اعتدال و مبارزه با افراط‌گرایی بودند.

کنفرانس «وحدت اسلامی.. مفهوم، فرصت‌ها و چالش‌ها» که ۱۵۰ کشور و صدها شخصیت مذهبی از اکثر کشورهای عربی و اسلامی در آن شرکت داشتند، طی روزهای یکشنبه و دوشنبه گذشته، ۸ و ۹ مه، در ابوظبی برگزار شد.

شیخ عبدالله بن بیه رئیس مجلس الإمارات للإفتاء الشرعی و مجمع ترویج صلح امارات، نهیان بن مبارک وزیر مدارا و همزیستی امارات، محمد مختار جمعه وزیر اوقاف مصر، محمد عبدالستار السید وزیر اوقاف سوریه، علی ارباش رئیس سازمان دیانت ترکیه، عبد الشکور سردار خان وزیر امور دینی پاکستان، داتو ادیس بن احمد وزیر امور دینی مالزی و حسین ابراهیم طه دبیر کل سازمان همکاری اسلامی، از جمله شخصیت‌های برجسته‌ای بودند که در این نشست حضور داشتند.

دکتر محمد عبدالستار السید وزیر اوقاف سوریه که حضور او پس از سال‌ها قطع روابط سوریه و امارات، از نقاط جالب توجه این نشست بود، در سخنرانی خود گفت: «ما از دولت و مردم امارات متحده عربی برای مواضع پیشگامانه آنها در قبال سوریه و از وزارت تساهل امارات متحده عربی برای تلاش‌های بزرگی که انجام می‌دهد، تشکر می‌کنیم».^۱

با پایان یافتن اجلاس ابوظبی، ریاض روز چهارشنبه، ۱۱ مه، میزبان «مجمع ارزش‌های مشترک بین پیروان مذاهب» با حضور چهره‌هایی از رهبران مذهبی اسلامی، مسیحی، یهودی، بودایی، و هندو بود.^۲

این اجلاس را «رابطه العالم الاسلامی» برگزار کرد. محمد العیسی، رئیس رابطه العالم این سال‌ها سفیر دینی عربستان در سطح جهان بوده و با مسافرت‌ها و

^۱ <https://uaeenc.com/انطلاق-فعاليات-المؤتمر-الدولي-للمجلس>

^۲ <https://www.alarabiya.net/saudi-today/۱۱/۰۵/۲۰۲۲/انطلاق-ملتقى-القيم>

المشتركة-بين-الاديان-في-العاصمة-السعودية

دیدارهای متعدد با شخصیت‌های سیاسی و مذهبی جهان، تلاش کرده برجسب افراط‌گرایی را از چهره آلوده سعودی‌ها پاک کند. به رسمیت شناختن هولوکاست، بازدید از موزه یادبود هولوکاست در آمریکا و اردوگاه آشویتس، دیدار با پاتریارک کریل سراسقف کلیسای ارتدوکس روسیه، دیدار با تیموتی دولان سراسقف کاتولیک‌های نیویورک، دیدار با راسل نلسون رهبر مورمون‌های جهان و شرکت در عبادت بوداییان در تایلند، گوشه‌هایی از فعالیت‌های فرامذهبی محمد العیسی در دوران ریاستش بر رابطه العالم بوده است.

از مهم‌ترین چهره‌های حاضر در نشست ریاض، بارثلمه یکم، سراسقف کلیسای ارتدوکس قسطنطنیه بود.

حضور هیئت یهودی ۱۲ نفره، از جمله ۱۰ خاخام ارتدوکس، و پذیرایی از آنها با غذای «کوشر» (حلال طبق آیین یهودیت) از جمله خط‌های خبری‌ای بود که سعودی‌ها آن را برجسته کردند.

انقلابی فرهنگی در صنعت فیلمسازی و رسانه در عربستان سعودی



اکنون فیلم‌های هیجان‌انگیز پرهزینه با بودجه‌های هنگفتی در عربستان سعودی در حال فیلم‌برداری هستند. با این وجود، برخوردهای فرهنگی ممکن است مانع از موفقیت صنعت فیلمسازی در آن کشور شوند.

در «تگی» سریالی سعودی که به نتفلیکس راه یافته عربستان سعودی سرزمین اسلام‌گرایان سرسخت و شیوخ ثروتمند با قصرهای طلاکاری شده نیست.

در عوض، در این سریال نشان داده می‌شود که جوانان سعودی اسکوترسواری می‌کنند و به فراتر از مرزهای ترسیم شده برای خود به منظوراندکی سرگرمی بیشتر می‌اندیشند و با چالش‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند.

«ملک» قهرمان داستان در یکی از سکانس‌ها به دوستانش می‌گوید: «ده روز تعطیل بودیم و هنوز هیچ لذتی نبردیم». یکی از دوستانش پاسخ می‌دهد: «بیا به دبی برویم».

یک دهه پیش «تکی» نمایشی در یوتیوب بود و اکنون یک موفقیت در نتفلیکس محسوب می‌شود و سال گذشته فصل سوم تازه آن در تلاش برای جذب مخاطبان عمدتاً نادیده گرفته شده، اما انبوه در عربستان سعودی پخش شد.

در سال ۲۰۲۰ میلادی، «تل فاز ۱۱» شرکت سعودی تولیدکننده این نمایش قرارداد هشت فیلم را با نتفلیکس امضا کرد. مجریان این مجموعه نمایشی که زمانی برای فیلم‌برداری مجبور بودند از دید پلیس مذهبی عربستان سعودی پنهان بمانند به نمونه‌ای موفقیت‌آمیز برای فیلمسازان مشتاق در عربستان سعودی در صنعت سرگرمی تازه‌کار آن کشور تبدیل شده‌اند، موضوعی که سلطنت سعودی خود در تلاش برای گسترش آن است حتی اگر ارزش‌های فرهنگی و مذهبی آن مانع موفقیت این اقدام شود.

حکومت عربستان سعودی در سالیان گذشته از پلیس مذهبی برای اعمال قوانین اخلاقی سخت‌گیرانه علیه جوانان و زنان عربستان استفاده می‌کرد و اغلب آنان را از روی هوس و به صورتی دلبخواهانه با آزار و اذیت مواجه می‌ساخت. «هیفا المنصور» اولین زن سعودی که فیلمی سینمایی را کارگردانی کرده هنگام فیلم‌برداری فیلم «وجد» در سال ۲۰۱۲ میلادی در خیابان‌های ریاض مجبور بود در خودروهای ون پنهان شده و راهنمایی‌ها و دستورالعمل‌ها را به صورت تلفنی به بازیگران ارائه دهد. اکنون وضعیت تغییر کرده است.

بازیگران زن هالیوود در جشنواره‌های فیلم سعودی حاضر می‌شوند و روحانیون سعودی سکوت می‌کنند. «مازن هایک» مشاور ارتباطات رسانه‌ای و

سخنگوی سابق MBC بزرگترین شبکه تلویزیونی جهان عرب تغییرات در صنعت رسانه‌های سعودی را یک «انقلاب فرهنگی» توصیف کرده است.

«سارا طیب» فیلمساز عربستانی الاصل که در رشته هنرهای زیبا در سانفرانسیسکو تحصیل کرده به «فارین پالیسی» گفت: «این دوران بسیار مهمی در صنعت فیلمسازی در عربستان است و من فکر می‌کنم این دوران حتی مهم‌تری برای ما به عنوان زنان خلاق است. صدای ما برای مدتی طولانی نادیده گرفته شده بود و اکنون این نادیده گرفته شدن به پایان رسیده است».

سیاست عربستان سعودی در زمین «سرگرمی و اوقات فراغت در سال ۲۰۱۷ میلادی تغییر کرد زمانی که «محمد بن سلمان» به عنوان ولیعهد منصوب شد و شروع به ترویج چشم‌انداز ۲۰۳۰ کرد برنامه‌ای اقتصادی که او برای کاهش وابستگی اقتصادی پادشاهی سعودی به سوخت‌های فسیلی با تبدیل شدن آن کشور به قطب گردشگری و سرگرمی از جمله فیلمسازی طراحی کرده بود.

اگرچه رژیم سیاسی تحت رهبری او در غرب به سرکوب مخالفان، دستور اعدام‌های دسته‌جمعی و ارتباط آن با قتل «جمال خاشقچی» روزنامه‌نگار شهرت دارد، اما محمد بن سلمان به دلیل گسترش صنعت سینمای عربستان در داخل آن کشور واکنش مثبتی را دریافت کرده است. جوانان سعودی و کارشناسان صنعت فیلمسازی در جهان عرب به طور فزاینده‌ای اشاره می‌کنند که از سرعت رشد صنعت سینما در عربستان سعودی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند.

این توجه به صنعت فیلمسازی ممکن است راهی برای سفیدسازی شهرت منفی سلطنت سعودی باشد به ویژه از آنجایی که ریاض هم چنان از بهار عربی

به رهبری جوانان و تکرار آن وضعیت وحشت دارد. به طور خلاصه، محمد بن سلمان به جای حقوق و آزادی‌های سیاسی، سرگرمی و چندین مورد آزادی اجتماعی بیشتر را به شهروندان سعودی ارائه داده است.

به نظر می‌رسد که این راه‌حل کارآمد بوده است؛ برای بسیاری از جوانان سعودی، ولیعهد عربستان سعودی مرد زمانه خود است. پادشاهی سعودی قدرت روحانیون مذهبی را محدود کرده و به جوانان سعودی چیزی را عرضه کرده تا سرگرم شوند آن هم در شرایطی که بسیاری از فقدان اصلاحات سیاسی در عربستان سعودی ناامید شده بودند.

در حال حاضر، بخش سرگرمی عربستان سعودی به طور تصاعدی رشد کرده است. چهار سال پیش، محمد بن سلمان پس از وقفه‌ای بیش از سه دهه‌ای به دلیل فشار محافظه‌کاران مذهبی بر حکومت اعلام کرد که سینماهای آن کشور بازگشایی شوند تصمیمی که سود کلانی را به همراه داشت.

واضح است که اشتهاى داخلی زیادی برای این عرصه وجود دارد: صدها سالن سینما در شهرهای سراسر کشور رشد کرده‌اند و درآمد سینماها در سال ۲۰۲۱ به ۲۳۸ میلیون دلار افزایش یافت.

دولت عربستان سعودی اعلام کرد که تا سال ۲۰۳۰ میلادی ۲۶۰۰ سالن سینما در آن کشور به منظور افتتاح پیش‌بینی شده و به فیلمسازان محلی و منطقه‌ای کمک مالی می‌کند تا فیلم‌هایی با موضوعاتی که اعراب می‌توانند با آن آشنا شوند بسازند. ریاض گفته که در مجموع ۶۴ میلیارد دلار در بخش سرگرمی

سرمایه‌گذاری کرده است. بازیگران و فیلمسازان سعودی که از کشور فرار کرده‌اند به خانه باز می‌گردند تا در داخل و درباره عربستان فیلم بسازند. «عهد کامل» در حال آماده شدن برای فیلم‌برداری فیلمی درباره راننده خانواده‌اش است و «مونا خاشقچی» پس از دو دهه اقامت در لندن برای تولید فیلم به کشور خود بازگشته است.

ریاض هم چنین برای فیلم‌برداری ۱۰۰ فیلم در عربستان سعودی تا سال ۲۰۳۰ میلادی هدف‌گذاری کرده تا آن کشور را به محبوب‌ترین مقصد فیلم‌برداری در منطقه تبدیل کند و جایگزین مراکش شود. وزیرای سعودی در حال ملاقات با مدیران فیلم در بالیوود و جاهای دیگر هستند و در صورت فیلم‌برداری در عربستان سعودی و استخدام استعدادهای محلی، امتیاز و تخفیف‌های قابل توجهی را به تهیه‌کنندگان ارائه می‌دهند.

در ماه‌های اخیر، روزنامه‌های طرفدار دولت سعودی درباره قندهار یک فیلم هیجان‌انگیز جاسوسی با بازی «جرارد باتلر» و حماسه تاریخی «جنگجوی صحرا» که هر دو در العلا منطقه‌ای ثبت شده به عنوان میراث جهانی یونسکو که در میان صحرای عربستان سعودی فیلم‌برداری می‌شوند گزارش‌هایی را منتشر کرده‌اند.

در همین حال، هنرمندان مصری، سوری و لبنانی در کشورهای همسایه امیدوارند از طرح‌های ریاض بهره ببرند و از بودجه عربستان سعودی که نمی‌توانند در کشورهای خود دریافت کنند بهره‌مند شوند.

سال گذشته، عربستان سعودی صندوق دریای سرخ را برای تأمین مالی فیلمسازان راه‌اندازی کرد و صدها متقاضی را از سراسر منطقه پذیرفت. از حدود ۱۰۰ پروژه‌ای که بودجه دریافت کردند ۶۰ پروژه از منطقه عربی و ۱۵ پروژه توسط زنان بودند.

با این وجود، حتی در حالی که ریاض در حال تأمین بودجه تولیدات و شاهد سفر ستاره‌های سراسر جهان به عربستان سعودی است صنعت فیلم نوپا در آن کشور با چالش‌های قابل توجهی مواجه است.

از آنجایی که این صنعت هنوز جوان است یک پرسش مهم آن است که آیا استعداد‌های محلی در صنعت فیلمسازی عربستان سعودی نقش خواهند داشت یا خیر. در همین حال، دولت سعودی قصد دارد موسسه‌های فیلمسازی را برای جوانان افتتاح کند.

برای مثال، شورای فیلم عربستان با مدرسه فیلم فرانسوی La Fémis و دانشگاه کالیفرنیا جنوبی همکاری کرده است. با این وجود، پرورش استعدادهایی که برای تهیه تولیدات جهانی آماده باشند امری زمان‌بر است.

از سوی دیگر، نمی‌توان ناگهان انتظار داشت که ارزش‌های جدید در جامعه‌ای که نزدیک به ۴۰ سال محافظه‌کاری شدید را پشت سر گذاشته اعمال شوند. شاید مهم‌تر از آن، سیاست و مذهب و هم چنین تابوهای اجتماعی قدیمی باشند که ممکن است مانعی برای فیلمسازان بین‌المللی محسوب شوند و مانع از

آن شوند که آنان عربستان سعودی را به عنوان متحدی در فیلمسازی و به عنوان یک قطب فرهنگی در جهان عرب جدی بگیرند.^۱

سرنوشت کمیته امر به معروف و نهی از منکر عربستان وزمینسازی برای انحلال آن



سریالهای ماه رمضان امسال در عربستان سعودی خطرات تلخ سعودیها با سازمان امر به معروف و نهی از منکر این کشور را که تحت عنوان «پلیس دینی» در عربستان شناخته می‌شود، زنده کرده است؛ سازمانی که تا دهه‌ها در عربستان همه کاره بود اما در سالهای اخیر در چارچوب مسیر اصلاحاتی که توسط عربستان در سال ۲۰۱۶ آغاز شده، محدود شده است.

^۱ <https://fararu.com/fa/news/۵۴۷۸۲۸>

فعالان سعودی می‌گویند: علی‌رغم تحول ایجاد شده در فعالیت‌های پلیس دینی که اکنون تنها به برگزاری سمینارها محدود شده است، با این حال همچنان صرف ذکر نام آن و اشاره به فعالیت‌هایش در گذشته حتی در قالب سریال‌های نمایشی، ترس و وحشت را در بین سعودی‌ها به ویژه آنهایی ایجاد می‌کند که تلخی درگیری با عناصر آن را چشیده‌اند.

یکی از این سریال‌ها، سریال العاصوف (طوفان) است که یکی از محورهای اصلی آن، نحوه پیدایش پلیس دینی عربستان در دهه ۱۹۸۰ میلادی و انجام اقدامات عناصر آن است که توسط شرکت ام‌بی‌سی تهیه شده و نه تنها در عربستان بلکه در دیگر کشورهای عربی هم از نرخ تماشای بالایی برخوردار است.

از جمله صحنه‌هایی از این سریال که واکنش‌های زیادی به همراه داشته است، صحنه‌هایی است که عناصر این سازمان را نشان می‌دهد که چوب به دست با خودروهای شاسی بلند خود در خیابان‌ها و میادین عمومی پرسه می‌زنند و به تعقیب افرادی می‌پردازند که در نظرشان مخل نظم عمومی هستند و به نحوه پوشش آنها و ظاهر آنها گیر می‌دهند و با چوب به جان افراد خاطی می‌افتند و علیه آنها مجازات‌های گوناگونی نظیر حبس و غرامت صادر می‌کنند.

«ترکی الحمد» استاد دانشگاه در عربستان با این اعتقاد که آنچه سریال عاصوف درباره هیئت امر به معروف و نهی از منکر پخش می‌کند، تنها بخش کوچکی از کارهای عناصر این سازمان است، در این باره می‌گوید: «بسیاری از دنبال‌کنندگان این سریال اعتبار وقایع سریال درباره وحشی‌گری این هیئت در

دوران بیداری را زیر سؤال می‌برند در حالی که در روزهایی اتفاق افتاده است که ما با آنها زندگی کرده‌ایم و دوران زیادی از آنها نگذشته است».

این استاد دانشگاه عربستانی با اشاره به اینکه آنچه در این سریال پخش شده تنها گوشه‌ای از فعالیت‌های این سازمان دینی است، بیان می‌کند: «آنچه پخش شد تنها تکه‌ای از کارهای هیئت امر به معروف است. به بیان ساده، روزهای تروریسم آشکار به تمام معنا بود و جامعه در پرتو نفوذ آنها به دستگاه‌های دولتی، یارای مقاومت در برابر آنها را نداشت».

پیشنهادهایی که درباره سازمان امر به معروف و نهی از منکر عربستان در این سریال ارائه می‌شود، با واکنش‌های متفاوتی در شبکه‌های اجتماعی همراه بوده است. برخی با حمایت از این سریال؛ به لزوم انحلال این سازمان و بسنده نکردن به محدود کردن نفوذ آن دعوت کرده‌اند در حالی که گروهی دیگر معتقدند که درباره پلیس دینی عراق و شیطننت زیادی صورت می‌گیرد.

یکی از کاربران در توییتر نوشته است: «کسی که با سازمان امر به معروف و نهی از منکر به صورت علنی اعتراض می‌کند و علناً نسبت به آن ابراز انزجار می‌کند، قطعاً گذشته‌ای با آنها داشته است. خصومت نسبت به این هیئت چیزی جز تسویه حساب شخصی نیست».

دیگری گفته است: «آنچه از سریال العاصوف پخش شد، در چارچوب مقدمه‌ای برای انحلال سازمان امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد. صراحتاً من موافق انحلال آن و انتقال کارمندان به وزارت امور اسلامی هستم».

نقش هیئت امر به معروف و نهی از منکر در سال‌های اخیر به تدریج و به ویژه پس از تصمیمی که در آوریل ۲۰۱۶ مبنی بر اصلاح اختیارات آن طبق قانون مصوب هیئت وزیران اتخاذ شد، افول کرد؛ تصمیمی که در پی ارسال شکایت‌هایی مبنی بر تخلفات اعضای آن صادر شد.

بر اساس این قانون مصوب؛ اعضای این هیئت حق بازداشت، نگهداری، تعقیب و درخواست مدارک هویتی از افراد را ندارند و نقششان تنها به گزارش دادن به پلیس و اداره مواد مخدر درباره یک شخص مشخص محدود می‌شود. این قانون همچنین اعضای هیئت مذکور را موظف کرده است که هنگام صحبت کردن با هر فردی، کارت شناسایی خود را نشان دهند و اجازه ندارند به غیر از ساعات کاری چنین کاری را انجام دهند.^۱

هیئة الامر بالمعروف والنهي عن المنکر - مجرد ذکر اسمها فی - <https://alarab.co.uk/>^۱
السعودية - یکفیی

درباره وثیقه مکه؛ تعهدنامه سکولار عربستان برای عالمان و آیند جهان اسلام

به قلم: سید علی بطحائی



عنوان: وثیقه مکه المکرّمه

مکان امضا: جوار کعبه معظمه

زمان امضا: ۲۴ رمضان الکَریم ۱۴۴۰

امضاکنندگان: هزار و دویست نفر از علماء طراز اوّل جهان اسلام

وثیقه مکه المکرّمه (The Mecca Charter) مهمترین چشم‌انداز ادیان، مذاهب و تمدنی عربستان سعودی برای آینده جهان اسلام است. این تعهدنامه، سند بالادستی خادمین حرمین شریفین، برای یکسان‌سازی تفکرات عالمان دینی (بخوانید سکولاریسم اجباری) در سرتاسر جهان اسلام است.

بیست و چهارم رمضان ۱۴۴۰ و در حاشیه کنفرانس بین‌المللی «قیم الوسطیه والاعتدال فی نصوص الکتاب والسنة: ارزش‌های اعتدال در نصوص کتاب و سنت» بود که مهمترین پیمان نامه ادیان و مذاهبی جهان اسلام، به محوریت کعبه معظمه و خط مشی رابطه العالم الاسلامیه - نام آشناترین نهاد در دعوت و تبلیغ عربستان - رونمایی شد. همان زمان این سند راهبردی، با امضای بیش از یک هزار و دویست نفر از علمای طراز اول جهان اسلام از سی و نه فرقه و صد و چهل کشور در کنار کعبه معظمه تثبیت و عملیاتی شد. این سند تاریخی به عنوان متنی فاخر و قانونی راهگشا، در سال ۲۰۲۰ جایزه الملک فیصل العالمیه را تصاحب کرد تا بیش از پیش در جهان اسلام مطرح شود. علی رغم مانور رسانه‌ای گسترده روی این سند در جهان اسلام، به ملاحظات هیچ پژوهشی از آن درون ایران اسلامی شنیده نشد. فارغ از بی‌خبری‌های پیاپی ما از تحولات فکری- فرهنگی جهان اسلام، احتمالاً سکولار بودن برخی مفاد این پیمان نامه و مخالفت با خوانشی متفاوت از سیره نبوی در این تعهدنامه، عمده دلیل اعراض از آن در مجامع ذیصلاح داخلی بوده است. ظاهراً تنها عالمی از ایران اسلامی که در جریان تنظیم این سند قرار گرفت و البته به دلایل هوشمندانه‌ای از امضا سند طفره رفت؛ مرحوم آیت الله شیخ محمدعلی تسخیری (رحمه الله علیه) بوده است. از شیعه سید محمد علی الحسینی، روحانی جوان و مخالف اسلام سیاسی نسخه ایرانی و معارض سرسخت فعالیت‌های حزب الله لبنان، این وثیقه را امضا کرد.

نظر به آشنایی با این سند، به مهم‌ترین مفاد این پیمان نامه اشاراتی خواهیم داشت.

یکم: سند مکه مکرمه چشم‌اندازی است که عربستان سعودی، به تأسی از پیمان نامه تاریخی رسول خدا (ص) در مدینه برای دستیابی به صلح و حفظ ارزش‌های اعتدال در کشورهای اسلامی تهیه کرد. این وثیقه با اهداف مبارزه با تروریسم، رفع بی‌عدالتی و ریشه کن کردن ظلم، نفی نقض حقوق و کرامت انسانی و تحکیم ارزش‌های همزیستی میان ادیان، فرهنگ‌ها، اقوام و مذاهب مختلف در جهان اسلام تنظیم شده است.

دوم: محتویات این سند شامل ۲۹ ماده است که اجزای آن مُلهم از سند تاریخی مدینه منوره است که چهارده قرن پیش توسط رسول خدا (ص) با توجه به تنوع مذهبی، فرهنگی و قومیتی جهان امروز تنظیم شده است. رؤس مطالب وثیقه مکه مکرمه در موارد زیر خلاصه شده است:

- پیمان‌نامه مکه مکرمه خواستار نفی افراط‌گرایی، نژادپرستی و برقراری ارزش‌های همزیستی مسالمت‌آمیز در جهان امروز است.
- تأکید بر اهمیت مرجع معنوی کعبه و قبله به عنوان ملجأ مسلمین در جهان اسلام.
- مسلمانان با تعامل متمدانه خود بخشی از جهان معاصر هستند و با تمام ظرفیت خود، برای رسیدن به منفعت بشریت تلاش می‌کنند و تفاوت در عقاید و مذاهب یک هنجار جهانی است.
- تصریح به اینکه انسان‌ها از نظر انسانیت برابر هستند و به یک خاستگاه واحد تعلق دارند.

- دوری از بی‌عدالتی، تروریسم، تجاوز، برخورد تمدنی و نفرت پراکنی در جهان اسلام.
- نکوهش ادعای استکبار و شعارهای نژادپرستانه نفرت‌انگیز.
- حمایت از ارزش‌های تنوع مذهبی و فرهنگی.
- دعوت به گفت‌وگوی متمدنانه.
- تأکید بر برائت ادیان و مذاهب از خطرات پیروان و مدعیان دروغین آنها و اینکه خاستگاه ادیان توحیدی یکی است که تنها ایمان به خدا و پیوند دین با اعمال غلط سیاسی جایز نیست.
- وضع قوانین بازدارنده برای جلوگیری از ترویج نفرت، درگیری تمدنی و دعوت به درگیری و ارباب دیگری.
- تحکیم ارزش‌های والای اخلاقی، جهت مصونیت بخشیدن به جوامع مسلمان.
- تأکید بر اینکه مسلمانان قادر هستند که تمدن بشری را با کمک‌های سازنده مسلمانان که بشریت به آن نیاز دارد، غنی سازند.
- دعوت به توانمندسازی مشروع زنان و رد به حاشیه رانده شدن نقش آنها.
- پدیده شوم اسلام‌هراسی، نتیجه عدم شناخت صحیح از حقایق اسلام است.

- در این سند بر عدم مداخله در امور دولت‌ها تأکید شده است و از روش‌های هژمونی سیاسی با جاه‌طلبی‌های سیاسی-اقتصادی چشم‌پوشی شده است.
- ضرورت ایجاد یک مجمع جهانی با ابتکارات نوین اسلامی که به امور جوانان بر اساس گفت‌وگوی سازنده با بزرگان جهان اسلام و جهان بشریت بپردازد.
- تمام تصمیم‌ها، ابتکارات و برنامه‌ها فراتر از گزاره نظری هستند، به ویژه در رابطه با برقراری صلح و امنیت بین‌المللی و محکومیت روش‌های نسل‌کشی، پاک‌سازی قومی، آوارگی اجباری، قاچاق انسان و سقط جنین غیرقانونی.
- امضاکنندگان این سند در پایان تأکید کردند که تنها علمای باسابقه و گروهی مانند شرکت کنندگان در این کنفرانس می‌توانند امور امت اسلامی را حل و فصل و در امور دینی و هر آنچه مربوط به آنان است به نمایندگی از آنها اظهارنظر کنند.^۱

^۱ <http://muslimna.ir/news/58-42-01-25-04-2022-3258.html>

حرم بقیع و عادی سازی روابط شیعیان با سعودی‌ها

مقتدی صدر خواهان بازسازی مرقد‌های مطهر ائمه بقیع شد



در شب بیست و هفتم ماه مبارک رمضان و شب قدر مشترک میان اهل سنت و شیعیان، مقتدی صدر در توییتی خواهان از سعودی خواست تا مرقد‌های مطهر ائمه بقیع را بازسازی کنند.

وی در توییت خود چنین آورده است: «در آستانه شب قدر مشترک هستیم و امیدواریم این شب، شب وحدت و اعتدال باشد به ویژه پس از اقدام برادر السیسی، رئیس جمهور مصر در بازسازی و افتتاح مسجد رأس الحسین عليه السلام در مصر که با کمک برادران بهره (اسماعیلی‌های هفت امامی) صورت گرفت. از این رو امید داریم که برادران ما در پادشاهی سعودی نسبت به ساخت مرقد‌های اهل بیت علیهم السلام در بقیع اقدام کنند... به خصوص بعد از آنکه برادر؛ ولیعهد سعودی، سیاست اعتدال را سرلوحه کار قرار داده است. تا اینکه این گام آغازی بر وحدت اسلامی باشد.»^۱

^۱ <https://t.me/PGulfStudies/۱۱۳۶>

اقدام ۴۵ نمایندگان پارلمان عراق برای بازسازی حرم بقیع



«فالح حسن جاسم خزعلی» نماینده پارلمان عراق طی نامه‌ای که به امضای ۴۵ نماینده پارلمان این کشور رسیده است، از «برهم صالح» رئیس‌جمهور و «فؤاد حسین» وزیر خارجه عراق خواستند موضوع بازسازی حرم ائمه بقیع علیهم‌السلام را با مقام‌های حکومت عربستان سعودی در میان بگذارند.

برخی از موضوع‌های طرح شده در این نامه با محوریت درخواست بازسازی حرم بقیع اشاره به ماده ۱ نظام سیاسی کشور عربستان است که دین رسمی کشور را اسلام اعلام کرده و پیروی از کتاب آسمانی قرآن و سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در نظام سیاسی این کشور لازم‌الاجرا بیان شده است.

از دیگر مطالب ذکر شده در این نامه مسئله زیارت پیامبر و ائمه بقیع علیهم السلام در ایام حج است که از حکام سعودی خواسته شده امسال حجاج بیت الله الحرام را از زیارت مدینه مشرفه محروم ننمایند.

گفتنی است این نامه، با استناد به ماده ۲ قانون اساسی مبنی بر اینکه «اسلام دین رسمی دولت و منبع اصلی قوانین است» و ماده ۴۳ مبنی بر اینکه «پیروان همه ادیان و مذاهب در عراق آزاد هستند که شعائر دینی خود را بجا بیاورند» و شعائر حسینی نیز شامل آن می‌شود، آماده شده است.^۱

برداشتن موانع آهنی مقابل قبر مطهر حضرت ام البنین علیها السلام در بقیع



برخی فعالان شیعه و کاربران فضای مجازی در عربستان سعودی با انتشار ویدئویی، از برداشتن موانع آهنی مقابل قبر مطهر حضرت ام البنین علیها السلام، همسر مولای متقیان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام، در بقیع در مدینه منوره خبر دادند.

اقدام ۴۵-نماینده پارلمان عراق برای - ۷۳۴۱۱/news/persian/shiawaves.com^۱ https://

در پی انتشار این ویدئوها، موجی از شادی، میان کاربران شیعه در عربستان و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای عربی، منتشر شد و کاربران با پست‌ها و کامنت‌های خود، از ادامه این روند، تا ساخته شدن حرم مطهر ائمه (علیهم‌السلام)، ابراز امیدواری کردند.

گفتنی است، بسیاری از کاربران عراقی طرفدار جریان صدر، برداشتن این موانع آهنی را در اجابت خواسته هفته گذشته مقتدی صدر برشمردند. «سید مقتدی صدر» رهبر جریان صدر عراق با انتشار توییتی در صفحه شخصی خود، ابراز امیدواری کرده بود که حکومت سعودی در راستای بازسازی و ساخت حرم مطهر ائمه (علیهم‌السلام) بقیع گام بردارد.^۱

^۱ <https://rahbordemoaser.ir/fa/news/۱۳۲۵۴۰>

پوشش زنان و امر سیاسی

رهبر طالبان: زنان افغانستان باید برقع بپوشند



هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان طی فرمانی اعلام کرد که همه زنان افغانستان باید در اماکن عمومی برقع بپوشند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه به دنبال فرمان رهبر طالبان زنان افغانستان می‌بایست در اماکن عمومی سر تا پای خود را بپوشانند.

این فرمان که توسط هبت‌الله آخوندزاده امضا شده است، روز شنبه ۷ ماه مه توسط حکومت طالبان به مطبوعات در کابل اعلام شد. در این اعلام آمده است: «آنها باید چادری [برقع] بپوشند، زیرا سنتی و آبرومند است.»

در این فرمان همچنین آمده است: «زنانی که نه خیلی جوان هستند و نه خیلی پیر، در مواجهه با مردی که از اعضای خانواده‌شان نیست، باید چهره خود را بپوشانند» تا باعث تحریک نشود و اگر کار مهمی در بیرون ندارند، «بهتر است در خانه بمانند».

با صدور این فرمان از سوی هبت‌الله آخوندزاده، سخت‌ترین محدودیت بر آزادی زنان افغانستان از زمان بازگشت طالبان به قدرت در ماه اوت، اعمال می‌شود. در دور اول حکومت طالبان در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ میلادی، در افغانستان برقع و پوشاندن صورت و اعضای بدن برای زنان اجباری بود.^۱

^۱ https://per.euronews.com/۰۷/۰۵/۲۰۲۲/afghanistan_taliban_supreme_leader_orders_women_to_wear_burka_in_public

محدودیت‌های پوششی و آرایشی برای زنان در ترکمنستان



در ماه گذشته دولت ترکمنستان خدمات زیبایی مانند اکستنشن مژه و ناخن، خالکوبی ابرو و لب، تزریق زیبایی، رنگ کردن مو و پوشیدن لباس‌هایی همچون شلوار جین که آنها را «تنگ و سکسی» می‌نامد برای مقابله با «فرهنگ خارجی» و «آسیب به ارزش‌ها و هویت سنتی ترکمن» ممنوع اعلام کرد.

چه تغییری رخ داده است؟

از آوریل گذشته مأموران دولتی در شهر بایرامالی این کشور کارزاری را بر ضد سالن‌های آرایشی آغاز کردند. آنها از سالن‌ها خواستند که ارائه خدمات زیبایی مانند بوتاکس (برای صاف کردن چین و چروک صورت)، تزریق ژل برای بزرگ کردن لب‌ها و اکستنشن مژه را متوقف کنند چرا که این کارها «غیر وطن‌پرستانه و تضعیف‌کننده فرهنگ» به حساب می‌آیند.

صاحبان سالن‌هایی که این ممنوعیت را نقض کنند به مدت ۱۵ روز زندانی می‌شوند و مشتریانی که از این خدمات بهره بگیرند می‌توانند تا ۱۰۰۰ (۳۰۰ دلار) جریمه شوند.

دولت همچنین اقدام به برگزاری یک نشست آموزشی با عنوان «استانداردهای سنت‌های ملی ترکمن؛ حرمت ازدواج و خانواده و آداب» برای مربیان و دانش‌آموزان زن کرده است. زنان کارمند مؤسسات و شرکت‌های دولتی نیز ملزم شده‌اند که با امضای برگه‌ای متعهد شوند دست از استفاده از لوازم آرایشی، بوتاکس، رنگ مو، مانیکور و پوشیدن لباس‌های «نامناسب» برمی‌دارند. همچنین آنان موظف شدند تعهد دهند که لباس‌های سنتی ترکمنستان را خواهند پوشید. این پوشش یک لباس آستین‌بلند و گلدوزی شده تا مچ پا است که اغلب از پارچه‌های رنگارنگ تهیه می‌شود و با دستمالی روی سر همراه می‌شود. عدم رعایت این تعهدات، اخراج زنان از محل کار را در پی دارد. طبق گزارش‌ها ده‌ها زن در هفته‌های اخیر شغل خود را به اتهام کاشت ایمپلنت سینه یا تزریق ژل لب از دست داده‌اند.

«پلیس اخلاق»

در سرتاسر ترکمنستان، مأموران به اصطلاح «پلیس اخلاق»، از زنان و دختران می‌خواهند که لباس‌های معمولی بپوشند، موهای خود را سیاه‌رنگ کنند، ناخن‌های مصنوعی را بردارند، خالکوبی نکنند و اکستنشن مژه انجام ندهند. مجازات تخلف از این موارد انضباطی از توبیخ تا جریمه و زندان متغیر است.

در یک ممنوعیت جدید، پلیس راهنمایی و رانندگی در ترکمنستان رانندگان مرد وسایل نقلیه شخصی را از سوار کردن زنان منع می‌کند، مگر اینکه با هم فامیل باشند. زنان همچنین از نشستن در صندلی جلو در کنار راننده و همین‌طور سوار شدن در تاکسی بعد از ساعت ۸ شب منع شده‌اند. در صورت تخلف جریمه‌ای ۲ هزار دلاری در انتظار رانندگان است.

تحلیلگران می‌گویند فعالیت پلیس اخلاق مطابق با خواسته‌های سردار بردی محمداف، رئیس جمهور جدید ترکمنستان، است. او پیشتر در مبارزات انتخاباتی گفته بود هدف اصلی‌اش «تحول کشور به یک کشور متمدنی و رقم زدن دوره‌ای جدید» خواهد بود. امری که قوانین جدید را در آن راستا می‌توان دانست.

ریشه قوانین در کجا هستند؟

محدودیت‌های غیررسمی در اصل اغلب به زمانی بازمی‌گردند که ترکمنستان از اتحاد جماهیر شوروی استقلال یافت و شروع به تثبیت هویت ملی خود کرد.

در آسیای مرکزی تثبیت هویت مشترک و بسط وحدت ملی به کمک ایده «بازگشت به سنت» امکان‌پذیر شد و کشورهای تازه استقلال یافته در دوره گذار خود برای شکل دادن به این هویت ملی، به «سنتی‌سازی جامعه» روی آوردند.^۱

^۱ https://per.euronews.com/culture/۱۴/۰۵/۲۰۲۲/beauty_ban_turkmenistan_takes_policing_women_s_bodies_to_next_level_compared_to_iran_talib

گردشگری مذهبی

آماده شدن تونس برای زیارت هزاران یهودی از یکی از قدیمی‌ترین
کنیسه‌های جهان



تونس خود را برای پذیرایی از هیئت‌های زائران یهودی از سراسر جهان در
کنیسه الغریبه در جزیره جربه در جنوب شرقی این کشور آماده می‌کند تا مراسم
سالانه زیارتی یهودیان را که از چهارشنبه آینده آغاز می‌شود، برگزار کند.
رئیس جامعه یهودیان، پرز طرابلسی، اعلام کرد انتظار ورود بیش از ۵۰۰۰
بازدیدکننده یهودی به تونس برای شرکت در این مراسم مذهبی سالانه را دارند
که در مقایسه با سال گذشته، رقم بالایی است.

طرابلسی با اشاره به اینکه امسال تقاضای زیادی از سوی خارجی‌ها برای سفر به تونس و شرکت در مراسم زیارتی جزیره توریستی جربه وجود داشته، بر آمادگی‌های امنیتی بالای مقامات برای تأمین امنیت این رویداد و حفاظت از بازدیدکنندگان تأکید کرد.

روز سه شنبه، توفیق شرف الدین، وزیر کشور، در جریان بازدید از معبد الغریبه برای مشاهده آمادگی نیروهای امنیتی برای دیدار سالانه زائران یهودی، گفت: «تدارکات امنیتی کامل و ممتاز است.»

کنیسه الغریبه در جزیره جربه تونس برای یهودیان در سراسر جهان اهمیت زیادی دارد، زیرا این کنیسه یکی از قدیمی‌ترین کنیسه‌های جهان است که قدمت آن به ۲۵۰۰ سال قبل می‌رسد و حاوی قدیمی‌ترین نسخه تورات است.

تونس همه ساله و قبل از شروع فصل گردشگری تابستانی، به دنبال بهره‌برداری از این رویداد مذهبی به منظور ارتقای چهره خود در خارج از کشور، با هدف جذب بیشترین گردشگر خارجی است که تعداد آنها در سال‌های اخیر به دلیل وقوع حملاتی تروریستی در کشور کاهش یافته است.^۱

^۱ تونس-تستعدّ لبدء موسم- /۲۰۲۲/۱۱/۰۵/ <https://www.alarabiya.net/north-africa/>

حجّ الیهود و توقّعات بحضور الالّا

مسیر خانواده مقدس؛ اولین سفر زیارتی مسیحیان در مصر



خالد العنانی، وزیر گردشگری و آثار باستانی مصر در گفتگویی از همکاری با شرکت‌های گردشگری برای جذب بیشترین گردشگر برای «مسیر خانواده مقدس (مسار العائلة المقدسة)»، خبر داد.

وی افزود: «سال گذشته شاهد افتتاح تعدادی از مسیرهای خانواده مقدس در استان‌های شرقیه، غربیه و کفر الشیخ بودیم و توضیح داد که پس از پایان تعطیلات عید سعید فطر و در دوره بعد، منطقه جبل الطیر در استان المنیا افتتاح می‌شود و سپس درخت مریم در منطقه المطریه در استان قاهره افتتاح می‌شود و بدین ترتیب افتتاحیه تمام نقاط مسیر خانواده مقدس تکمیل می‌شود.

وزیر گردشگری و آثار باستانی مصر در توضیحی گفت: که مسیر خاندان مقدس شامل ۲۵ نقطه در ۸ استان شمال سینا، شرقیه، غربیه، کفر شیخ، بحیره، قاهره، منیا و اسیوط است.^۱

مسیر خانواده مقدس، مسیری است که مسیحیان ادعا می‌کنند حدود دو هزار سال پیش، حضرت مریم به همراه فرزندش حضرت مسیح و یوسف نجار برای فرار از ظلم و ستم هیروдіس راهی مصر شد و در طول پنج سال، خانواده مقدس به چندین منطقه در مصر سفر کردند. این سفر تاریخی به میراثی معنوی برای مسیحیان تبدیل شده و پیروان ایمانی مسیحیت در سراسر جهان آن را بزرگ می‌دارند.

اخیراً این سفر جهانی مورد توجه دولت مصر قرار گرفته تا پروژه‌ای گردشگری به نام «سفر خانواده مقدس» را راه‌اندازی کند.

در آغاز ژانویه ۲۰۲۱، این پروژه با افتتاح رسمی اولین محوطه باستانی در مسیر تاریخی که در شهر سامانود در استان غربیه در دلتای مصر واقع شده است، رونمایی شد.

پروژه «مسیر خانواده مقدس» در اکتبر ۲۰۱۷، پس از آنکه پاپ این مسیر را «زیارت مسیحی» توصیف کرد، توجه جهانی را به خود جلب کرد. در ماه مه

^۱https://www.shorouknews.com/news/view.aspx?cdate=۰۵۰۵۲۰۲۲&id=۸۷۵ab۳aa_۴۳_۱۵۴۶c۸۱_۶bd_dbac۵۶ddb۸۱۸

۲۰۱۸، بازدید از این مسیر به طور ویژه در بازدیدهای رسمی واتیکان گنجانده شد.

در پی این تصمیم، مصر اولین هیئت «زیارت رسمی» را که متشکل از ۵۲ شخصیت بود، از واتیکان در ژوئن ۲۰۱۸ پذیرفت.

دکتر اسامه طلعت، رئیس بخش آثار باستانی اسلامی، قبطی و یهودی در وزارت گردشگری و آثار باستانی مصر، در ارتباط با داستان مسیر خانواده مقدس و پیشینه تاریخی آن، می‌گوید: «از نظر تاریخی مشخص است که خانواده مقدس؛ حضرت مریم و حضرت عیسی به همراه یوسف نجار به مصر گریختند تا از دست هیروдіس و ظلم رومیان بگریزند.»

وی افزود: «بر اساس منابع کلامی و دینی حضرت عیسی علیه السلام در هنگام ورود به مصر بین یک و نیم تا دو ساله بوده و شمایل معروفی وجود دارد که نماد مسیر به حساب می‌آید و در آن، حضرت مریم (س) در حالی که حضرت عیسی علیه السلام را حمل و بر الاغی سوار است، نشان داده شده است و در کنار آنها یوسف نجار است.»

طلعت مسیر خانواده مقدس در مصر را این‌گونه توضیح می‌دهد: «این سفر از بیت لحم به غزه آغاز شد تا خانواده مقدس از شمال سینا وارد مصر شوند و از فارما که در شرق بور فؤاد واقع شده است، گذشته و سپس به سمت الزقازیق و سپس به سوی دلتا حرکت کردند.»

وی خاطرنشان می‌کند که این سفر ۵ سال به طول انجامید و مسافت طی شده توسط خانواده مقدس تا خروج از مصر حدود ۳۵۰۰ کیلومتر بوده است.

طلعت بر اهمیت این مسیر در غنی‌سازی گردشگری مصر تأکید کرده، از این جهت که این مسیر برای قبطی‌های مصر و برای مسیحیان در سراسر جهان به ویژه با معرفی این مسیر توسط پاپ و تلقی آن به عنوان زیارت مسیحی، اهمیت مذهبی دارد.

در سال ۲۰۲۰ اولین بازدید عمومی توسط گروهی از گردشگران ایتالیایی آغاز شد و در همان سال یک هیئت مشترک سوئیزی و فرانسوی متشکل از ۳۵ گردشگر نیز از این مسیر بازدید کردند. اما با همه‌گیری کرونا، بازدیدها متوقف شد که این امر فرصت را برای تکمیل زیرساخت‌ها در آنجا مهیا کرد.^۱

^۱ https://www.skynewsarabia.com/varieties/۱۴۱۰۹۲۸_



بخش سوم: تحلیل‌ها

الثقافة الإسلامية؛ شش دهه زیست اسلام‌گرایی در بستر نهاد آموزش

به قلم: حامد دهقانی فیروزآبادی



شنبه ۲۷ فروردین، خبرگزاری‌های افغانستان گزارش کردند که تعداد واحدهای درسی «ثقافت اسلامی (فرهنگ اسلامی)» در دانشگاه‌های افغانستان سه برابر شده است. طبق این گزارش‌ها وزارت تحصیلات عالی طالبان در یک بخشنامه رسمی، سرفصل «ثقافت اسلامی» را در دانشگاه‌ها از ۸ واحد در یک دوره تحصیلی چهارساله به ۲۴ واحد افزایش داده است.^۱ با این بخشنامه، تمام دانشگاه‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی ملزم به تدریس سه برابر «ثقافت اسلامی» شدند، سرفصلی که موضوعاتی همچون «جهان‌بینی اسلامی»، «نظام سیاسی اسلام»، «قرآن و علوم امروزی»، «نظام اخلاقی اسلام»، «نظام اجتماعی اسلام» و نظایر آن را در برمی‌گیرد و یادگاری از دوران نخست امارت اسلامی در افغانستان است.

هاسه-۲۰۸۰٪/E.A/تدریس-مضمون-«ثقافت»-در-دانشگاه <https://afghannews.af>

درس «ثقافت اسلامی» با روی کار آمدن امارت اسلامی افغانستان در ۱۳۷۱ش، به منظور اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها، در کلیه مؤسسات تحصیلات عالی در نظر گرفته شد و از آن زمان تا امروز این مضمون در افغانستان تدریس می‌گردد. اما این طالبان نبود که ماده درسی «ثقافت اسلامی» را سامان داده بود، بلکه اسلام‌گرایان اخوانی بودند که بسیار پیشتر این مسیر را پرداخته و پیموده بودند. حتی هنوز هم برخی دروسی که در زیرمجموعه «ثقافت اسلامی» در افغانستان تدریس می‌گردد، همان نگاشته‌های چند دهه پیش علمای اخوانی است، همچون درس «خصایص کلی اسلام» که به قلم شیخ یوسف قرضاوی است، گرچه این اثر فشرده‌شده بدون آن که نامی از قرضاوی برده شود، تدریس می‌گردد.^۱

ثقافت اسلامی؛ نهال آموزش دینی در دانشگاه‌های سعودی

اخوان المسلمین، اعم از مصری و غیرمصری، نقش بسیار مهمی در توسعه بوروکراتیک پادشاهی سعودی، به ویژه در زمینه آموزش داشتند. از روزگار ملک فیصل، اخوانی‌ها در تأسیس نهادهای علمی و دانشکده‌ها در عربستان، تنظیم برنامه‌های درسی، تألیف و تدریس کتاب‌های درسی نقش عمده‌ای داشته‌اند، آن هم در زمانه‌ای که سعودی‌ها خود هیچ کس را نداشتند که بتواند این خدمات بزرگ را انجام دهد.

^۱ <https://mandegardaily.com/?p=۵۳۰۲۷>

سال ۱۹۶۵م ملک فیصل کمیته‌ای از متخصصان را برای راهبری سیاست علمی این کشور تشکیل داد که بدنه آن را اخوانی‌ها شکل می‌دادند و دبیری آن را «مناع القطان» بر عهده داشت. این کمیته در سال ۱۹۷۰م با ریاست فهد بن عبدالعزيز (پادشاه بعدی) سند «سیاست آموزشی کشور عربستان سعودی» را تدوین کردند این سند که در ۲۳۶ بند تنظیم شده بود، به گفته عبدالرحمن حبنکه، «قانون اساسی آموزش» را در عربستان شکل می‌داد.

این سند تصویری کل‌نگر، نظام‌مند و جامع از اسلام را با هدف «فهم صحیح و متکامل اسلام» پیش‌فرض گرفته بود، تصویری که اتمام کامل «اقامه دین» را جز با استقرار دولت اسلامی ممکن نمی‌دید و بیش از هر چیز به تفکر اخوانی‌ها وامدار بود و نه وهابیت سنتی. برای تحقق این هدف، اخوانی‌ها در بند ۱۱ این سند مقرر داشتند که «علوم دینی در تمامی سال‌های آموزش ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان محوری است و الثقافة الاسلامیة ماده درسی اصلی‌ای است که در تمامی سال‌های آموزش عالی تدریس می‌شود».

نخستین تلاش‌ها برای تدوین سرفصل «الثقافة الاسلامیة» در نیمه دهه ۵۰ میلادی و در دانشکده شریعت دانشگاه سوریه (که بعدها دانشگاه دمشق نامیده شد) صورت گرفت. محمد مبارک، از مؤسسان اخوان سوریه که در دانشکده شریعت دانشگاه سوریه به تدریس مشغول بود، نخستین کسی بود که مفهوم «الثقافة الاسلامیة» را در عربستان طرح کرد؛ او در سال ۱۹۶۴م، با درخواست وزیر آموزش و پرورش این کشور، ماده «الثقافة الاسلامیة» را تدوین کرد.

اخوانی‌ها پیوند وثیقی میان این مفهوم و جهان‌بینی اخوان المسلمین می‌دیدند و از همین رو «الثقافة الإسلامية» خیلی زود به موضوعی جذاب برای آنها بدل شد. محمد غزالی و عبدالرحمن حبنکه کتاب درسی سال اول دانشگاه را تألیف کردند و محمد قطب و محمد المبارک کتاب درسی سال دوم. سعید حوئی، سید سابق، علی طنطاوی، یوسف قرضاوی و برخی دیگر از سرآمدان علمی اخوان هر یک در تألیف کتاب‌های درسی سرفصل «الثقافة الإسلامية» سهمی داشتند.

سیاست آموزشی جدید در عربستان، هیمنه «الثقافة الإسلامية» را در تمامی دوره‌ها و رشته‌های آموزش عالی در پی داشت و این خود توسعه نفوذ اخوان در بدنه نظام آموزشی عربستان را تسهیل کرد. به عنوان نمونه، اسامه بن لادن با وجود آنکه در رشته اقتصاد تحصیل می‌کرد، گفته شده که با محمد قطب و عبدالله عزام، دو مرجع اصلی تفکر سیاسی وی، پای درس «الثقافة الإسلامية» آشنا شده و پیوند خورد.^۱

روح پویا و پایدار اسلام‌گرایی در کالبد نظام‌های آموزشی کشورهای اسلامی

اخوان المسلمین توانست با قلم و همت نسلی سرآمد و تاریخ‌ساز از دانشوران دینی خود، و البته با بهره‌مندی از نیازها و پشتیبانی‌های دولت سعودی، چنان جای پای خود را در نهادهای دانشی عربستان محکم کند که حتی با وجود تنش‌های

^۱ ستیفان لاکروا، زمن الصحوة، صص ۶۶-۶۷.

متعددی که بعدها میان دولت سعودی و اسلام‌گرایان بالا گرفت، برای دهه‌ها (حتی تا همین امروز، گرچه کم‌رَمَق و مخفیانه) هسته‌های نیروی انسانی اسلام‌گرا بتوانند در زیر پوست این ماده درسی به حیات خود ادامه دهند.

استفان لاکروا در کتاب ارزشمند «زمن الصحوة» (صص ۶۶-۶۷) به خوبی نشان داده که چگونه مضمون «الثقافة الإسلامية» توانست بستری حاصلخیز برای رشد جریان اسلام‌گرا در عربستان باشد و با وجود سرکوب صحنه‌های اسلام‌گرا توسط حکومت سعودی در دهه ۹۰ میلادی، ما همچنان می‌بینیم دست حکومت از رسیدن به بدنه نهضت در نهادهای دینی و آموزشی کوتاه است.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر که انگشت‌های اتهام به سوی عربستان نشانه رفت، نظام آموزشی و کتاب‌های درسی از مهم‌ترین محورهایی بود که ناظران غربی خواستار اصلاح در آنها بودند و مدعی می‌شدند بذرانديشه‌های «بنیادگرایانه» در نظام آموزشی عربستان در ذهن‌های کودکان و جوانان کاشته می‌شود. دولت سعودی نیز از همان زمان برای دور ماندن از این اتهامات، تلاش‌هایی را برای تعدیل برخی محتواهای درسی آغاز و سیاست سَعَوَدَه، یعنی سعودی‌گزینی در پذیرش اساتید و عزل غیر سعودی‌ها را تشدید کرد.

همانطور که سیاست عزل اساتید غیر سعودی، دم‌دستی‌ترین اقدام برای حذف نیروهای تابلودار اسلام‌گرا بود، سیاست تعدیل محتواهای درسی هم نمی‌توانست جز برخی مضامین تند و نمادین را نشانه رود و همچنان ساختار کلی بنایی که اخوانی‌ها در محتوای آموزش دینی عربستان گذاشته بودند، همچنان زنده بود و

هنوز این نگاه تمامیت‌نگر به اسلام بود که در دروس «الثقافة الإسلامية» تدریس می‌شد.

از همین رو بود که تا همین چند سال پیش حضور نیرو واندیشه اخوانی در دانشگاه‌های عربستان، به ویژه دانشگاه‌های اسلامی، احساس می‌شد و همین واقعیت بود که بن سلمان را واداشت پس از به قدرت رسیدن، به شدت کمپین اخوان‌زدایی از آموزش عالی را دنبال کند. گرچه پیش از این نیز سیاست سعودی‌گزینی تکمیل شده بود و به ندرت می‌توانستیم استادی غیر سعودی در دانشگاه‌های اسلامی بیابیم، اما ماده درسی «الثقافة الإسلامية» بی‌آنکه بدیلی داشته باشد، هنوز پابرجا بود و بستر زیست اخوانی‌ها دانسته می‌شد؛ در همین راستا، در فوریه ۲۰۱۸ دکتر احمد العیسی، وزیر آموزش عربستان نامه‌ای فوری برای همه مدیران دانشگاه‌ها ارسال کرده و به ضرورت رسیدگی سریع به بازنگری در محتوای دروس «الثقافة الإسلامية» به منظور ارتقای فرهنگ اعتدال و هویت اصیل ملی تأکید کرد.^۱

همین واقعیت در مورد برخی دیگر از کشورهای عربی که اخوانی‌ها نفوذ قابل توجهی داشتند، صدق می‌کند. به عنوان نمونه ماده درسی «الثقافة الإسلامية» از دیرباز در دانشگاه‌های اردن تدریس می‌شود و حتی در دهه‌های گذشته کتاب معروف «معالم فی الطريق» سید قطب که آن را مانیفست سلفیه جهادی می‌دانند،

^۱ <https://aawsat.com/home/article/۱۱۸۶۲۲۱>

به عنوان متن درسی آن در برخی دانشگاه‌ها انتخاب می‌شد.^۱ درس «الثقافة الاسلامیة» همچنان در دانشگاه‌های اردن تدریس می‌شود و با وجود مخالفت‌ها، این نمایندگان مجلس هستند که همین چند ماه پیش وزیر آموزش عالی را به اتهام برنامه‌ریزی برای لغو این ماده درسی استیضاح می‌کنند.^۲

در افغانستان نیز چنانکه گذشت در دولت اول طالبان و قاعدتاً با تلاش افغان العرب مضمون «ثقافت اسلامی» در برنامه درسی دانشجویان گنجانده شد. این ماده درسی در افغانستان نیز چنان بی‌بدیل بود که توانست حتی پس از برجیده شدن حکومت طالب‌ها، همچنان‌اندیشه اسلام‌گرایی را در نهاد آموزش عالی افغانستان بازتولید کرده و پس از دو دهه بار دیگر دست در دست دولت طالبان بگذارد.

همین پویایی‌اندیشه اسلام‌گرایی در سرفصل درسی «ثقافت اسلامی» بود که سال‌های متمادی در افغانستان بحث و مناقشه بسیاری از کارشناسان و دانشجویان را پیرامون آن در پی داشت و گروهی از دانشجویان را بر آن می‌داشت تا برای حذف آن از برنامه درسی بارها دست به اعتراض بزنند.

این اعتراض‌ها بی‌راه نبود. برای نمونه در سال ۱۳۹۵ش، عبدالظاهر داعی، یکی از استادان دانشکده شرعیات دانشگاه کابل در سخنانی در کلاس درس

^۱ <https://www.alhurra.com/latest/۱۶/۰۹/۲۰۱۹/الصدی-المفقود-لصوت-المعلم-الأردنی/>
<https://www.alittihad.ae/wejhatarticle/۵۶۲۴۳>

^۲ <https://jo۲۴.net/article/۴۲۰۷۱۲>

«الثقافة الاسلامیة» گفته بود هر کسی به دست آمریکا کشته شود، شهید است. او گفته بود: «اسامه بن لادن رحمه الله علیه مجاهد بود و شهید است.»

این اظهار نظر جنجالی، عبدالحفیظ منصور، عضو مجلس نمایندگان در نظام پیشین افغانستان، را واداشت تا از محتوای ماده درسی «ثقافت اسلامی» در دانشگاه‌های کشور انتقاد کرده و بگوید که «ثقافت اسلامی» در دانشگاه‌های کشور تروریست تربیت می‌کند. او با تأکید بر بازنگری در محتوای «ثقافت اسلامی» و اصلاح شیوه تدریس آن، گفت: «وقتی در مضمون ثقافت اسلامی می‌رود درس می‌دهد در آنجا، درس‌هایی که زنان حق ندارند کار بکنند و دانشگاه بخوانند، غیر تروریست فکر دیگر چیست؟... وقتی زیر نام ثقافت اسلامی استادی اسامه بن لادن را شهید می‌گوید، غیر از این که من این استاد را تروریست فکری بگویم، دیگر چه بگویم؟»^۱

نهضت‌سازی از دریچه نهاد آموزش

ماده درسی «الثقافة الاسلامیة» بیش از ۶ دهه است که جریانی پویا را در نظام‌های آموزشی کشورهای اسلامی، به خصوص جهان عرب، شکل داده است. تاریخ شکل‌گیری و تحولات این مضمون دینی، که تنها گوشه چشمی در اینجا بدان داشتیم، الگویی کم‌نظیر از زیست و بازتولید یک جریان اجتماعی را در گستره‌ای جهانی و در زمانه‌ای پر فراز و نشیب نشان می‌دهد.

^۱ <https://www.etilaatroz.com/۴۳۴۳۰>

این نشانگر آن است که چگونه یک برنامه درسی ساده می‌تواند چنین جریانی عظیم و گسترده‌ای از نیروهای انسانی را خلق کند. این برنامه درسی گرچه ساده می‌نمود، اما چنان طراحی شده بود که حتی مخالفان جدی آن نیز نمی‌توانستند به راحتی آن را کنار گذاشته و جایگزینی برای نیاز آموزش دینی دانشجویان ارائه دهند. «الثقافة الاسلامیة» بی‌آنکه نامی از اخوان و حکومت اسلامی بیاورد، بنیان‌های ایدئولوژیک اسلام‌گرایی را آموزش می‌داد، آموزه‌هایی که شاید در نگاه نخست به سختی هیچ مسلمانی می‌توانست در مخالفت با آنها سخن بگوید. «الثقافة الاسلامیة» راهی برای جذب نسل‌های جدید شد و تمام دانشجویان خواه ناخواه می‌بایست بنیان‌های اندیشه اخوان را به عنوان دیدگاه اسلام، از بر می‌کردند.

این نشانگر آن است که چگونه تلاش علمای اخوانی برای راه‌اندازی یک پروژه تحصیلی دینی، توانست چنان پرثمر باشد که این برنامه درسی پس از گذشت سالیان دراز نه تنها هنوز نفس می‌کشد، بلکه بی‌آنکه دیگر مدیرانی این پروژه را راهبری کنند، خود در حال توسعه و بازتولید خویش است. حتی امروزه نیز که تیغ سیاست‌های ضد اسلام‌گرایی در کشورهای عربی دروس «الثقافة الاسلامیة» را نیز بی‌نصیب نگذاشته و جریان اخوان المسلمین شاید بدترین دوران حیات خود را می‌گذراند و با بی‌سابقه‌ترین فشارهای دولتی و بین‌المللی و اختلافات داخلی روبه‌رو است، همچنان نیز اسلام‌گرایی، و به طور ویژه طالبان، از سفره‌ای که اسلاف آنها پهن کرده‌اند، منتعم می‌شود.

هر روستا، یک مدرسه دینی؛ رویای طالبان برای آینده افغانستان



مولوی نورالله منیر، وزیر معارف (آموزش و پرورش) طالبان، یک ماهی است که برای ارزیابی و نظارت بر اوضاع مدارس دولتی و دینی سفر به استان‌های مختلف افغانستان را آغاز کرده است. او ضمن بازدید از مدارس رسمی دولتی، به مدارس دینی که معمولاً در افغانستان به شکل رسمی یا غیررسمی فعالیت می‌کنند، هم سر می‌زند و در تمام سخنرانی‌های او در استان‌ها و شهرستان‌های افغانستان، یک جمله همواره تکرار می‌شود: «تأسیس یک تا ۱۰ مدرسه دینی در هر یک از شهرستان‌های افغانستان.»

مولوی منیر روز یکشنبه، چهارم اردیبهشت، در سفر به استان لوگر و در جریان ملاقات با مسئولان معارف آن استان گفت: «بر اساس طرح وزارت معارف، به زودی در هر شهرستان افغانستان، سه تا ۱۰ مدرسه دینی می‌سازیم.» او افزود که جوانان افغانستان با معارف اسلامی آشنایی درست ندارند و تأسیس مدارس دینی به آنان کمک می‌کند تا در این زمینه بهتر آموزش ببینند.

مولوی منیر روز ۲۸ فروردین هم به پنجشیر سفر کرده و در سخنرانی خود در مرکز آن استان، گفته بود که تصمیم بر این است که در مرکز پنجشیر، یک دارالعلوم بزرگ و در هر یک از روستاهای آن استان یک حوزه علمیه تأسیس شود.

از سخنان وزیر معارف طالبان چنین برمی‌آید که او ریشه مقاومت علیه طالبان و روحیه ضدطالبانی در پنجشیر و دیگر بخش‌های افغانستان را در کمبود مدارس دینی همسو با طالبان می‌داند. ظاهراً او به این نتیجه رسیده است که تأسیس مدرسه دینی در هر یک از روستاهای پنجشیر و ترویج افکار طالبانی می‌تواند مسیر فکری ساکنان پنجشیر را که به مقاومت علیه طالبان شه‌ر‌ه‌اند و به این گروه تسلیم نشده‌اند، تغییر دهد.

افغانستان ۳۶۴ شهرستان دارد و در بسیاری از این شهرستان‌ها، بیش از ۱۰ مدرسه دینی رسمی و غیررسمی فعال‌اند. به نظر می‌رسد طرح وزارت معارف طالبان تأسیس مدرسه‌های جدید با سرفصل‌های آموزشی جدید است؛ چون این گروه بسیاری از مدارس دینی را متأثر از برنامه‌های آموزشی دولت پیشین افغانستان می‌داند و قبول ندارد و طالبان که خود نیروهایی برآمده از مدارس دینی‌اند، به خوبی بر اهمیت گسترش این مدارس در تقویت افکار طالبانی در سراسر افغانستان واقف‌اند.

در افغانستان، از تعداد مدارس دینی، مساجد و مراکز آموزش دینی آمار مشخصی وجود ندارد. تعداد کمی از این مدارس دینی و مساجد در وزارت ارشاد، حج و اوقاف دولت پیشین افغانستان ثبت شده بودند، اما بر آنچه در آن مراکز یا

مساجد به کودکان و نوجوانان تدریس می‌شد، هیچ نظارتی وجود نداشت. همین وضعیت باعث شد تا طالبان با تمرکز بر مدرسه‌های دینی و مساجد، روحیه جنگ‌طلبی و جهادی‌گری را در نوجوانان تقویت کنند و از میان آنان نیرو جذب کنند.

در سال ۲۰۱۳، وزارت معارف دولت پیشین افغانستان بر فعالیت یک هزار و ۳۰۰ مدرسه دینی نظارتی نسبی داشت. در همان زمان، ۱۳ هزار مدرسه دینی در سراسر افغانستان فعالیت داشتند که هیچ یک از نهادهای دولتی بر فعالیت آنها کنترلی نداشتند و مسئولان آن مدارس نیز به دولت افغانستان پاسخگو نبودند. این ارقام را امان‌الله ایمان، سخنگوی وزارت معارف، در مرداد ۱۳۹۲، در مصاحبه با صدای آمریکا گفته بود.

تحصیل در مدرسه‌های دینی افغانستان رایگان است و بسیاری از این مدارس امکاناتی مانند خوابگاه و سه وعده غذا در اختیار طلاب می‌گذارند. حتی برخی از این مدارس کمک‌هزینه‌اندکی هم به دانش‌آموزان می‌دهند که همگی از جذابیت‌های این مدارس برای جامعه فقیر و به شدت مذهبی افغانستان به شمار می‌روند. این مدارس خودمختار فعالیت می‌کنند و به هیچ شخص یا نهادی حساب پس نمی‌دهند. به این ترتیب، بسیاری از خانواده‌ها که توان تأمین مخارج فرزندان‌شان برای تحصیل در مدارس رسمی دولتی را ندارند، ترجیح می‌دهند آنها را به مدارس دینی غیررسمی بفرستند.

ملا عمر، بنیان‌گذار گروه طالبان، مؤسس یک مدرسه دینی در روستای گیشانو در شهرستان میوند قندهار بود و گروه طالبان از همین مدرسه پا گرفت.

او تا سال ۱۹۹۴ که گروه طالبان را تأسیس کرد، در آن مدرسه تدریس می‌کرد و نخستین فرماندهان و جنگجویان طالبان که برای تصرف سراسر افغانستان اسلحه برداشتند، آموزگاران و دانش‌آموزان همین مدرسه بودند. آموزگاران و دانش‌آموزانی که اکنون برای دومین بار قدرت در افغانستان را در اختیار گرفته‌اند.

طالبان با درک این مسئله که قدرت امروزشان حاصل کنترلشان بر مدارس دینی است، اکنون با تمام توان می‌کوشد مدرسه‌های دینی مروج این ذهنیت را در هر روستای افغانستان تأسیس کند. در نزدیک به ۳۰ سال گذشته، بخشی از نوجوانان و جوانان افغانستان که به ادامه تحصیل در مدارس دینی تمایل داشتند، به پاکستان رفتند اما با حاکمیت دوباره طالبان و تأسیس «سه تا ۱۰ مدرسه دینی در هر شهرستان» احتمالاً دیگر به مدرسه‌های دینی پاکستان هم نیازی نیست.^۱

^۱ <https://www.independentpersian.com/node/۲۳۳۰۹۶>

طویانه؛ فروش و بردگی زنان در افغانستان



از سال‌ها پیش در افغانستان معیار ارزش و اعتبار یک زن در خانواده شوهرش را مبلغ پولی که خانواده شوهر برای او می‌پردازند و نیز جهیزیه‌ای که زن همراه با خود به خانه شوهر می‌آورد تعیین می‌کند. در دو دهه اخیر مبلغ طویانه برای دختران در نواحی مختلف افغانستان از سیصد هزار افغانی تا به بیش از یک میلیون افغانی رسیده و هزینه‌های جانبی همچون طلا، زمین و دیگر اجناس منقول یا غیرمنقول گرانها نیز به آن افزود شده است.

استاندار طالبان در غور به تازگی مبلغ ۳۵۰ هزار افغانی را برای طویانه دختران تعیین کرده است و شماری از مردم نیز از آن استقبال کرده‌اند. این نشان می‌دهد که موضوع فروش یک انسان در برابر پول میان مردم افغانستان امر عادی و پسندیده‌ای است و مردم فقط با مقدار هزینه مشکل دارند نه با نفس معامله.

طویانه چیست؟

طویانه چیزی شبیه شیربها در فرهنگ ایران است، اما با تفاوت‌هایی در مبلغ و نحوه پرداخت آن؛ شیربها در ایران به پول یا هدیه‌ای گفته می‌شود که معمولاً از سوی خانواده داماد به مادر عروس به منظور قدردانی از زحمتی که در زمان نوزادی برای فرزند دخترش متحمل شده است پرداخت می‌شود، اما طویانه در افغانستان تبدیل به یک معامله تمام عیار بازرگانی شده است؛ یعنی پولی که دختران با آن خرید و فروش می‌شوند.

این یک رسم معمول در میان خانواده‌های افغانستانی است؛ هنگامی که خانواده پسر به خواستگاری دختری می‌روند، پس از یک شناخت اولیه دو طرف از یکدیگر، بحث طویانه آغاز می‌شود و خواستگاری به یک معامله جنجالی بازرگانی میان خانواده‌های دختر و پسر تبدیل می‌شود. در بسیاری خانواده‌ها معمول است که خانواده دختر پس از دریافت طویانه، از پول دریافت شده مقداری جهیزیه برای دخترشان تهیه می‌کنند که با خود به خانه شوهر ببرد؛ اما در بسیاری موارد دیگر این پول به جیب پدر یا برادر دختر می‌رود.

میزان و مقدار طویانه در میان اقوام مختلف افغانستان و نیز طبقه‌های مختلف اجتماعی متفاوت است و نام‌های متفاوتی هم دارد. در شمال افغانستان در میان اقوام ازبک، ترکمن و تاجیک به طویانه، قلین می‌گویند. از آنجایی که معمولاً زنان در شمال افغانستان قالی‌بافی، گل‌دوزی و دیگر صنایع ظریف دستی انجام می‌دهند مبلغ طویانه یا همان قلین بیشتر است. البته طبقه اجتماعی و مالی

خانواده دختر نیز تعیین‌کننده این مبلغ است؛ ازدواج با یک دختر از خانواده نسبتاً متمول در شمال افغانستان هزینه هنگفتی دارد؛ برای مثال برای ازدواج با یک دختر قالی‌باف حداقل بیش از نیم میلیون افغانی باید پرداخته شود و افزون بر آن طلا و گله‌های گاو، گوسفند و بز نیز ضمیمه طویانه می‌شوند.

در میان خانواده‌های جنوب و شرق افغانستان که اکثراً پشتون‌اند و ملک و زمین بیشتری نیز دارند، میزان طویانه به مراتب بیشتر است. این رسم در افغانستان از کابل شروع می‌شود و تا مناطق مرکزی هزاره‌نشین هرات، بادغیس و بدخشان می‌رسد و زنان و دختران جوان با نام‌های مختلفی همچون گله، قلین، ولور، بخش، پیشکش و غیره با پول معامله می‌شوند. اما به جز مهریه زنان در ازدواج که جایگاهی شرعی در اسلام دارد، طویانه و انواع آن هیچ‌گونه جایگاه قانونی یا شرعی در افغانستان ندارند. در قانون مراسم ازدواج که در سال ۱۳۹۶ خورشیدی در مجلس افغانستان به تصویب رسید و در روزنامه رسمی وزارت عدلیه (دادگستری) منتشر شد، گرفتن طویانه به اجبار از خانواده داماد منع شده است.

زنان چگونه به بردگی گرفته می‌شوند؟!

فریده، دختر ۱۸ ساله‌ای در کابل است که سه سال پیش در ازای پول هنگفتی به نکاح یک مرد ۶۰ ساله درآمد. پس از گذشت دو سال و نیم از ازدواجشان، مرد مسن فوت کرد و فریده اکنون همچون یک زندانی در خانه شوهر متوفی‌اش زندگی می‌کند. خانواده شوهرش اجازه رفتن به خانه پدرش حتی برای دیدار آنان را هم نمی‌دهند، زیرا هراس دارند که او برود و بازنگردد. این خانواده پول

هنگفتی برای ازدواج او هزینه کرده‌اند و بدون شک می‌خواهند او را به عقد مرد دیگری از خانواده درآورند تا پول از دست رفته جبران شود.

شهلا (نام مستعار)، استاد دانشگاه کابل در مورد پرداخت طویانه دختران و پیامدهای آن در زندگی زنان در افغانستان گفت: «خانواده‌ها معمولاً با دختری که برایش مبلغ هنگفتی پرداخته‌اند مانند یک انسان آزاد رفتار نمی‌کنند بلکه با او همچون یک برده برخورد می‌شود.»^۱

^۱ <https://www.independentpersian.com/node/۲۳۲۵۰۶>

تلنت شو، عطر الکلام؛ سعودی هادین و سرگرمی را ترکیب می‌کنند



اداره سرگرمی عربستان (هیئت الترفیه) در رمضان امسال یک مسابقه بین‌المللی تلنت شو مذهبی را برگزار کرد که ۱۲ میلیون ریال سعودی (معادل ۳,۲ میلیون دلار) مجموع جوایز نفرات برتر آن بود.

مسابقه «عطر الکلام» در دو بخش بهترین تلاوت قرآن و بهترین اذان برگزار شد و به گفته برگزارکنندگان آن ۴۰ هزار شرکت‌کننده از ۸۰ کشور در مرحله ابتدایی آن ثبت‌نام کردند. هیئت داوران ۱۳ نفره این مسابقه نیز بیش از ۱۰ ملیت را نمایندگی می‌کردند.

در پایان یونس مصطفی غربی از مراکش و محسن کارا از ترکیه به ترتیب نفرات نخست بخش تلاوت و اذان شدند و ۵ و ۲ میلیون ریال جایزه دریافت

کردند. از ایران نیز سید جاسم موسوی نفر چهارم بخش تلاوت و برنده ۵۰۰ هزار ریال شد.^۱

مسابقه «عطر الکلام» با چنین جوایز و سوسه برانگیزی، در قالب یک برنامه تلویزیونی جذاب، در جده، با مدیریت شیخ جنجالی، عادل الکلبانی و توسط اداره سرگرمی برگزار شده، اداره‌ای که این سال‌ها نامش با جشنواره‌ها و کنسرت‌ها و برنامه‌های تفریحی هنجارشکن بسیاری همراه شده است.

عادل الکلبانی، امام جماعت سابق مسجد الحرام است که بارها با حضور در فضاهای به شدت ضد دینی جنجال‌ساز شده است؛ از شرکت در مسابقات ورق‌بازی گرفته تا حضور در کلیپ‌های تبلیغاتی «موسم الرياض» با گریم‌هایی عجیب.

کافی است این برنامه نمایشی را با مسابقه بین‌المللی قرآن کریم عربستان (مسابقة الملك عبد العزيز الدولية) مقایسه کرد؛ این مسابقه قدیمی و معتبر قرآن کریم، از سوی وزارت الشؤون الإسلامية در رواق‌های مسجد الحرام برگزار می‌شود. این مسابقه برای نفرات نخست تنها ۲۵۰ هزار ریال سعودی جایزه می‌داد که به تازگی برای دوره پیش رو (دوره ۴۲ در ماه صفر ۱۴۴۴) این پاداش به ۳۵۰ هزار ریال افزایش خواهد یافت.^۲

^۱ https://ar.wikipedia.org/wiki/عطر_الکلام

^۲ http://www.alquran.gov.sa/?page_id=۱۰۹

مسابقه «عطر الکلام» گرچه برای بار نخست برگزار می‌شد، اما با به‌کارگیری عناصر نمایشی و احساسی، از کلوزآپ روی چهره‌های بغض‌آلود و تحسین و تشویق‌های داوران تا اهدای جایزه نخست به شرکت‌کننده نایبنا، به خوبی توانست در جهان عرب بازتاب داشته باشد؛ چنانکه یونس غربی با بازگشت به مراکش در فرودگاه مورد استقبال مردمی قرار می‌گیرد و از آن سو اردوغان خود با محسن کارا، مؤذن ترک تماس گرفته و کسب مقام نخست را به او تبریک می‌گوید.^۱

چنین می‌نماید که سعودی‌ها با برگزاری این مسابقه از الگویی به‌روزشده برای بازیابی وجهه و مرجعیت دینی خود در جهان اسلام رونمایی کرده‌اند؛ الگویی که با جذابیت‌های مالی و رسانه‌ای سعودی‌ها پشتیبانی می‌شود و می‌تواند ۴۰ هزار قاری و مؤذن را از سراسر جهان برای حضور در این مسابقه ترغیب کند و برگزارکنندگان مسابقه را چنان به وجد آورد که با ادعای برگزاری «بزرگترین مسابقه قرآنی جهان»، به حضور ۱۰۰ هزار شرکت‌کننده در سال آینده امید داشته باشند.^۲

از این گذشته، سعودی‌ها با برگزاری این مسابقه دینی توسط اداره سرگرمی که در پیشانی سیاست گشایش اقتصادی و فرهنگی بن سلمان قرار دارد، تلاش

^۱ <https://www.aa.com.tr/ar/الدول-العربية/أردوغان-يهنيء-المؤذن-كأربفوز-بمسابقة-عطر-الكلام-في-السعودية/۲۵۶۹۸۸۷>

عطر الکلام فی السعودیة / ۲۵۶۹۸۸۷

^۲ <https://sabq.org/saudia/الشيخ-آل-الشيخ-خلال-تتويجه-الفائزين-بمسابقة-عطر-الكلام-تركي-آل-الشيخ-خلال-تتويجه-الفائزين-بمسابقة-عطر-الكلام-تركي-آل-الشيخ>

هذه-أجمل-لحظات-حياتي

می‌کنند بسیاری از کسانی را که تا دیروز منتقد جدی هنجارشکنی‌های آنها بودند را پای این برنامه تلویزیونی بنشانند؛ ترکی آل‌الشیخ، رئیس اداره سرگرمی، که چندی پیش با چهره کارتون «سیمپسون‌ها» مردم را به شرکت در جشن بالماسکه یهودی‌ها دعوت می‌کرد، حال اسپانسر این مسابقه دینی شده و آن را یکی از زیباترین لحظات زندگی خود می‌خواند و آرزو می‌کند سال آینده یکی از شرکت‌کنندگان باشد!

دین ابراهیمی جدید؛ در ظاهر رحمت و در باطن عذاب

به قلم: عبد الهادی حریبه



چندی پیش پاپ تواضروس دوم، پاپ کلیسای ارتدوکس مصر، ایده «دیانت ابراهیمی» را رد کرده و به گفته او این ایده‌ای است که توسط کارخانه جهان یعنی غرب تولید شده و توسط معبد جهان یعنی شرق رد شده است. این اظهار نظر پاپ به دنبال انتقاد شگفت‌انگیزی بود که در آن زمان از سوی شیخ الازهر، امام احمد الطیب، صادر شد و «الابراهیمیة» را یک رؤیا و دعوتی

خطرناک برشمرد که هدف آن آمیختن سه دین توحیدی اسلام، مسیحیت و یهودیت است، آمیزه‌ای که احترام به باور دیگری را با شناخت آن اشتباه می‌گیرد. با این حال، این دو انتقاد هر دو مبتنی بر مبانی اعتقادی و الهیات اسلامی یا مسیحی بودند و دلایل و خطرات سیاسی آن که از سوی شورای فتوای فلسطین توضیح داده شد، توجهی نداشتند.

پروژه ابراهیمی نشان‌دهنده یک استثمار سیاسی است که اشغالگران اسرائیلی از آن سود می‌برند تا حق ادعایی خود را تثبیت کنند و آنچه به نام «مسیر ابراهیم» شناخته می‌شود چیزی نیست جز ترسیم مجدد نقشه خاورمیانه، مطابق با نقشه اسرائیل بزرگ است.

یکی از بزرگترین خطرات طرح دین ابراهیمی، تقدیس جاده‌ای به نام مسیر ابراهیم است، مسیری که روایت‌های هر سه دین با وجود تفاوت‌هایی که دارند می‌گویند پیامبر خدا حضرت ابراهیم علیه السلام و خاندانش چهار هزار سال پیش از آن هجرت کردند. این مسیری است که از حران ترکیه شروع می‌شود و از سوریه، عراق، مصر، اردن، لبنان، عربستان، ایران و فلسطین می‌گذرد و به شهر الخلیل ختم می‌شود، جایی که پدر پیامبران (حضرت ابراهیم علیه السلام) در آن مدفون است.

این انتقادهای پی در پی، بر اساس دلایل مذهبی و سیاسی، به منزله اعلام شکست برای دین جدید است، که واشنگتن آن را آغاز و اسرائیل در مورد آن هیجان‌زده شده، آن را پذیرفت و از این طرح حمایت کرد و امارات متحده عربی نیز برای تبلیغ آن هزینه کرد.

به گفته دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، اولین انتشار رسمی سیاسی موسوم به ال‌ابراهیمیۀ زمانی اتفاق افتاد که او توافق عادی سازی روابط بین ابوظبی و تل‌آویو در سال ۲۰۲۰ را به عنوان «توافق ابراهیمی» توصیف کرد، و این برخلاف آنچه مرسوم است، بود؛ چرا که این گونه قراردادهای با توجه به نقشی که دولت میانجی در آنها ایفا می‌کند و برای سپاسگزاری از آن، به نام شهرها نام‌گذاری می‌شود.

ایده‌ای که از دهه نود قرن گذشته آغاز شد؛ گفته می‌شود که بنیادگرایی مصری، سید نصیر، زندانی در آمریکا به اتهام کشتن یک خاخام یهودی، اولین کسی بود که به آن فکر کرد و پیشنهادی در این زمینه برای مقامات آمریکایی از جمله هیلاری کلینتون بانوی کاخ سفید در آن زمان ارسال کرد.

بعدها در تحقیقات و مطالعات دانشگاه هاروارد فلوریدا و مراکز تحقیقاتی مانند RAND Corporation ظاهر شد و به این ترتیب از دالان تحقیق به فضای سیاست و رسانه منتقل شد.

در سال ۲۰۱۳، جان کری، وزیر امور خارجه اسبق ایالات متحده، وجه اشتراک ادیان ابراهیمی و تأثیر «دین جهانی» را در مواجهه با تهدیدات در حال ظهور در ایالات متحده تأیید و ایجاد دفتر ابتکارات جامعه مبتنی بر ایمان را اعلام و هدف آن مشارکت روحانیون در همکاری با دیپلمات‌ها بیان کرد.

به طور ساده، این ایده مبتنی است بر سرمایه‌گذاری بر حرمت پیامبر خدا ابراهیم(ع) و محوریت نفوذ او در سه دین اسلام، مسیحیت و یهودیت و قرار دادن نام او به عنوان مرجعی برای دینی جدید، محور قرار دادن ارزش‌های مشترک

بین این ادیان و ارائه آنها در کتاب مقدس ابراهیمی که جایگزین کتاب‌های تورات، انجیل و قرآن می‌شود و تأسیس عبادتگاه‌های «ابراهیمی» متشکل از مسجد، کلیسا و کنیسه در کنار هم. امسال نیز امارات متحده عربی قرار است اولین «خانه ابراهیمی» را برای مردم شبه جزیره عربستان افتتاح کند!

امارات متحده عربی نهادها و مؤسسانی را تأسیس کرده است که این ایده را رهبری می‌کنند و در مجمع صلح، که در دسامبر ۲۰۱۹ در ابوظبی برگزار شد، منشور «حلف الفضول الجديد» توسط رهبران مذهبی یهودی، مسیحی و مسلمان امضا شد و رئیس مجمع، شیخ عبدالله بن بیه، آن را منشوری دانست که توسط خاندان ابراهیمی در ابوظبی ایجاد شده است و می‌تواند یک مرجع مذهبی قوی باشد.

این ایده می‌توانست موضوع یک بحث کلامی صرف بین موافقان و مخالفان باشد، اما خطر سیاسی آن چیزی است که ایستادن در مقابل آن را ایجاب می‌کند، این خطری است که پژوهشگر هبه جمال الدین در کتاب خود «الدبلوماسية الروحية والمشاركة الإبراهيمية: المخطط الاستعماري للقرن الجديد» بر آن تأکید می‌کند و به گفته وی ترویج این اشتراک مذهبی راه را برای از بین رفتن تضاد وجودی بین پروژه شهرک‌سازی استعماری صهیونیستی و حقوق تاریخی مردم فلسطین هموار می‌کند.^۱

^۱ https://raseef22.net/article/۱۰۸۶۰۵۶_

مقاله روزنامه هاآرتص: همه اسرائیلی ها در اشغال شریک هستند

Opinion | All Israelis Are Complicit in the Occupation



Israelis participating in the march on Hornesh look on at the nearby Palestinian villages. Credit: Amir Levy



Gideon Levy

Follow

Apr 21, 2022

All of us, every single Israeli, marched to Hornesh the other day. All of us, every single Israeli, marched in the flag parade in Jerusalem on Wednesday. All of us, every single Israeli, are settlers. There is no other way to describe the reality. Anyone who thinks that it is only a small and violent settler minority to which

یک روزنامه نگار صهیونیست در پس زمینه حوادث اخیر در برخی مناطق کرانه باختری و اورشلیم به شهروندان اسرائیلی حمله کرد.

گیدئون لوی در مقاله‌ای^۱ که توسط روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» منتشر شد، تمامی صهیونیست‌ها را به همدستی در اشغال سرزمین‌های فلسطین متهم کرد. وی همچنین دولت اسرائیل را به تسلیم شدن در برابر رفتار «دیوانه» شهروندانش متهم کرد.

لوی - یک روزنامه‌نگار وابسته به جناح چپ اسرائیل - گفت: «همه‌ی ما و تمامی افراد اسرائیلی در آن روز در راهپیمایی به سمت (شهرک) حومش شرکت کردیم. این ما همگی بودیم که در رژه پرچم در اورشلیم در روز چهارشنبه شرکت کردیم.»

وی تمامی اسرائیلی‌ها را شهرک‌نشین توصیف کرد و خاطرنشان کرد که هیچ راه دیگری برای توصیف واقعیت وجود ندارد و هر کسی که معتقد است کسانی که در آن راهپیمایی شرکت کردند چند شهرک‌نشین «خشن» هستند که با اکثر مردم (اسرائیل) ربطی ندارند، به خودش دروغ می‌گوید.

درگیری‌ها زمانی آغاز شد که اسرائیل فلسطینی‌هایی را سرکوب کرد که به تأمین امنیت ارتش اشغالگر نسبت به ورود اتوبوس‌های شهرک‌نشینان به خرابه‌های شهرک «حومش» که دولت در سال ۲۰۰۵ آن را به حکم دادگاه عالی از شهرک‌نشینان اسرائیلی تخلیه کرده بود، اعتراض می‌کردند.

^۱ https://www.haaretz.com/opinion/premium_all-israelis-are-complicit-in-the-occupation-۱/۱۰۷۵۴۰۲۶

شهرک‌نشینان به تهاجمات خود به ده‌ها مکان باستانی و مذهبی فلسطینی ادامه دادند که خطرناک‌ترین آنها بعد از ظهر سه‌شنبه گذشته بود، که بیش از ۱۰۰۰۰ شهرک‌نشین اسرائیلی به جبل‌الظهور (در شهرک تخلیه‌شده حومش)، واقع در زمین‌های روستای برقه در نزدیکی شهر نابلس (در شمال کرانه باختری) یورش بردند.

پلیس رژیم صهیونیستی چهارشنبه گذشته از تندروهای یهودی که در چارچوب راهپیمایی تحریک‌آمیز «پرچم‌ها»، تلاش می‌کردند به منطقه باب‌العامود در شرق بیت‌المقدس برسند، جلوگیری کرد و در همین حال به ده‌ها فلسطینی در این منطقه حمله کرد.

لوی در مقاله خود در روزنامه هآرتص با انتقاد از اسرائیلی‌هایی که به خاطر هر اتفاقی که در سرزمین‌های اشغالی می‌گذرد، دیگران را سرزنش می‌کنند، گفت: «چقدر نادرست است که فکر کنیم این ما نیستیم، بلکه تنها آنها [تندروهای اسرائیلی] هستند. چقدر نادرست است که فکر کنیم ما روشنفکران هیچ ارتباطی با این قضایا نداریم و تنها دولت است که تسلیم دیوانگی آنها [تندروها] می‌شود.»

این روزنامه‌نگار صهیونیست خاطرنشان کرد که «هر پرچم تحریک‌آمیزی در شهرک حومش برافراشته شده است و همه پرچم‌هایی که بر فراز کوه معبد به اهتزاز درمی‌آیند، نام ما را با خود دارند» گیدئون لوی می‌افزاید: «هیچ کس نمی‌تواند در تل‌آویو بنشیند و در حالی که قهوه با شیر سویا می‌نوشد، دهانش را

باز کند و شکایت کند که «این شهرک‌نشین‌ها را چه می‌شود؟ اینها کشور «ما» را ویران می‌کنند.»

نویسنده هیچ کس در اسرائیل را از مسئولیت آنچه در حومش رخ داده است، اعم از سیاستمداران در دولت، مخالفان، ارتش و نیروهای امنیتی مستثنی نکرده و افزود این همان چیزی است که به آن «تحریک به ارتکاب جرم» می‌گویند. وی راهپیمایی «تحریک‌آمیز» پرچم‌ها در حومش را اقدامی «نفرت‌آمیز» و آن را «تبعیض نژادپرستانه در خالص‌ترین شکل آن و سیلی بر صورت دادگاه عالی» در اسرائیل دانست. وی افزود که این راهپیمایی «بیش از اتهامات علیه (نخست‌وزیر سابق) بنیامین نتانیاوو، قانون را تحقیر کرده است».^۱

مقاله بصحیفه‌ها رتس-کل-۲۰۲۲/۴/۲۱ <https://www.aljazeera.net/news/politics>

پادشاه مراکش نیز سیاست دینی خود را با ابزار اعتبار سنجی احادیث به پیش می‌برد



احمد التوفیق، وزیر اوقاف و امور اسلامی مراکش، روز دوشنبه از راه‌اندازی «پلتفرم حدیث محمد ششم»^۱ که شامل ده هزار حدیث است، خبر داد.

التوفیق در یک کنفرانس مطبوعاتی در رباط، پایتخت، گفت که کمیته‌ای متشکل از هشت تن از علمای متخصص در حدیث بر روی پروژه پلتفرم کار کردند.

وی افزود: این کمیته «پس از یک سال تلاش توانست متنی را که قرار است روی پلتفرم ارائه شود، مشخص کند.

^۱ <https://hadithm6.ma>

وی ادامه داد که متن پلتفرم مشتمل بر ده هزار حدیث به همراه بیان اعتبار آنها است، یعنی حدیث صحیح، حدیث حسن، حدیث ضعیف و حدیث موضوع (جعلی) کدام است.

وی تأکید کرد: «هدف از ایجاد این بستر، حفظ احادیث رسول خدا از جعل و دستکاری با استفاده از فناوری رسانه است.»

برای کنترل فرهنگی جوامع عرب که عمدتاً پیوند محکمی با قرآن و سنت رسول خدا(ص) دارند، رسمی‌سازی و هدایت کردن تراث دینی در مسیری مشخص، یکی از راهبردهای اصلی رؤسای حکومت در این کشورهای اسلامی بوده است.

عربستان سعودی یکی از پیشتازان این عرصه به شمار می‌آید؛ حاکمان سعودی که پیش از این با راه‌اندازی پروژه‌های بزرگی همچون پایگاه «الدرر السنیة» خوانش سلفی از قرآن و سنت را به مثابه اسلام اصیل برجسته می‌کردند، در دوره تازه سیاسی و با تحولات فرهنگی مهمی که در این کشور اتفاق افتاد، باز همین سیاست کنترل دینی را به نحوی دیگر دنبال می‌کنند.

همانطور که نرم‌افزار و پایگاه حدیث محمد ششم، پادشاه مراکش، قرار است با برجسب‌گذاری احادیث نبوی به صحیح و ضعیف، تکلیف احادیث معتبر و جعلی را مشخص و قاعدتاً قرائت مطلوب پادشاهی را از تراث برگشد، محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان نیز در مارس گذشته از پروژه اعتبارسنجی احادیث نبوی خبر داد که در مراحل پایانی خود به سر می‌برد و قرار است «احادیث بسیار

ضعیفی که مستمسک گروه‌هایی همچون القاعده و داعش قرار می‌گیرد» را مشخص کند.

در همین راستا، در دسامبر گذشته مجلس سنای مصر پیشنهاد تدوین تفسیری جامع و مدرن از قرآن را مطرح کرد که بیانگر اعتدال اسلامی و در چارچوب مقابله با افراط‌گرایی و در پاسخ به احادیثی باشد که گروه‌های افراطی به آن پایبند هستند.^۱

تضم-۱۰-آلاف-حدیث-تعرف-منصة-محمد-السادس-/<https://www.trtarabi.com/now/>
الإلكترونية-۸۷۹۱۰۵۳



بخش چهارم: منشورات

نقش طریقت‌ها و گروه‌های دینی در ساخت سیاسی قدرت در ترکیه



اولین کنفرانس دوسالانه بین‌المللی «نظم منطقه‌ای و ساختار اجتماعی در خاورمیانه: از نظریه تا عمل» به همت انجمن علوم سیاسی ایران و با همکاری دانشگاه‌های تربیت مدرس، علامه طباطبائی و خوارزمی، خانه‌اندیشمندان علوم انسانی، انجمن ژئوپلیتیک ایران، انجمن مطالعات صلح و خبرگزاری ایکن، روز سه‌شنبه ۲۰ اردیبهشت به صورت مجازی برگزار شد.

نقش طریقت‌ها و گروه‌های دینی در ساخت سیاسی قدرت در ترکیه با تمرکز بر دولت اردوغان یکی از مقاله‌هایی بود که در این نشست ارائه شد. در این مقاله محمد بابایی استادیار علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی و محمد علی دستمالی دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه، دانشگاه خوارزمی طریقت‌های عرفانی و صوفی‌گرانه در جهان اسلام و به ویژه در بین کشورها و جوامع اهل سنت را بررسی کردند.

در این مقاله آمده است: طریقت‌ها از قدرت و جایگاه اجتماعی و توان سازماندهی بالایی برخوردار بوده‌اند. در این میان، ترکیه در ازای چندین سده، مأمّن و کانون رشد عرفا و صوفیان آسیای میانه و کشورهای دیگر بوده‌اند. در این بین سران طریقت‌هایی همچون نقشبندیه و نورچی‌ها با دهه‌ها نخله و شاخه و زیرمجموعه، به موازات محبوبیت و قدرت اجتماعی، از قدرت نفوذ سیاسی و اجرایی نیز برخوردار شده‌اند و در سه دهه گذشته که احزاب اسلام‌گرا در کانون قدرت قرار داشته‌اند، این طریقت‌ها، امکان بیشتر و زمینه مساعدتری برای رشد، نفوذ و مداخله در ساخت قدرت در اختیار گرفته‌اند.

یکی از برجسته‌ترین نمونه نفوذ و قدرت گرفتن طریقت در ساخت سیاسی - اجرایی - امنیتی ترکیه، گروه موسوم به «خدمت» است که تحت امر فتح‌الله گولن، در دهه‌های اخیر از چنان قدرتی برخوردار شد که در سال ۲۰۱۶ میلادی، با کودتای نظامی عزم آن را داشت کل ساختار دولت را در دست بگیرد. اگرچه این کودتا شکست خورد اما زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی قدرت و نفوذ دیگر طریقت‌های دینی و عرفانی در ترکیه و در شعبات خارج از کشور آنان به قوت خود باقی است.

پرسشی که در این پژوهش به آن پرداخته شده این است که طریقت‌ها و نخله‌های دینی و در اینجا نخله «خدمت» در ترکیه از کدام سازوکارها برای قدرت‌یابی و یا تأثیر بر ساخت قدرت سیاسی و امنیتی این کشور بهره می‌گیرند؟

پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده و گردآوری داده‌ها نیز با روش مطالعه اسناد و منابع دست اول مدون و اینترنتی صورت گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که:

۱- طریقت‌های دینی و گروه‌ها و نحله‌های وابسته به آنان، گاه در حوزه‌های آموزش و اثرگذاری بر نهاد خانواده به مراتب قدرتمندتر از احزاب سیاسی عمل می‌کنند و افزون بر تأثیرگذاری بر تفکرات مردم و سبک زندگی آنان، با شیوه‌های خاص خود قادرند بر ذائقه سیاسی مردم نیز تأثیر بگذارند و از همین رهگذر بخشی از سرنوشت انتخابات را در دست بگیرند.

۲- از منظر فرصت و تهدید، طریقت‌ها و نحله‌های دینی و عرفانی، با شکل دادن به کانون‌هایی قابل توجه برای اصلاح و تربیت، اشاعه همدلی و احسان، دفاع از ارزش‌های اخلاقی و انسانی، توسعه امور عام‌المنفعه توانسته‌اند به بهره‌گیری از فرصت‌های ایجاد شده بپردازند و همزمان به واسطه برخورداری از قابلیت‌های نفوذ نهادی و امنیتی، تهدیدی جدی برای جامعه و دولت ترکیه به شمار بروند.

۳- جمع‌آوری اعانه و کمک مالی مردم به عنوان منبع بی‌پایان مالی، قدرت و امکان عظیمی را در اختیار طریقت‌ها قرار می‌دهد که به فعالیت‌هایی همچون کار، سرمایه‌گذاری و مناقصات بزرگ مالی ورود پیدا کنند و با استفاده از ابزار ثروت، قدرت بیشتری به دست بیاورند.

محمدعلی دستمالی، ضمن ارائه این مقاله گفت: در ترکیه گروه‌های فراملی متعدد و متکثری شامل ۳۰ شاخه وجود دارند که هریک دارای زیرشاخه‌ها و نخله‌های بسیاری در مجموع ۴۰۰ گروه شناسایی شده است.

ترکیه کانون بزرگ طریقت‌ها شناخته می‌شود و از جمله شخصیت‌های بارز طریقت اربکان مرتبط با نقشبندیه و فتح‌الله گولن، رئیس سازمان طریقت و مرتبط با جنبش عدالت و توسعه است.

وی افزود: گل‌البجی، محقق لائیک معتقد است طریقت‌ها امکانات فراوانی در اختیار دارند و استدلال می‌کند که فلسفه آموزش آنها با آموزش‌های عادی تفاوت جدی دارد. او درباره آسیب‌های طریقت به صورت جدی کار کرده و مشکلاتی را که طریقت‌ها برای دانش‌آموزان ایجاد کرده‌اند، بررسی کرده است. تمام طریقت‌ها علاوه بر گولن و نورچی‌ها در قدرت گرفتن عدالت و توسعه نفوذ داشتند. از جمله اسماعیل آقایی که با کمک آنها اردوغان در رأی‌گیری‌ها بالا آمده است. اگرچه در چند سال اخیر آرای حزب عدالت و توسعه پایین آمده اما با ابزاری که طریقت‌ها دارند و ارتباطات قوی، امکانات زیاد از گردشگری، صنعت، آموزش، مراکز رفاهی و اعزام دانش‌آموزان خانواده‌های مریدان به کشورهای دیگر و... با هم‌دستی هم توانستند اردوغان را روی کار بیاورند و معاملاتی هم بین طریقت و دولت اردوغان وجود دارد.

از دیگر سو ارتباط اسماعیل آقایی‌ها با اردوغان نیز بسیار وثیق و عمیق است. آنها در ارکان قدرت هم نقش ایفا می‌کنند مثل کودتای ۲۰۱۶ که بعدها منتشر شد که عبدالله گولن از ۱۹۹۰ دانش‌آموزان را در ارکان قدرت جاسازی کرده تا

۲۰ سال بعد که حالا ژنرال‌هایی در قدرت شده‌اند برایش کودتا کنند. از ۳۵۰ ژنرال ترکیه ۱۷۰ نفر اخراج شدند که از مدیران گولن بودند. قبلاً زنان آنها لائیک بودند و هیچ کس اطلاعاتی از این گروه نداشته است. این گروه در حوزه سیاسی و اقتصادی کارهایی می‌کنند در حد تشکیلات غربی.

در حال حاضر بنیان ارتش ترکیه بر طریقت است. نفوذ طریقت‌ها در کشورهای همسایه مثل عراق، سوریه و ترکمان عرب هم شدید هست. دامنه ارتباطات طریقت حتی تا آسیای میانه در ژاپن هم رسیده و بر کردهای ایران هم نفوذ دارند البته شبکه‌ای ندارند.

وی در پایان به ظهور پدیده‌ای جدید به نام شیخ نهری در کردستان عراق اشاره کرد که در خانقاهی بسیار مدرن زندگی می‌کند و لباس‌هایی شیک و امروزی دارد و بر خلاف سران عرفانی و صوفیانه زندگی بسیار مجلل و مدرنی دارد. مسعود بارزانی و بزرگان سیاست عراق هم با او در ارتباط وثیق هستند و در حال حاضر خانقاه بزرگ و مجللی هم در سلیمانیه می‌سازد که قطب جدیدی از دراویش منطقه خواهد بود.



شیخ شمس‌الدین محمد نهرو، رهبر طریقت قادریه کسنزانی

این گروه هم دارای نفوذ سیاسی قوی هستند که باید از هسته‌ای شدن روابط آنها و مسلح شدن ایشان نگران بود و از طرف دیگر هم به دلیل نقش‌آفرینی در امدادرسانی و کمک به مستمندان پایگاه قوی اجتماعی و بزرگی دارند. در مجموع طریقت در ترکیه به شدت آلوده سیاست شده و در حوزه رانت‌های مالی عظیم به امتیازاتی رسیده‌اند که در هیچ جا وجود نداشته است.^۱

^۱ <https://iqna.ir/fa/news/۴۰۵۵۹۸۹>

کتاب «تروریسم نوین: بازیگران، راهبردها و تاکتیک‌ها» منتشر شد



کتاب «تروریسم نوین: بازیگران، راهبردها و تاکتیک‌ها» نوشته اشتفان گوئرتز با ترجمه عسگر قهرمانپور توسط انتشارات جوینده در بهار ۱۴۰۱ راهی بازار کتاب شد.

این کتاب از زبان آلمانی ترجمه شده است و یکی از کارهایی است که توسط پژوهشگر

آلمانی، اشتفان گوئرتز انجام شده است. لازم به یادآوری است که در چاپ جدید این کتاب که الکساندر ای. استرایت‌پارث نیز در نوشتن آن همکاری داشته است. البته، ترجمه نهایی بر اساس آخرین چاپ به روز شد.

از حیث استراتژیک، شاید به جرئت بتوان گفت که در دهه‌های اخیر پدیده تروریسم یکی از پدیده‌های مهم تهدیدکننده بقای حکومت‌ها بوده است. این پدیده نیز بسان دیگر پدیده‌ها همواره در تلاش بوده تا خود را به ابزارهای مدرن دنیا مجهز کرده و برای حفظ موجودیت خود و دست یافتن به اهداف مد نظرش، از ابزارها، تاکتیک‌ها و راهبردهای مدرن استفاده کند. از این رو، آشنایی با تروریسم نوین و ابزارها، تاکتیک‌ها و راهبردهای آن برای سیاست‌گذاران این حوزه اهمیت زیادی دارد.

پژوهشگرانی که کتاب حاضر را نوشته‌اند اهل آلمان هستند. استفان گورتز، استادیار دانشگاه پلیس فدرال آلمان (Bundespolizei) است. اعزام او به خارج از کشور به عنوان افسر نیروهای مسلح آلمان پای او را به بوسنی و لبنان باز کرد. او مدرک لیسانس و فوق لیسانس خود را در رشته علوم سیاسی و دکتری را در مطالعات امنیتی و روابط بین‌الملل اخذ کرد. او بیش از ۱۰۰ مقاله علمی و ۹ کتاب منتشر کرده است که باعث شده به یکی از «متخصصان» معاصر آلمان در زمینه‌های اسلام‌گرایی، سلفی‌گری و جهادی در آلمان تبدیل شود. الکساندر ای. استرایت‌پارث افسر ستاد در مرکز ارتباطات عملیاتی نیروهای مسلح آلمان (Zentrum Operative Kommunikation der Bundeswehr) است. اعزام او نیز به خارج از کشور پای او را به کوزوو و افغانستان کشاند، جایی که در زمینه‌های تحلیل مخاطبان هدف، عملیات روانی و مشاوره رسانه‌ای کار کرد. او قبل از ورود به ارتش، افسر ذخیره و مشاور مدیریت و امور عمومی بود. او مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم سیاسی و تاریخ مدرن در فرایبورگ در Breisgau، آلمان و پس از آن کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی در امور عمومی و رهبری را در برلین به پایان رساند.

به این ترتیب، این کتاب به بررسی بازیگران، راهبردها و تاکتیک‌های تروریسم نوین و جنایات سازمان یافته فراملی در سراسر جهان می‌پردازد. نویسندگان رویکردی میان رشته‌ای برای درک ایدئولوژی‌ها، اشکال همکاری، و ابزارهای تکنولوژیکی مورد استفاده در اشکال جدید تروریسم اتخاذ می‌کنند.

نظریه

با گذشت زمان، می‌توان گفت که تروریسم پژوهی، یک حوزه پیچیده است که از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار می‌گیرد: در سطح ملی یا بین‌المللی از حیث اکتشافی، در علوم سیاسی از حیث نظری و در روابط بین‌الملل از منظر جامعه‌شناسی و غیره.

علوم اجتماعی بین‌المللی در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم پی برد که یافتن تعریفی از تروریسم که با اقبال اجماع جهانی روبرو باشد، غیرممکن است. «تعریف» عمومی پذیرفته شده از تروریسم وجود ندارد، زیرا تروریسم پدیده‌ای منسجم نیست. افزون بر این، تروریسم را باید به عنوان راهبرد بازیگران بسیار متفاوت درک کرد. وانگهی، تحلیل حاضر، تروریسم را گزینه راهبردی بازیگرانی که منطقی عمل می‌کنند، تلقی می‌کند. «تروریسم را می‌توان راهی منطقی برای پیگیری منافع حداکثر در صحنه سیاسی دانست. در میان گزینه‌های زیاد، تروریسم برای سازمان‌های رادیکال در دسترس است».

شناخت فعلی راهبرد «دولت اسلامی» (داعش) نشان می‌دهد که داعش از تروریسم به عنوان یکی از ابزارهای تاکتیکی جدا از تاکتیک‌های منظم نظامی مانند اقدامات تهاجمی و دفاعی واحدهای نظامی یا شبه نظامی استفاده می‌کند.

روش تجربی

طراحی این تحلیل بین‌رشته‌ای، مقایسه‌ای است و از لحاظ تجربی بر روی موارد جدید درباره تروریسم نوین تمرکز دارد. ویژگی‌های تحلیلی تروریسم نوین در سطوح زیر بررسی می‌شود: بازیگران، راهبرد، تاکتیک‌ها، دکتین، ابزار، سلاح، روش، تعامل، همکاری و ادغام بازیگران و راهبردهای جرم سازمان یافته و جهادگرایی.

جهادگرایی بین‌المللی به عنوان نوعی تروریسم نوین در فصل ۲ با تأکید بر ایدئولوژی جهادی آن تحلیل خواهد شد. طرح این تحلیل بیشتر برگرفته از علوم سیاسی است و مفهوم جهاد را با ارجاع به پیامدهای سیاسی، راهبردی و عملیاتی آن به تصویر می‌کشد. علاوه بر این، مسئله رابطه دین و تروریسم، اسلام و تروریسم نیز بررسی شده است، زیرا جهاد به منزله یک الهیات (سطح تحلیلی دین) و همچنین یک راهبرد و دکتین تلقی شده است. همه این پارامترها مفهوم چند صدساله جهاد را شکل می‌دهند. تحلیل الهیات، راهبرد و آموزه‌های جهاد قرن بیستم و بیست و یکم منجر به دسته‌بندی‌هایی از روحانیون «قدیم» و «نو» جهاد می‌شود. همان‌طور که در فصل ۲ با اشاره به مطالعات اسلامی بین‌المللی شرح داده شده است، از نظر تجربی، روحانیون اصلی جهاد مورد بررسی قرار می‌گیرند. طراحی مقوله تحلیلی جدید «مبلغان جدید جهاد» نشان می‌دهد که ایدئولوژی جهادگرایی بیش از الهیات اسلام‌گرایانه نمود دارد. به طور خاص،

راهبرد و آموزه جهادگرایی منجر به نتایج تاکتیکی می‌شود. برای مثال جهاد فردی که نوعی تروریسم سطح پایین برای تنها فعالان جهادی است.

طولانی‌ترین فصل تجربی، فصل ۳، موارد زیر را بررسی می‌کند: همکاری، تعامل و ادغام جرم سازمان یافته فراملی و جهادگرایی بین‌المللی در سطوح مختلف تحلیل. برای مثال، کشت مواد مخدر، حمل و نقل مواد مخدر و قاچاق مواد مخدر، آدم‌ربایی با هدف اخاذی و سایر پارامترها و بازیگران و تحلیل تجربی بازیگران تروریسم نوین. همچنین بررسی انصارالدین، المُرابطون و القاعده در مغرب اسلامی، به وضوح نشان می‌دهند که پارامترهای تروریسم نوین در سراسر جهان در حال گسترش هستند. این پارامترها عبارتند از: شبکه و ساختار سلولی غیرمتمرکز، تأمین مالی چندگانه و ناهمگن جرایم سازمان یافته، برنامه‌های سیاسی مذهبی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی و ساختار اعضای آن‌ها. پژوهش حاضر از تخصص میان رشته‌ای علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، مطالعات آفریقایی و مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه برای تحلیل تعامل، همکاری و ادغام بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، راهبردها و تاکتیک‌های جرایم سازمان یافته و جهادگرایی بین‌المللی بهره می‌گیرد. تحلیل بازیگران منتخب، شبکه حقانی، شرکت دی و لشکر طیب، نشان می‌دهد که چه چیزهای جدیدی درباره تروریسم نوین در قالب راهبردی، تاکتیکی و همکاری پرسنل و تاکتیک‌های ترکیبی مانند آدم‌ربایی برای اخاذی وجود دارد.

در فصل ۴ ابزارهای جدید فن‌آوری اینترنت و رسانه‌های مخابراتی قرن بیست و یکم با استفاده از علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و علوم رسانه به عنوان

ابزارهای ضروری یا تعویض‌کننده‌های بازی تحلیل می‌شوند. این واقعیت را به یاد داشته باشید که یک سازمان تروریستی مانند القاعده بیش از ۲۰ سال است در حیات خود به استفاده از اینترنت ادامه داده است، در حالی که گروه‌های تروریستی به طور متوسط کمتر از ۱ سال استفاده کرده‌اند. آنچه محل تردید نیست این است که «دولت اسلامی» چنین جهاد عظیمی از مبارزان و هواداران خارجی اروپایی را برای جهاد خود در سوریه و عراق و حملات تروریستی در کشورهای غربی بدون وجود اینترنت و رسانه‌های اجتماعی استخدام نکرده است. فصل ۴ با تحلیل راهبردها و تاکتیک‌های سازمان‌های جهادی در اینترنت شروع می‌کند و اینترنت را ابزاری جهادی برای تبلیغات، شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات و کنترل تاکتیکی حملات بررسی می‌کند.

در سطح علوم سیاسی و همچنین در سطح روابط بین‌الملل، راهبردها و تاکتیک‌های تروریسم نو در فصل ۵ بررسی خواهد شد. این تحلیل دارای دو سطح است: سطح سازمان‌های جهادی بین‌المللی مانند القاعده و «دولت اسلامی» و فعالان تنها و سلول‌ها به عنوان بازیگران تروریسم سطح پایین، حملات منتخب جهادی که در سال‌های اخیر در اروپا انجام شده است از نظر تاکتیکی مورد بررسی قرار می‌گیرد و شدت عملیاتی جدید را نشان می‌دهد.

نتیجه

نتیجه این تحقیق نظری و تجربی از بازیگران بی‌شماری از جهادگرایی بین‌المللی و جرایم سازمان یافته (منطقه‌ای و فراملی) و همچنین راهبردها و

تاکتیک‌های آن‌ها، تروریسم نوین است. تروریسم نوین چیزی بیش از یک سازمان تروریستی صرف است. تروریسم نوین در سطوح ایدئولوژی و همکاری و حتی ادغام با سایر بازیگران، استفاده از ابزارهای فن‌آوری اینترنت و سطح راهبرد و تاکتیک‌ها نوین است. تحلیل علمی (علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، حقوق، مطالعات منطقه‌ای آفریقا و خاورمیانه و اقتصاد) و تحلیل مقامات امنیتی باید سطوح این تروریسم نوین و افزون بر همه، تعامل و ارتباط متقابل آن‌ها را شناسایی و بررسی کنند. هدف این کتاب شناسایی و بررسی سطوح مختلف تروریسم نوین است.^۱

^۱ https://www.ilna.news/fa/tiny/news_۱۲۲۲۸۴۱

معرفی کتاب، فراتر از حکومت سکولار و حکومت دین، سیاست دینی در اسرائیل و ترکیه،

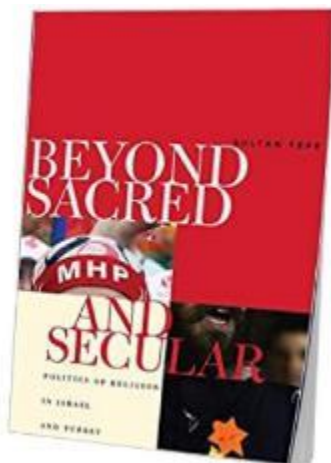
عنوان انگلیسی:

Beyond Sacred and
Secular: Politics of
Religion in Israel and
Turkey

ناشر: Stanford University
Press

نویسنده: Sultan Tepe

سال نشر: ۲۰۰۸



ظهور جهانی احزاب دینی-سیاسی یکی از مهم‌ترین و گیج‌کننده‌ترین ویژگی‌های سیاست کنونی جهان است. از اوایل دهه ۱۹۹۰، احزاب دینی در سراسر جهان به پیروزی‌های انتخاباتی قابل توجهی دست یافته‌اند. کتاب حاضر با مقایسه احزاب سیاسی در اسرائیل و ترکیه به بررسی سیاست دینی و پیامدهای آن برای دموکراسی معاصر می‌پردازد. مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد، در حالی که اسلام و یهودیت معمولاً به عنوان دو دین متفاوت و متضاد به نظر می‌آیند، اما به لحاظ عملکرد در سیاست دینی مشابه هم کار می‌کنند.

نویسنده با تحلیل‌های سراسری و میان عقاید و مذاهب مختلف در یک کشور به رویکردی منحصر به فرد برای شناسایی ویژگی‌های خاص و مشترک

احزاب دینی بدون تقلیل آنها به مقوله‌های ساده دینی- سکولار، یهودی-مسیحی، یهودی-اسلامی یا دموکرات- غیر دموکرات دست می‌یابد. او نشان می‌دهد که احزاب دینی در اسرائیل و ترکیه، ائتلاف‌های گسترده‌ای از حامیان مختلف را جذب می‌کنند و به طرز ماهرانه‌ای کار خود را در جهان دینی و سکولار به طور همزمان پیش می‌برد. آنها ایده‌های سنتی را با پیام‌های سیاسی جدید ترکیب می‌کنند و قدرت تشخیص خطوط را از مردم می‌گیرند و با انتخاب‌های سیاسی استراتژیک، دیدگاه‌های سیاسی مشابه و همه‌پسند را به نمایش می‌گذارند.^۱

فرا تراز- حکومت سکولار و حکومت دین، clisel.com/book/